



چکیده مقالات :

کنگره ملی علوم انسانی
وضعیت امروز، چشم انداز فردا
جلد ۲

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

۲۲-۲۴ اسفند ۱۳۸۵

تهران

به اهتمام

دبیرخانه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی



شورای علمی کنگره: (به ترتیب الفباء)

- ۱- دکتر صادق آئینه وند
- ۲- دکتر علی افخمی
- ۳- دکتر غلامعلی افروز
- ۴- دکتر سید کاظم اکرمی
- ۵- حجت الاسلام و المسلمین حمید پارسانیا
- ۶- دکتر سید علی اکبر حسینی سروری
- ۷- دکتر بهروز درّی نوکرانی
- ۸- حجت الاسلام و المسلمین محمود رجبی
- ۹- دکتر حامد صدقی
- ۱۰- دکتر حسینعلی قبادی
- ۱۱- دکتر حسین کلباسی اشتری
- ۱۲- دکتر مهدی گلشنی
- ۱۳- حجت الاسلام و المسلمین غلامرضا مصباحی
- ۱۴- دکتر سید فضل الله موسوی
- ۱۵- دکتر مظفر نامدار
- ۱۶- حجت الاسلام و المسلمین مهدی هادوی تهرانی

اسامی داوران مقالات

۲۸ - دکتړ محسن ایمانی	۱- دکتړ حمید رضا آراسته
۲۹ - دکتړ عباس بازرگان	۲- دکتړ غلامرضا آزاد ارمکی
۳۰- دکتړ سوسن باستانی	۳- دکتړ فردوس آقا گل زاده
۳۱ - دکتړ خسرو باقري	۴- دکتړ حمیدرضا آیت اللهی
۳۲ - دکتړ احمد براتی	دکتړ صادق آئینه وند
۳۳ - دکتړ احمد برادران هاشمی	۵- دکتړ حسین پرویز اجلالی
۳۴ - دکتړ سعید بزرگ بیگدلی	۶- دکتړ قدسی احقر
۳۵ - دکتړ محمد رضا بهرنگی	۷- دکتړ میریلا احمدی
۳۶ - حجت الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا	۸- دکتړ مصطفی ازکیا
۳۷ - دکتړ حسن پاشا شریفی	۹- دکتړ قیس آل قیس
۳۸ - دکتړ محمد جعفر پاک سرشت	۱۰- دکتړ عیسی ابراهیم زاده
۳۹ - دکتړ محمد رضا پرداختچی	۱۱- دکتړ علی اکبر احمدی افرمجانلی
۴۰ - دکتړ محمد حسین پناهی	۱۲- دکتړ بهرام اخوان کاظمی
۴۱ - دکتړ رضا پورحسین	۱۳- دکتړ فرهنگ ارشاد
۴۲ - دکتړ محمد سعید تسلیمی	۱۴- دکتړ علی اصغر اسفندیاری
۴۳ - دکتړ مصطفی تقوی	۱۵ - دکتړ محمد حسین اسکندری
۴۴- دکتړ حمید رضا تنکابنی	۱۶- دکتړ عزیزالله اسماعیلی
۴۵ - دکتړ نوین تولایی	۱۷ - دکتړ علی افخمی
۴۶ - دکتړ مهدی جمشیدیان	۱۸ - دکتړ غلامعلی افروز
۴۷- دکتړ جعفر جهانی	۱۹ - دکتړ محمد اکبریان
۴۸ - دکتړ علی محمد حاضری	۲۰ - دکتړ سید کاظم اکرمی
۴۹ - دکتړ زهرا حجازی زاده	۲۱- دکتړ لعیا الفت
۵۰ - دکتړ فیروز حریرچی	۲۲ - دکتړ سید مهدی الوانی
۵۱ - دکتړ عبدالرزاق حسامی فر	۲۳ - دکتړ محسن الویری
۵۲ - دکتړ سید محمود حسینی	۲۴- دکتړ مرتضی امین فر
۵۳ - حجت الاسلام والمسلمین سید حسین حسینی	۲۵- دکتړ بهادر امینیان
حسینی	۲۶ - دکتړ حمید انصاری
۸۳ - دکتړ محمود سریع القلم	۲۷ - دکتړ محسن انصاری رنالی

۵۴- دکتر سید حسین حسینی	۸۴- دکتر حسن سعیدی
۵۵- دکتر سید علی اکبر حسینی سروری	۸۵- دکتر نادر سلسبیلی
۵۶- دکتر سیمین حسینیان	۸۶- دکتر رضا سلیمان حشمت
۵۷- دکتر محمد باقر حشمت زاده	۸۷- دکتر سید حسین سلیمی
۵۸- دکتر محمد علی حقیقی کفاش	۸۸- دکتر محمد رضا سنگری
۵۹- دکتر محمد رضا حمیدی زاده	۸۹- دکتر حسن سید عرب
۶۰- دکتر احمد علی حیدری	۹۰- دکتر علی شائمی
۶۱- دکتر احمد علی خائف الهی	۹۲- دکتر شایان شادمان
۶۲- دکتر احمد خاتمی	۹۳- دکتر پروانه شاه حسینی
۶۳- دکتر فضیله خانی	۹۴- دکتر علیرضا شجاعی زند
۶۴- دکتر بهاءالدین خرمشاهی	۹۵- دکتر حسن شعبانی
۶۵- دکتر عباس خلجی	۹۶- دکتر مهناز شهرآراء
۶۶- دکتر محسن خلیجی	۹۷- دکتر زهرا صادقی
۶۷- دکتر ابوالقاسم دادور	۹۸- دکتر محمد حسن صادقی مقدم
۶۸- دکتر محمد درویش زاده	۹۹- دکتر مریم صانع پور
۶۹- دکتر بهروز دری نوکرانی	۱۰۰- دکتر حامد صدقی
۷۰- دکتر علی دلاور	۱۰۱- دکتر غلامرضا صدیق سروستانی
۷۱- دکتر غلامرضا دین محمدی	۱۰۲- دکتر الیاس صفاران
۷۲- دکتر علی ذکایی	۱۰۳- دکتر پروین صمدی
۷۳- دکتر ابوالقاسم رادفر	۱۰۴- دکتر غلامعلی طبرسا
۷۴- دکتر فاطمه راکعی	۱۰۵- دکتر حسن عابدی جعفری
۷۵- دکتر علی ربانی خوراسگانی	۱۰۶- دکتر اکبر عالم تبریز
۷۶- دکتر عباسعلی رستمی نسب	۱۰۷- دکتر حمید عباداللهی
۷۷- دکتر عباسعلی رضایی	۱۰۸- دکتر سید هادی عربی
۷۸- دکتر احمد رضی	۱۰۹- دکتر محمد عطاران
۷۹- دکتر سعید زاهد زاهدانی	۱۱۰- دکتر فریده علوی
۸۰- دکتر شمس السادات زاهدی	۱۱۱- دکتر هدایت علوی تبار
۸۱- دکتر محمد سپهری	۱۱۲- دکتر موسی عنبری
۸۲- دکتر حسین سراج زاده	۱۴۲- دکتر ارسلان گلفام

۱۴۳ - دکتر احمد گلی	۱۱۳ - دکتر غلامحسین غلامحسین زاده
۱۴۴ - دکتر فریبا لطیفی	۱۱۴ - دکتر حسین غلامی
۱۴۵ - دکتر علی مبینی دهکردی	۱۱۵ - دکتر علی فتحی آشتیانی
۱۴۶ - دکتر بهرام محسن پور	۱۱۶ - دکتر کوروش فتحی واجارگاه
۱۴۷ - دکتر رضا محمد زاده	۱۱۷ - دکتر محمد رضا فخرروحانی
۱۴۸ - دکتر محمد صالح شریف عسکری	۱۱۸ - دکتر غلامرضا فدایی عراقی
۱۴۹ - دکتر بیوک محمدی	۱۱۹ - دکتر مهدی علیپور
۱۵۰ - دکتر رضا محمودی نیا	۱۲۰ - حجت الاسلام والمسلمین رضا غلامی
۱۵۱ - دکتر علی مرادخانی	۱۲۱ - دکتر عبدالوهاب فراتی
۱۵۲ - دکتر علیرضا مرادی	۱۲۲ - دکتر علی فرحزادی
۱۵۳ - دکتر مرتضی خسرونژاد	۱۲۳ - دکتر حسین فرزانه پور
۱۵۴ - دکتر محمد حسین مشرف جوادی	۱۲۴ - دکتر علی اکبر فرهنگی
۱۵۵ - دکتر حمیده معرفت	۱۲۵ - دکتر اکبر فریار
۱۵۶ - دکتر سعید معید فر	۱۲۶ - امیر فریار
۱۵۷ - دکتر ثریا مکنون	۱۲۷ - دکتر ابوالحسن فقیهی
۱۵۸ - دکتر نظام الدین مکیان	۱۲۸ - دکتر یحیی قانلی
۱۵۹ - دکتر مجتبی منشی زاده	۱۲۹ - دکتر بهزاد قادری
۱۶۰ - دکتر حسن موسوی چلک	۱۳۰ - دکتر حاکم قاسمی
۱۶۱ - دکتر یعقوب موسوی خامنه	۱۳۱ - دکتر محمد امین قانعی راد
۱۶۲ - حجت الاسلام والمسلمین داود مهدوی زادگان	۱۳۲ - دکتر حسینعلی قبادی
۱۶۳ - دکتر محمود مهر محمدی	۱۳۳ - دکتر قربانعلی قربانزاده
۱۶۴ - دکتر علی میرزاییگی	۱۳۴ - دکتر فرج الله قنبری
۱۶۵ - دکتر حسین میرزایی	۱۳۵ - دکتر عامر قیطوری
۱۶۶ - دکتر هوشنگ نائبی	۱۳۶ - دکتر عباس کاظمی
۱۶۷ - دکتر عزت الله نادری	۱۳۷ - دکتر احمد کتابی
۱۶۸ - دکتر ناصر نیکوبخت	۱۳۸ - جان الله کریمی مطهر
۱۶۹ - دکتر عبدالله ناصری طاهری	۱۳۹ - دکتر حسین کلباسی
۱۷۰ - دکتر مظفر نامدار	۱۴۰ - دکتر مسعود گلچین
	۱۴۱ - دکتر مهدی گلشنی

۱۷۱- دکتر محمد حسین نبوی حاج حسین

۱۷۲- دکتر فرهاد نصرتی نژاد

۱۷۳- امیر نصری

۱۷۴- دکتر بهرام نوازنی

۱۷۵- دکتر مصطفی نیکنامی

۱۷۶- دکتر محمد واعظ برزانی

۱۷۷- دکتر سید کمال واعظی

۱۷۸- دکتر هادی وکیلی

۱۷۹- دکتر علی محمد ولوی

۱۸۰- دکتر اکرم هادیزاده مقدم

۱۸۱- دکتر سید ضیاء هاشمی

۱۸۲- دکتر حسین هوشنگی

۱۸۳- دکتر محمد رضا یمینی دوزی سرخابی

باسمه تعالی

نظری به کنکورسراسری و وضعیت علمی دانش آموزان داوطلب ورود به رشته های مختلف علوم انسانی کافی است که شأن پائین این علوم رانزد داوطلبین برجسته ورود به دانشگاهها و خانواده آنها نشان دهد. نقش کم رنگی که فارغ التحصیلان علوم انسانی در برنامه ریزی های ملی دارند. جلوه دیگری از بی مهری نسبت به این علوم رانشان می دهد.

متأسفانه در وضعیت فعلی در حالیکه علوم پزشکی، فنی و مهندسی و تا حدی علوم محض مورد توجه هستند و نسبتاً در دانشگاههای رونق دارند، نه به علوم انسانی توجه کافی می شود و نه به مناسبات علوم انسانی و علوم تجربی و نه به ضرورت انطباق علوم انسانی باشرایط بومی؛

"کنگره ملی علوم انسانی : وضعیت امروز چشم انداز فردا." ، که به همت شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی برگزار می شود، درمقام جلب توجه اهل علم، نهادهای قانون گذاری کشوری، کارگزاران حکومتی و جامعه ایران اسلامی به وضعیت ناخوشایند علوم انسانی درکشور و تبیین نقش این علوم درارتقاءعلمی، فرهنگی واجتماعی کشور و توسعه همه جانبه آن است. شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی معتقد است که ارتقاءعلوم تجربی، مؤثرواقع شدن نهضت تولیدعلم و تقویت هویت ملی، نیازمند به یک زمینه فرهنگی مناسب است که بستر آن را فقط از طریق علوم انسانی می توان فراهم کرد .

از زمان چاپ فراخوان مقاله برای این کنگره درتابستان سال جاری تا مهلت مقررشده در دیماه ۸۵ ؛ در حدود ۳۵۸ عنوان مقاله به دبیرخانه کنگره واصل شد. از این تعداد ۲۳۷ مقاله کامل و ۹۷ چکیده مقاله تا پایان مهلت مقرر نگاشته شد. کلیه مقالات واصله جهت داوری به کمیته علمی ارسال و داوری گردید. از میان مقالات داوری شده تعدادی برای ارائه وچاپ وتعدادی نیز فقط برای چاپ انتخاب شده اند.

انچه در این مجموعه گردآوری شده بخش دوم از چکیده هایی است که به دبیرخانه کنگره واصل شده و شرایط لازم را برای چاپ داشته اند. با انتشار این جلد، مجموعه چکیده های مقالات واصله به کنگره ملی علوم انسانی کاملاً در دسترس خوانندگان محترم قرار داده شده است. فابل ذکر است که چکیده های این مجموعه بر اساس محورهای فراخوان کنگره تنظیم شده است تا اساتید محترم امکان ارزیابی میزان استقبال نویسندگان از موضوعات و محورهای کنگره را داشته باشند. امید است این کنگره، قدمی مثبت و مؤثر در احیاء علوم انسانی، در کشوری که زمانی مهد علوم انسانی بوده است، باشد .

در پایان شایسته است از کلیه کسانی که ما را در برگزاری این کنگره مهم یاری دادند سپاسگزاری نماییم و توفیق آنها را در خدمت به دانش و معرفت کشور اسلامیمان از خداوند مسئلت نماییم.
وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

دکتر مهدی گلشنی

دبیر کنگره

محور اول :

وضعیت علوم انسانی در ایران معاصر

موضوعات :

- ارزیابی نقش علوم انسانی و رشته‌های آن در تحولات علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی
- نقش علوم انسانی و رشته‌های آن در برنامه‌ریزی‌ها و بودجه‌بندی‌های آموزشی، پژوهشی و ترویجی
- جایگاه علوم انسانی و رشته‌های آن در نظام تعلیم و تربیت کشور
- ارزیابی وضعیت فعلی علوم انسانی و رشته‌های دانشگاهی آن
- نسبت علوم انسانی در کشور با علوم انسانی در غرب

نسبت علوم انسانی در ایران با علوم انسانی در غرب:

با تأکید بر رشته علوم سیاسی

افسانه احدی

کارشناس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

چکیده :

هرچند که علوم انسانی و زیرمجموعه‌های گسترده آن خواستگاهی عمدتاً غربی دارد، در سالهای اخیر بخش قابل توجهی از جامعه علمی و دانشگاهی کشور را به خود اختصاص داده است. با این حال هنوز جایگاه علوم انسانی در ایران نسبت به کشورهای غربی قابل مقایسه نیست. در کشورهای غربی علوم انسانی چه در دانشگاهها و چه در نهادهای گوناگون جامعه رشته‌ای پایه‌ای تلقی می‌شود که زیربنای بحث‌های کلان این جوامع را تشکیل می‌دهد. در حالی که در ایران رشته‌های علوم انسانی بعد از رشته‌های فنی و علوم پزشکی قرار می‌گیرند و عملاً به کارآیی رشته‌های علوم انسانی بی‌توجهی می‌شود.

با توجه به این مسئله می‌توان رشته‌های گوناگون علوم انسانی را به صورت تخصصی‌تر مورد توجه قرار داد و مقایسه‌ای تحلیلی از جایگاه آنها در ایران و غرب ارائه نمود. در این رابطه این نوشتار در نظر دارد تا جایگاه رشته علوم سیاسی و زیرشاخه‌های آن را در ایران و در کشورهای غربی مورد بررسی قرار دهد، به ویژه که این رشته یکی از پایه‌ای‌ترین رشته‌های تحصیلی در دانشگاههای غربی محسوب می‌شود و به لحاظ کاربردی نیز بسیار مورد توجه محافل رسمی و غیررسمی در کشورهای اروپایی و آمریکایی قرار دارد و حتی در سالهای اخیر در دیگر کشورهای جهان نیز از جایگاه خاصی برخوردار شده است.

در این نوشتار تلاش می‌شود تا ضمن ارائه تصویری تطبیقی از جایگاه علوم سیاسی در کشور و در کشورهای غربی، راهکارهایی برای چگونگی بهبود جایگاه این رشته در ایران ارائه شود.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، غرب، علوم سیاسی، مقایسه تحلیلی، دانشگاه ها

علوم انسانی در بستر نگرش‌های فرهنگی ایستایی و پویایی

دکتر غلامعلی افروز

استاد دانشگاه تهران

چکیده :

بدون تردید چگونگی نگرش‌های فرهنگی نسبت به "علوم انسانی" نقش بسزایی در منزلت و جایگاه آن در جامعه‌ی ایران اسلامی داشته است. نگاه تحلیلی به تاریخ فرهنگ و تمدن ایران اسلامی بیانگر این حقیقت است که همواره تولید اندیشه‌های پویا و پردازش نظریه‌های نوین و پرچالش توسط اندیشمندان هوشمند و صاحبان تفکر واگرا در حوزه‌ی علوم انسانی بوده است. غالب خانواده‌ها فرزندان مستعد و سرآمد خود را برای درک هرچه بیشتر زبان و ادبیات فارسی، مفاهیم فلسفی و علوم قرآنی هدایت می‌نمودند. اصولاً آدم باسواد و متفکر و فرهیخته و دانشمند به کسی اطلاق می‌گردید که در عرصه‌ی علوم انسانی، بیان و کلام، نگارش و تحریر و تبیین مفاهیم نظری و پردازش نظریه‌های نوین بیشترین ورود و تبحر را داشت.

متأسفانه چند صباحی است که در کشور ما نظام معیوب تعلیم و تربیت به‌ویژه در دوره‌ی دبیرستان و پیش‌دانشگاهی با تأثیرپذیری از فرهنگ مدرک‌گرایی حاکم بر تار و پود جامعه و با ایجاد بستر پدیدآیی و گسترش روزافزون کلاس‌ها و آموزشگاه‌های تک‌درسی، تقویتی، تست‌زنی و کنکورگری، ناخواسته در جهت به مسلخ بردن علوم انسانی و تضعیف ارزش‌های فرهنگی گام برمی‌دارد.

امروزه با وجود ده‌ها هزار آموزشگاه کنکور و بازار پررونق تست‌زنی و ترغیب و تشویق جوانان برای حضور در پیش‌دانشگاهی‌های چندمیلیونی مثلاً غیرانتفاعی جهت احراز آمادگی برای ورود به دانشگاه بالأخص به رشته‌های پزشکی و مهندسی، حاکمیت علوم انسانی بر گستره‌ی علم و اندیشه جامعه روز به روز کمرنگ‌تر می‌گردد. تخصصی نمودن رشته‌های تحصیلی در دوره‌ی دبیرستان و ایجاد و تقویت رشته‌های نظری ریاضی، تجربی در کنار علوم انسانی و تشویق مستقیم و غیرمستقیم دانش‌آموزان مستعدتر برای ورود به رشته‌های ریاضی و تجربی از جمله آفات و موانع گسترش مطلوب علوم انسانی در عصر حاضر در جامعه اسلامی ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی : علوم انسانی ، ایستایی و پویایی ، نگرش‌های فرهنگی، فرهنگ مدرک‌گرایی، تخصصی شدن رشته‌های تحصیلی

بررسی رابطه خلاقیت و میزان ذهنیت فلسفی در مدیران مدارس سه مقطع

ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان شهرستان سنندج در سال تحصیلی ۸۴-۸۵

دکتر علی اکبر امین بیدختی (عضو هیئات علمی دانشگاه سمنان)

جمال عبدالملکی (دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه تهران)

احمد محمدی کمرسخ (دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه سمنان)

چکیده :

روش تحقیق حاضر توصیفی-پیمایشی و از نوع همبستگی می باشد. جامعه پژوهش کلیه مدیران مدارس سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان شهرستان سنندج در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ می باشد، که در مجموع برابر با ۱۹۳ مدیر می باشد. جهت تعیین حجم نمونه از جدول تعیین حجم نمونه مورگان به نقل از کوهن و همکاران (۲۰۰۱) استفاده شد لذا حجم نمونه برابر با ۱۲۷ نفر تعیین شد. جهت گردآوری داده ها از روش پرسشنامه استفاده شد، بدین منوال که از پرسشنامه ۶۰ سوالی خلاقیت که تلفیقی از آزمونهای خلاقیت تورنس (۱۹۶۰)، آدامز (۱۹۹۹) و انجمن روانشناسی آمریکا و بر مبنای طیف لیکرت تنظیم شده بود جهت اندازه گیری میزان خلاقیت مدیران و همچنین از پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر نظریات اسمیت که در بردارنده ۴۵ سوال که سه بعد: جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری ذهنیت فلسفی را با توجه به تنظیم آن براساس طیف لیکرت مورد ارزیابی قرار می داد استفاده شد. جهت تعیین پایایی ابزار از روش آلفای کرانباخ استفاده شد لذا ۲۰ نمونه از دو پرسشنامه در اختیار مدیران قرار گرفت و پس از جمع آوری و تحلیل داده ها، ضریب پایایی حاصل محاسبه شد که به ترتیب برای پرسشنامه خلاقیت برابر با ۰/۸۶ و پرسشنامه میزان ذهنیت فلسفی برابر با ۰/۸۹ بود که نشاندهنده پایایی بالای ابزار بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری اس پی اس در بعد توصیفی از شاخص های فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، دامنه تغییرات و جداول فراوانی و نمودار و در بعد استنباطی از آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی مستقل و تحلیل واریانس یک راه (آنووا) بهره برده شده است. یافته های تحقیق حاکی از آن بود که رابطه معنادار، مثبت و مستقیمی بین خلاقیت و ذهنیت فلسفی و ابعاد آن وجود دارد، همچنین رابطه معناداری در باب خلاقیت با توجه به متغیرهای دموگرافیک وجود دارد.

کلید واژه ها: خلاقیت، ذهنیت فلسفی، جامعیت، تعمق، انعطاف پذیری

ارزیابی نظری روانی معرفت علمی علوم انسانی در ایران

دکتر محمدتقی ایمان

عضو هیات علمی دانشگاه شیراز

چکیده

کسب معرفت از پدیده‌ها و رویدادهای انسانی و طبیعی به عنوان واقعیات مورد مطالعه، هدف بررسی عالمان و اندیشمندان است. تاریخ تحلیل وقایع بیانگر چگونگی تغییر در اظهارنظرها صرفاً متکی بر حدس و گمان تا به مباحث صرفاً فلسفی، پارادایمی و نهایتاً علمی است. هدف تمامی ارزیابی‌ها و تحلیل عالمان، توضیح دقیق واقعیت و دستیابی به چگونگی تغییر و تحولات درونی آن می‌باشد. دقت در توضیح، بستگی به میزان انطباق استنتاج نظری با واقعیت پدیده‌ها دارد که این امر در مباحث علمی تحت عنوان روائی یاد می‌شود. به عبارت دیگر، روائی عبارت از این است که تا چه حد معرفت علمی به توضیح واقعیتی می‌پردازد که در نظر دارد آنرا توضیح دهد.

هویت معرفت علمی که متمایز از دیگر معرفت‌ها (فلسفی، پارادایمی، و...) می‌باشد توسط پارادایم که زیر بنای فلسفی معرفت را در دو قسمت بسیار مهم هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی تعریف می‌نماید. تعیین می‌گردد. پارادایم مجموعه گفتارهای منطقی است که در ارتباط بین ذهنی اجتماعات اندیشمندان مورد پذیرش قرار می‌گیرد و هدایتگر نظری تحقیقات به شمار می‌آید. پارادایم به عنوان مدلی منطقی در تحقیقات ضمن بیان پیش‌فرض‌های علم به ترسیم مسیر حرکت اندیشمندان در چگونگی عبور از مسیر پژوهش و به کارگیری روش‌های علمی مناسب در طول تحقیق می‌پردازد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، نظری روائی، مدل پارادایم، روش‌های علمی

جایگاه کشورهای جهان سوم در انتشار تولیدات علمی جهان

(مطالعه موردی: کشور جمهوری اسلامی ایران)

رحمان پاریاد کارشناس ارشد پژوهشی دانشگاه لرستان

دکتر بهزاد ملکی استادیار دانشگاه لرستان

چکیده :

شاخصهای تحقیقاتی به عنوان ملاکی استاندارد برای مشخص نمودن فعالیتهای تحقیقاتی در سطح جهان معرفی و بکار گرفته شده‌اند و به عنوان راهنمایی برای مشخص نمودن جایگاه و سمت و سوی پژوهش در نظام کلان تحقیقاتی کشور به شمار می‌آیند و بدون شک با علم به آنها می‌توان فعالیتهای تحقیقاتی را از نظر سازماندهی و برنامه‌ریزی تحت کنترل درآورد و با مقایسه و تطبیق آنها با شاخصهای تحقیقاتی کشورهای توسعه یافته از جایگاه واقعی فعالیتهای تحقیقاتی که بعنوان بستر توسعه پایدار قلمداد شده‌اند مطلع گردید.

از طرف دیگر، جای انکار نیست که بیشتر دستاوردهای علم در جهان ما به نحوی ناعادلانه تقسیم شده است و چیزی که ملتهای غنی را از کشورهای فقیر متمایز می‌کند نه تنها کلیه ثروتهای مادی بلکه میزان تولید علمی و دستیابی به دانش بشری است و در واقع آنچه موجب تحول و پیشرفت در قرن حاضر شده است پشتوانه علمی و پژوهش دارد. بدین ترتیب، با وجود اینکه اکثریت جمعیت کره زمین در کشورهای جهان سوم پراکنده شده‌اند با این حال، از انتشار تولیدات علمی جهان سهم ناچیزی را در اختیار دارند و در این میان کشورهای اسلامی که اکثریت آنها کشورهای جهان سوم و در حال توسعه را تشکیل می‌دهند نتوانسته‌اند متناسب با شکوه علمی خود در سالهای آغازین اسلام بدرخشند. به هر حال، کشور ایران هم به عنوان یکی از بزرگترین کشورهای اسلامی در منطقه از این حیث هم برکنار نمانده است که در این مقاله بخصوص از نظر انتشارات علمی بین‌المللی (ISI) مورد توجه قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: کشورهای جهان سوم، انتشارات علمی، مؤسسه اطلاعات علمی

پژوهش در نظام آموزش عالی، چالش ها و راهکارها

فروغ تصدیقی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

محمدعلی تصدیقی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

چکیده:

انگیزه تحقیق و نیاز به آن همواره زندگی انسان را در طول تاریخ به خود مشغول داشته است. این مسئله منجر به توسعه علم و دانش در تاریخ بشر شده است و امروزه توسعه جوامع نیازمند تحقیق در همه زمینه های علمی است. نهادهای آموزشی مانند سایر سازمان ها برای توسعه و رشد خود نیازمند پژوهش و تحقیق همه جانبه می باشند. در غیر این صورت از نوآوری و خلاقیت دور خواهند ماند و ایستا و فرسوده خواهند شد. آموزش عالی به عنوان متولی تحقیق و پژوهش در کشور متأسفانه صرفاً به نقش آموزشی خود تحلیل یافته است.

عوامل متعددی در این زمینه دخالت دارد که مهم ترین آنها عبارتند از: فقدان فرهنگ پژوهش و تحقیق، فقدان انگیزه های مادی و معنوی، عدم ارتباط بین محققان، تمرکزگرایی تحقیقات در سازمان های دولتی، موانع اداری و مالی (بوروکراسی)، موظف نبودن استادان به امر پژوهش، عدم کاربست تحقیقات، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند.

پس از بررسی و تجزیه و تحلیل آن عوامل تحت عنوان چالش های پژوهش و تحقیق در آموزش عالی، برای برطرف کردن آن ها و دستیابی به راهکارهایی برای رفع چالش های مذکور، برخی از ویژگی های پژوهش و تحقیق در کشورهای توسعه یافته از قبیل: برگزاری دوره های آموزشی کوتاه مدت در زمینه روش های تحقیق، موظف بودن پژوهش برای استادان، مدیران و دست اندرکاران نظام آموزش عالی، اعطای فرصت مطالعاتی و پژوهشی به استادان، قدردانی مناسب از استادان پژوهشگر، ارتباط بین پژوهشگران و مدیران، توجه به تحقیقات مشارکتی، توجه به سرمایه گذاری در تحقیقات، کاهش بوروکراسی در نظام اداری آموزش عالی، تأسیس یک سازمان تحقیقاتی مستقل در کشور با عنوان راهکارهای پژوهش و تحقیق در آموزش عالی مورد بررسی و کاوش قرار گرفت و پیشنهادات لازم ارائه شد. عدم توجه راهکارهای ذکر شده و عدم توجه به امر پژوهش در نظام آموزش عالی زیان های جبران ناپذیری را برای جامعه به دنبال خواهد داشت بدان امید که توجه به پژوهش در نظام آموزش عالی روز به روز رشد بیشتری داشته باشد.

کلید واژه ها: پژوهش - نظام آموزش عالی - استادان - اقدام پژوهی - مدیریت - تحقیقات

مشارکتی

ارتباط بین نظام آموزشی متوسطه و پیش‌دانشگاه با آموزش عالی «کاستیها و نقائص»

محمدباقر حسینی

عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده :

در این مقاله سعی شده است تا با تکیه به دست آمده از مدرسین و دانش‌آموزان و دانشجویان - که ارزیابی‌های گسترده‌ای نیز در این ارتباط صورت گرفته است - به کاستیها و نقائص آموزش متوسطه آموزش عالی و ارتباط ضعیف آن دو نظام با یکدیگر، اشاره شود و در حد توان، به برخی راهکارها نیز اشاره شود.

کلید واژه‌ها: نظام متوسطه ، آموزش، پیش‌دانشگاهی، آموزش عالی

استوارسازی بازخورد دانش پژوهانه و گسترش فرهنگ دانش پژوهی:

راه کاری برای بهبود دانش پژوهی در زمینه های انسانی

منصورعلی حمیدی

آموزش شناس دانشگاه الزهرا

چکیده :

از دیدگاه سازایی گری، آدمی در گذر روزگار می آموزد که چگونه به پدیده های جهان هستی واکنش نشان دهد. این واکنش ها همچون آدمی سرشتی سه سویه دارند: شناختی، دل خاسته، و رفتاری. به چنین واکنش های ازپیش آموخته شده ای بازخورد می گوئیم چون در برخورد با پدیده های گوناگون از ما سر می زنند و از پدیده ای به پدیده ی دیگر ناهمانندند، همان گونه که از فردی به فرد دیگر ناهمانندی دارند. این گونه بازخورد رودرروی فرهنگ قرار می گیرد چون فرهنگ را نیز می توان دستاوردهای شناختی، دل خاسته، و رفتاری آدمی دانست. رودرروی بازخورد و فرهنگ از این روزن است که یکی سرشتی فردی دارد و دیگری گروهی! از این رو، از هم جدا نشدنی هستند همان گونه که فرد و گروه چنینند. بازخوردها و فرهنگها گوناگونند و در میان آنها بازخورد دانش پژوهانه و فرهنگ دانش پژوهی است که میزان استواری و گسترده گی آن زمینه ساز چون بود دانش پژوهی در هر کشوری و هر زمینه ای می شود. مراد از گونه ی نخست، بازخوردی است که یک دانش پژوه راستین به هستی و به ویژه به کنش ارجمند دانش پژوهی دارد. مراد از گونه ی فرهنگی هم آگاهی ها، باورداشت ها، ارزش ها، و رفتارها و دستاوردهایی است که گروه دانش پژوهان را یک گروه می کنند. شناخت این دو و میزان استواری و گسترده گی آنها در ایران و در زمینه های انسانی می تواند زمینه ساز دست یابی به راه کارهایی برای هرچه بالاتر بردن چون بود دانش پژوهی باشد. بنیادی ترین جستاری که می توان در این زمینه داشت، همانا گفت و گو در باره ی زبان دانش پژوهی است که بخردانه بودن و بومی بودن از ویژه گی های آن هستند. اگر بخواهیم که دانش پژوهیمان درست و بومی باشد، آیا بازخورد ما به زبانمان و به دانش پژوهی دانش پژوهانه است که بتوانیم سخن از یک شناسه ی گروهی و یک فرهنگ دانش پژوهی برانیم؟ پاسخ به این پرسش در جستار زیر یافت می شود.

کلیدواژه ها: بازخورد دانش پژوهانه، فرهنگ دانش پژوهانه، سازایی گری، سازایی گری پادآمیانه

نسبت نافرجام نظریه و عمل در ایران معاصر

صادق حیدری‌نیا

عضو مؤسسه مطالعات فرهنگ و تمدن ایران زمین

چکیده :

با شکل‌گیری طبقه منورالفکر و روشنفکر در ایران معاصر، مؤلفه‌های فرهنگی و مقولات نظری در حوزه اجتماع، فراتر از فضای محدود علمی و به شکل فراگیر از طریق چاپ کتاب و روزنامه، و با هدف ایجاد تغییرات در جامعه منتشر شد. به رغم آنکه محتوای کلام و اندیشه روشنفکر (صرف نظر از مبانی و یا دیدگاه و تمایلات وی) معطوف به تغییرات وسیع در عرصه جامعه بود، اما پیوند بین نظریه و عمل - که اصل گریزناپذیر برای سنجش تأثیرگذاری اندیشه نخبگان در اجتماع است - هرگز شکلی فراگیر به خود نگرفت. مباحث نظری در عرصه سیاست و تغییرات عمیق اجتماعی نیز، دست کمی از عرصه‌های علمی - فرهنگی نداشت: تلاش جریان روشنفکری چپ در دوره پهلوی اول و دوم منجر به پیدایش نهضت‌های کوچک سیاسی و چریکی شد که نسبتی با جامعه نداشت، تنها حرکت مذهبی گروهی از نخبگان روحانی و دانشگاهی در دهه چهل و پس از آن، با بهره‌گیری از پتانسیل و مبانی تاریخی - فرهنگی خود، توانست تغییری وسیعی و همه‌جانبه در ساختار و رفتار سیاسی ایجاد نماید که حاصل آن انقلاب اسلامی مردم ایران بود. این حادثه تنها نمونه تکمیل بی‌کم و کاست پروسه نظریه تا عمل است که می‌توان در یکصدسال اخیر بازجست. در این مقاله تلاش خواهد شد تا ضمن ارائه تعریفی از نظریه و عمل، به تفکیک عمل به عنوان تلاش فکری یک نظریه‌پرداز، و عمل به عنوان رفتاری اجتماعی و فراگیر از سوی توده مردم و یا اغلب افراد یک طبقه (مثلاً طبقه دانشگاهی) پرداخته و به این پرسش پاسخ داده شود که: نظریه‌های معطوف به علوم انسانی و اجتماعی در دوره گذر از سنت به مدرنیته در ایران معاصر واجد چه کاستی‌هایی بوده که منجر به تکمیل پروسه نظریه تا عمل اجتماعی نشده است؟

کلید واژگان: نظریه، عمل، اجتماع، علوم انسانی، روشنفکر، رفتار سیاسی، شهروند مدنی، نخبگان دانشگاهی

مطالعات فرهنگی و ادب فارسی

دکتر احمد رضی

دانشگاه گیلان

چکیده :

مطالعات فرهنگی یک رویکرد میان رشته‌ای در حوزه علوم انسانی است که با استفاده از ظرفیت رشته‌های گوناگون، درصدد مطالعه آثار فرهنگی یک جامعه و نشان دادن تأثیر آنها در چگونگی شکل‌گیری هویت افراد جامعه است.

نقد ادبی در این رویکرد، یکی از ارکان مهم پژوهش شمرده می‌شود؛ زیرا ادبیات شناسنامه فرهنگی هر ملت و بازتاب دهنده ارزشهای فرهنگی غالب در میان مردم است و باورها و رفتارهای آنها را به خوبی نشان می‌دهد.

در این مقاله ضمن معرفی نمونه‌هایی از مطالعات فرهنگی که با تکیه بر آثار ادب فارسی انجام گرفته است، شیوه‌های مواجهه پژوهشگران فرهنگی با ادبیات توضیح داده می‌شود.

در این رویکرد، گاه با شبیه دانستن ساختار فرهنگ هر جامعه با ساختار متن ادبی، از شیوه‌های قرائت متون در مطالعات تولیدات فرهنگی استفاده می‌شود. و گاه با توجه به نقش میراث ادبی در فرهنگ‌سازی و نقش شاعر و نویسنده در تغییر و تحولات اجتماعی و اثرپذیری آنان از فرهنگ حاکم بر جامعه، نقد ادبی متون مورد توجه قرار می‌گیرد و با استفاده از رهیافت‌های مختلف تلاش می‌شود تا ارزشهای فرهنگی حاکم بر جامعه که در آثار ادبی منعکس شده است شناسایی شود. در این مطالعه، علاوه بر شناسایی هنجاریهایی که به صورت مستقیم در آثار ادبی بازتاب یافته‌اند، به صورت غیرمستقیم نیز هنجاریهایی که ریشه در ناخودآگاه جمعی دارد، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: مطالعات فرهنگی، میان رشته‌ای، ادبیات، نقد ادبی، متن ادبی

ارزیابی وضعیت علوم سیاسی در ایران

مقصود رنجبر

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم

چکیده :

دانش سیاسی، علم سیاست و علوم سیاسی واژه‌هایی هستند که دلالت بر معرفت واحدی دارند که موضوع اصلی و محوری آن حکومت و دولت در وجوه و ابعاد مختلف آن است. از دیرباز اندیشه درباره دولت و حکومت یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان بوده است که در جامعه ایران هم دارای سابقه طولانی است. اندیشه سیاسی در دوران قدیم ایران نتیجه این تأملات است. باید گفت که ماهیت اندیشه سیاسی با دانش سیاسی دوران جدید کاملاً متفاوت است و در واقع شاید بتوان گفت که علم سیاست به مفهوم دقیق آن در ایران علم جدیدی است. اندیشه سیاسی در دوران قدیم بیشتر جنبه توجیه‌گرانه داشته و روش آنها هم عقلی بوده است که در غالب اوقات با روشهای نقلی تلفیق می‌شده‌اند که به کار توجیه حکومتها بیاید. از همین رو هم صاحبان اندیشه سیاسی در دوران قدیم ایران (اسلامی) در خدمت یک خاندان حکومتی بوده‌اند. اما دانش سیاسی امروز علاوه بر اینکه می‌تواند تمام جنبه‌های اندیشه سیاسی قبلی را داشته باشد ماهیت راهبردی و حل المسائلی هم دارد. در واقع کارکرد دانش سیاسی امروز صرفاً توجیه نیست، هر چند که آن هم هست، بلکه معرفتی است که به دنبال گره‌گشایی در امورات مختلف مربوط به دولت و حکومت است که بخشی از امور کاملاً جنبه فکری و نظری دارند و بخشی از آنها هم جنبه عملی دارند که البته این دو جنبه کاملاً ملازم با یکدیگر و در پیوند متقابل هستند.

از این نظر دانش سیاسی و علم سیاست حوزه گسترده‌ای از مسائل را در بر می‌گیرد که در دنیای جدید حکومت‌ها با آن مسائل درگیر بوده و با آنها سرو کار دارند. امروزه حکومتها با وجود اینکه هنوز هم فلسفه اصلی ضرورت آنها امنیت و نظم سیاسی و اجتماعی است، برای تحقق این هدف و غایت با حوزه گسترده‌ای از فعالیتها در سطح داخل و خارج درگیر هستند و در واقع کارکرد اصلی دانش سیاسی کاوش درباره این امور و شناسایی پدیده‌های مختلف مرتبط با حکومت است. دانش سیاسی امروز علاوه بر بهره‌گیری از روشهای عقلی از روشهای علمی هم برای شناخت پدیده‌ها استفاده می‌کند، از این نظر باید گفت که دانش سیاسی با این دید نگاه می‌کنند و نه اصولاً دانش سیاسی در ایران به طور ذاتی دارای چنین

توانمندیهایی است. از این جهت نگارنده معتقد است که وضعیت تولید دانش سیاسی در ایران بحرانی است و البته این که کشور ما هم دارای معضلات بسیاری است از یک بعد مربوط به همین قضیه است.

اما درباره بحرانی بودن باید گفت که واژه پیچیده و حداقل مبهمی است و تشخیص وضعیت بحرانی از وضعیت غیر بحرانی و یا عادی، کار دشواری است. امروزه واژه بحران را در مورد بسیاری از پدیده‌ها به کار می‌برند ولی شاخص‌چندانی در این زمینه ارائه نمی‌شود که وضعیت بحرانی دارای چه مشخصه‌هایی است. برای مثال بحران هویت، بحران مشروعیت و... از اصطلاحاتی است که بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی واقعا معلوم نیست که تحت چه شرایطی می‌توان گفت که وضعیت هویت در یک جامعه بحرانی است. در اینجا هم این ابهام وجود دارد ولی مراد نویسندگان از این واژه بیشتر بر ناکار آمدی و عقیم بودن آن دلالت دارد، به این معنی که دانش و معرفت سیاسی در ایران ناکار آمد و در عین حال عقیم است و از باز تولید بیشتر عاجز می‌باشد. همچنین از انجام دادن کار کردهای اصلی خود که همانا ارائه طریق به حکومت است ناتوان می‌باشد، این وضعیت معلول عوامل مختلفی است که در این مقاله به بررسی آنها پرداخته‌ایم.

کلید واژه ها : علوم سیاسی، ارزیابی وضعیت، بحران، عقیم بودن

نقد و بررسی مطالعات تطبیقی هانری کربن

در اندیشه‌های سهروردی

حسن سیدعرب

عضو بنیاد دایرة المعارف اسلامی

چکیده :

علاقه هانری کربن (۱۹۰۳ - ۱۹۷۹ م) به فرهنگ ایران و اسلام و تشیع، از توجه او به سهروردی (۵۴۹ - ۵۸۷) نشأت می‌گیرد و در حقیقت، وی کربن را به وطن معنوی خویش برده است. البته تفسیر او از سهروردی کاملاً «شخصی» است، همان‌گونه که به گفته وی «تفسیر [= ملاصدرا] از [= حکمه الاشراق] ، شخصی است».

به نظر کربن، قصد سهروردی از طرح شجره اشراقی و توجه به نیاکان و کسانی که تبار معنوی او را تشکیل می‌دهند. آن است که می‌خواهد، حکمت یونان و مشکات انوار نبوی در اسلام و فرهنگ معنوی ایران را به یکدیگر پیوند دهد.

به نظر او سهروردی در اقلیم‌هایی که از آنها سخن می‌گوید «حضور» دارد و یکی از آنها ایران است. شرق، در اندیشه وی، چشمه نور و وجود است و ایرانیان چون در شرق جهان اسلام زندگی می‌کنند، اشراقی نیستند بلکه چون حامل خمیره ازلی اند اشراقی هستند. از این رو کربن می‌گوید سهروردی بار «گذشته» ایران را به دوش کشید و آن را به «اکنون» تبدیل کرد. به نظر وی، سهروردی سنت گراترین حکیم مسلمان است، زیرا پیوند میان اشراق ایرانی و سنن معنوی ایران باستان، حاصل فکر اوست و از این رو وارث حکمای الهی خسروانی است زیرا به جهان‌شناسی فلسفی خصوصاً به تلفیق فلسفه و سلوک معنوی نزد آنها توجه کرد. کربن معتقد است سهروردی شاهنامه را به همان طریقی قرائت کرد که عارفان مسلمان، قرآن را قرائت کرده‌اند.

کربن می‌گوید به رغم این که در برخی نظام‌های فلسفی، کمال نفس، اتصال به عقل فعال دانسته شده اما در حکمت سهروردی، عقل و وحی در اتصال به عالم مثال با یکدیگر وحدت دارند. از دلایل کربن در اثبات توجه سهروردی به عالم مثال این است که می‌گوید وحی غیرمصطلح، جوهر مشترک منابع اندیشه سهروردی است. او می‌گوید به نظر سهروردی، عالم مثال، رسالت پیامبر و اندیشه فیلسوف را از یکدیگر جدا نمی‌کند و بر این اساس سنت نبوی سامی را با سنت پیامبری در ایران و از سوی دیگر هاله اوستایی را با نور محمدی در سنت دینی در اسلام یکی می‌داند و نقش او به عنوان میانجی اسلام و حکمت کهن ایران زرتشتی، در واقع نقش سلمان فارسی (متوفی ۳۶ ق) در میان محبان ایرانی و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و علیهم اجمعین است. نیز سهروردی در

اندیشه خود حکمت ایران باستان را با فلسفه اسلامی تلفیق کرد و بعدها اندیشه او و محیی‌الدین بن عربی (۵۶۰ - ۵۳۸ ق) به گسترش عرفان ایرانی - اسلامی در ایران رونق بخشید.

به نظر کربن، تلفیق ناشی از شجره معنوی سهروردی بطور خاص، در سنت فلسفی شیعه در ایران تداوم یافت و اوج ثمربخشی آن در عهد صفویه در حوزه فلسفی اصفهان بود به گونه‌ای که نسبت سوشیانت با زرتشت، همان نسبت امام مهدی علیه‌السلام با حقیقت محمدی دانسته شد. در این حوزه، سنت اشراق سهروردی و حکمت امامیه به هم پیوستن و میر داماد (۹۴۰ - ۱۰۴۱ ق) از آن ارث برد. اندیشه او به نحو کامل، معرف یک حکیم ایرانی است. وی در ادراک عمیق آثار ابن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق) از تعالیم سهروردی بهره برد. کربن می‌گوید میرداماد آمیزه‌ای از ابن سینا و سهروردی و معارف شیعه امامیه است و هنوز نمی‌توان طریقی را که در حوزه فلسفی اصفهان به آمیزش اندیشه ابن سینا و تصوف و اشراق و تشیع امامیه منتهی شد، تشخیص داد. کربن برخی از قسمت‌های الرواشح میرداماد را عیناً برگرفته از اندیشه‌های سهروردی می‌داند. او جلسه‌های میرداماد را هم شبیه سهروردی می‌داند و حتی معتقد است که اندیشه‌های ملاصدرا (۵۷۹ - ۱۰۵۰ ق) به عنوان مشهورترین متفکر حوزه فلسفی اصفهان، شبیه افکار سهروردی است.

در حکمت اشراق سهروردی، شناخت اشراقی، گونه‌ای علم حضوری است و تجرد نفس، مبتنی بر اشراق دانسته شده و کربن با این گمان که علم حضوری در مقابل علم حصولی و از تقسیمات علم محسوب می‌شود گفته است «یقین تزلزل‌ناپذیر با استدلال و برهان منطقی به دست نمی‌آید». نیز «حضور و علم حضوری اشراقی، منطبق جای نمی‌گیرد». در حالی که سهروردی در التلویحات اللوحیه و العرشیه تصریح کرده که شناخت اشراقی مسبوق به منطوق را از ارسطو آموخته است. در اندیشه او، حضور حاصل کشف حجاب نفس است و به فضیلت خلسه آمیز رهایی از حبسگاه عالم ماده التفات می‌کند، و از این رو حامل معنای بسیار وسیعی از تقسیم علم به حصولی و حضوری است. معهدا شناخت اشراقی، گونه‌ای حضور بوده و درجه آن به تجرد نفس باز می‌گردد. بنابراین سهروردی در مکاشفه‌ای که طی آن ارسطو را شهود می‌کند، ارسطو به وی می‌گوید «به خویشتن خویش باز گرد» و شاید به همین دلیل سهروردی در نسب نامه اشراقی خود و همچنین در همان مکاشفه، با یزید بسطامی (۱۸۸ - ۲۶۱ ق) و سهل تستری (۲۰۰ - ۲۸۳ ق) را از حکیمان راستین و واقعی می‌داند. اگرچه سهروردی کمال حکیم را در تاله و بحث می‌داند اما کربن مایل است که غلبه تاله را در نیل به این کمال بیشتر کند. او می‌گوید به نظر من معرفت حاصل از اشراق، اگر منتهی به کمال معنوی نگردد حاصلی جز عجب و خودبینی نخواهد داشت و اگر سلوک تجارب معنوی هم متکی بر معارف فلسفی نباشد، سالک را به وادی ابتذال می‌برد، بنابراین

حکمت الهی از ترکیب فلسفه و تجربه معنوی زاده می شود و این دلیل حکمه الاشراق با منطق آغاز و با وجد و سرور پایان می پذیرد.

واژگان کلیدی: حکمت اشراق، مطالعات تطبیقی، فرهنگ ایران، شناخت اشراقی

اجتهاد به مثابه فرایند کشف و تولید علوم انسانی اسلامی

مهدی علی پور

عضو گروه فلسفه علوم انسانی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سیدحمیدرضا حسنی

مدیر گروه فلسفه علوم انسانی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چکیده

این نوشتار با مفروض دانستن امکان و ضرورت تولید علم دینی، در پی تبیین و ارائه روش و راهکاری برای کشف و تولید علوم انسانی اسلامی است. در این نوشته با الهام از روش فقیهان در کشف و استنباط فقه اسلامی که به روش اجتهادی موسوم است به شرح و تبیین فرایند علوم انسانی اسلامی می پردازیم. به گمان ما روش اجتهادی تنها روش کامیاب و موجه در تولید علوم انسانی اسلامی است. کوشیدیم تا اجتهاد را از ابعاد معناشناختی، وجود شناختی و روش شناختی، تحقیق و کاوش کنیم. در نهایت، ارزش معرفت شناختی فراورده‌های حاصل از روش اجتهاد دینی را مورد سنجش قرار می دهیم.

واژگان کلیدی: تولید علوم انسانی، علوم انسانی اسلامی، اجتهاد، روش اجتهادی

بررسی میزان الگوپذیری دانشجویان به فرهنگ غرب

سیمین غلامرضایی

عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان

ایرج نیک‌پی

عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان

چکیده

تاریخ معاصر کشور ما شاهد تحولات فرهنگی وسیع و عمیقی بوده که از جمله عوامل مؤثر بر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در حال گذر ایران، تماس همه جانبه این کشور با جهان غرب است. به طوریکه از زمان شروع این ارتباط حیطه‌های مختلف نظام اجتماع دستخوش دگرگونی شده است و هنوز این مملکت در کش و قوس آن تحولات قرار دارد.

هدف این تحقیق، مقایسه الگوپذیری دانشجویان دانشگاه لرستان به فرهنگ غرب می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان دانشگاه به تعداد ۷۶۰۹ نفر است که بر اساس جدول کرجسی و مورگان و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، حجم نمونه‌ای به تعداد ۴۲۰ نفر تعیین گردید. روش انجام تحقیق به صورت زمینه‌یابی است. ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای محقق ساخته شامل ۴۶ سوال بسته پاسخ مبتنی بر طیف لیکرت می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از بسته نرم‌افزاری SPSS نیز استفاده گردید.

نتایج تحقیق پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که:

- ۱- بین الگوپذیری از فرهنگ غرب و جنسیت رابطه معنی‌داری وجود دارد (۱۶/۴ درصد پسر و ۴۰/۵ درصد دختر).
- ۲- بین دانشجویان متاهل و مجرد از نظر الگوپذیری از فرهنگ غرب رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید (۳۰/۸ درصد دانشجویان مجرد و ۲۹/۳ درصد دانشجویان متاهل).
- ۳- بین سنوات تحصیلی و الگوپذیری از فرهنگ غرب رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید.
- ۴- بین فقدان الگوهای ملی - مذهبی و الگوپذیری از فرهنگ غرب می‌توان گفت با اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد ($p=0.1$ $r=0.89$).
- ۵- بین نوع دانشکده و الگوپذیری از فرهنگ غرب نیز می‌توان گفت با اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد ($p=0.05$ $r=0.577$).

واژه‌های کلیدی: علوم انسانی، دانشگاه، دانشجو، فرهنگ، الگوپذیری، غرب

جایگاه علوم انسانی در ساختار آموزش عالی

فاطمه کریمی

عضو هیات علمی دانشگاه گیلان

چکیده :

دانشگاه که در معنای امروزی به معنی جهانی است از واژه Universe یعنی جهان گرفته شده است. بنابراین جهانی شدن و تنوع از ویژگی‌های بارز مؤسسات دانشگاهی است. اما دانشگاه در عین حال جزئی از بافت فرهنگی - اجتماعی جامعه‌ای است که در آن جا تأسیس شده و فعالیت می‌کند و این جامعه است که موجب الهام و بقای آن می‌شود و از این رو دانشگاه در هر جامعه‌ای باید همواره پاسخگوی نیازهای جامعه باقی بماند.

در توسعه پایدار، جامعه و دانشگاه به هم وابسته‌اند. اگر دانشگاه توانایی‌های علمی و مدیریتی لازم برای تأمین و تداوم توسعه جامعه را نداشته باشد، موجودیت خود را به عنوان کانون توسعه یافته، پیشگام و خلاق برای حل مسایل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از دست می‌دهد. برای تحقق این نقش، ساز و کارهای خلاقیت و نوآوری از الزامات محیط‌های دانشگاهی است. باید متذکر شد که خلاقیت و نوآوری دو مفهوم مترادف نیستند، بلکه خلاقیت خلق اندیشه است و نوآوری به کارگیری اندیشه دست‌یابی به عواملی برای کاهش فاصله این دو بسیار راهگشا است. ایجاد دفاتر ارتباط با صنعت و تغییر نام وزارتخانه به وزارت علوم و تحقیقات و نوآوری گام‌هایی برای نزدیک کردن جامعه و دانشگاه و کاهش شکاف بین خلاقیت و نوآوری است. حال باید دید نقش علوم انسانی در این سازوکار چگونه است؟ می‌دانیم که فقط بخش کوچکی از علوم انسانی به مقوله نوآوری ارتباط دارد و بخش اعظم آن از این مقوله خارج است. لذا با این تعبیر و در دیدگاه فناورانه، معرفت‌های علوم انسانی و دانشکده‌های علوم انسانی در مرتبه فروتری از سایر معرفت‌ها قرار گیرد.

اما در یک نگاه عمیق‌تر باید اظهار کرد اگر قرار است دانشگاه موجودیت خود را به عنوان کانون توسعه از دست ندهد باید به رفع نابسامانی‌ها و کاستی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حقوقی بپردازد. یعنی دانشگاه باید در حوزه‌های اقتصاد، خانواده، حکومت، حقوق شهروندی، انضباط اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، اخلاق، ارزش، هنر نظریه‌پردازی کند. و نیز بتواند در عصر سیطره تکنولوژیک و فن آوری مدیریت بحران هویت و مدیریت دانش و

آموزش را به عهده بگیرد؛ و این همه یعنی فعال کردن آن بخش از علوم انسانی که در مقوله فن آوری نمی گنجد. بنابراین اگر قرار است دانشگاه از جامعه عقب نماند باید در ساختار آموزش عالی رشد متوازن همه علوم از جمله علوم انسانی مدنظر قرار گیرد.

کلید واژه: علوم انسانی، ساختار آموزش عالی، خلاقیت، نوآوری

بحران علوم انسانی در ایران

دکتر بهروز مرادی

فارغ‌التحصیل رشته جامعه‌شناسی دین از دانشگاه آمستردام هلند

چکیده :

در جوامع مدرن، علوم انسانی از جایگاه بالایی در سازماندهی امور جمعی و مدیریت زندگی اجتماعی برخوردارند. اما در جامعه ایران متأسفانه این علوم هنوز جایگاه رفیع و اصلی و مؤثر خود را در ساماندهی زندگی اجتماعی آنچنانکه باید بدست نیاورده‌اند. علت اصلی این اشکال چیست؟ این مقاله به بررسی این موضوع و پاسخ به این سؤال می‌پردازد. نویسنده این نوشتار در پاسخ به این سؤال محوری، به تفکر اجتماعی، تاریخی و فرهنگی در جامعه خودی دست می‌زند و در این راستا هفت بحران را شناسایی می‌کند. نظر بر این است که مجموعه تعاملی و دیالکتیکی این هفت بحران، به بحران علوم انسانی در جامعه ایران منجر گردیده است. این هفت بحران را نویسنده از این قرار نامگذاری نموده است:

۱- بحران تلقی از علوم انسانی استدلالی

۲- بحران فرهنگ ضداستدلالی

۳- بحران ضد منطقی

۴- بحران انحصار

۵- بحران بی‌ارزشی علوم انسانی

۶- بحران مدیریت اجتماعی

۷- بحران نظریه‌پردازی

نویسنده این مقاله با تشریح زوایای این هفت بحران جامعه ایران، به تبیین بحران علوم انسانی در جامعه می‌پردازد و سپس راه را برای ارائه راهکارهایی در جهت بهبود وضعیت علوم انسانی در جامعه ایران می‌گشاید.

کلید واژه‌ها: علوم انسانی، بحران، هفت بحران، جایگاه علوم انسانی

اندر چیستی «علوم انسانی»
وضعیت آن در ایران معاصر و راهکارهایی برای توسعه‌ی آن
(از دیدگاه فلسفی - تحلیلی)

سیدمهدی میرهاشمی

چکیده :

تفکر و آگاهی، ویژگی برتر انسان، مینا و مقدمه‌ی هر عملی است. موضوع «علوم انسانی» به جهت گستردگی و اهمیت آن، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه بوده است. زیرا هم «علم» و هم «انسان» کلید واژه‌های فلسفه بوده و هست، و بررسی آنها جز در سایه‌ی تحلیل فلسفی امکان ندارد.

علوم انسانی به آن دسته از علمی اطلاق می‌شود که موضوعشان «انسان از حیث انسان بودن» است؛ یعنی اموری فراطبیعی که روش خاصی برای پژوهش می‌طلبد. این امر در گذشته، چندان مطرح نبوده، اما با رشد علوم و فنون و کشمکش‌های بین آنها، استقلال علوم انسانی از علوم طبیعی و ریاضی توسط «دیلتای» آلمانی مطرح گردید.

این علوم شامل رشته‌های متنوعی چون علم تاریخ، جامعه‌شناسی، سیاست، اقتصاد، فلسفه، الهیات، ادبیات، زبان، و حتی زیبایی‌شناسی هنر و ... است که مبنای فرهنگ و اخلاق فردی و اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

گرچه امروزه به جهت گستردگی علوم مختلف و تنوع آن، تخصص‌گرایی یک ضرورت علمی شمرده می‌شود، اما علوم مختلف هیچ‌گاه مستقل از هم عمل نمی‌کنند؛ به نحوی که نتایج هر علمی در علوم دیگر نیز تاثیر می‌گذارد و این ارتباطها در «شبکه‌ی باور علمی» امری ضروری و مقبول عقلاست؛ و اگر اینگونه نباشد هیچ پیشرفت جامع و کاملی صورت نمی‌گیرد.

متأسفانه در کشورهای جهان سوم و از جمله «ایران»، وضعیت تحقیق و پژوهش‌های علمی در تمام زمینه‌ها به ویژه در زمینه‌ی «علوم انسانی» تأسف بار است که بودجه‌ی تحقیقاتی و تولیدات علمی ناچیز مویید این مطلب می‌باشد، و این مساله از ناشناخته ماندن ارزش و اهمیت «علوم انسانی» خبر می‌دهد.

با توجه به وضعیت موجود، راهکارهایی چند از جانب نگارنده مقاله ارائه می‌شود:

- ۱- اختصاص بودجه پژوهشی کافی توسط دولت و حمایت از محققان برتر «علوم انسانی»
- ۲- اهمیت دادن به آموزش «علوم انسانی» در دانشگاهها و مدارس
- ۳- توسعه و به روز کردن «علوم انسانی» در آموزش عالی و کاربردی کردن آن
- ۴- جلوگیری از اعمال سلیقه و قدرت اشخاص و نهادها در تحقیقات «علوم انسانی»
- ۵- تبیین نقش و اهمیت «علوم انسانی» در پیشرفت همه جانبه علمی، صنعتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

کلید واژه: علوم انسانی، تخصص گرایی، شبکه باور علمی، تحقیقات

محور دوم :

مناسبات علوم انسانی و علوم تجربی

موضوعات:

- تاثیر علوم انسانی در مبانی علوم تجربی
- تاثیر روش‌شناسی و نظریه‌های علوم تجربی در علوم انسانی

ارتباط علوم انسانی و علوم تجربی

یاسینه جمالو دبیر زیست‌شناسی

محمد گرزینی صنم دبیر فیزیک

از شهرستان شادگان استان خوزستان

چکیده:

علم واقعی دانش و معرفت خاصی است که ایمان و یقین انسان را ارتقای بخشیده و او را به اطاعت و امید به رحمتش امیدوار ساخته است.

هیچ نظریه‌ای در تاریخ علم به اندازه نظریه تکامل با تمامی جنبه‌های جامعه تعامل نداشته است. فلسفه به عنوان فعالیتی که به تفکر درباره تمامی جنبه‌های جهان می‌پردازد از این نظریه غافل نمانده است. ارتباط زیست‌شناسی و فلسفه ارتباطی دو سویه بوده از یک سو فلسفه به ساختار زیست‌شناسی و ارائه مفاهیم آن و مشخص کردن ایده‌های متافیزیکی و غیر تجربی آن می‌پردازد و از سوی دیگر زیست‌شناسی و خصوصاً نظریه بنیادین آن یعنی نظریه تکامل باعث ایجاد ایده‌های فکری جدید در فلسفه شده است.

زیست‌شناسی برآمده از دمیدن روح قدسی بر کالبد خاکی و شناخت معارف نظم حاکم بر پدیده‌ها و در یک کلام نزدیک شدن به علت پدیده‌هاست. وقتی به نظم حاکم بر سلول و مرکز عقلانیت آن می‌اندیشید بدون اینکه کمترین آگاهی به حرکت جوهری و مباحث پیچیده فلسفی و عرفانی داشته باشید فطرت ناخودآگاه شما در برابر عظمت خداوند حی توانا سر تعظیم فرو می‌آورد. و انسان را به شناخت سبحان‌الله ربی‌العظیم و بحمده وا می‌دارد.

اگر نگاهی گذرا به نظریه تکامل و بررسی آن از ابعاد آیات قرآن بپردازیم خواهیم دید که هم طرفدار تکامل و هم منکران آن برای اثبات نظر خویش به آیات قرآن تمسک جستند در تفسیر آیه ۳۳ سوره آل عمران آمده است در عصر انسان‌هایی که نام عالمین بر آنها گذارده شده بود وجود داشته‌اند و آدم برگزیده‌ی خدا از میان آنهاست. مهمترین دلیل طرفدار ثبوت انواع نیز در تفسیر آیه ۴ سوره الرحمن آمده است: خداوند انسان را از گل خشکی مانند کوزه گران آفرید. در رابطه با این‌گونه آیات نیز دو نوع تفسیر وجود دارد:

۱- همه ما از آدم هستیم و آدم از خاک.

۲- حتی خود ما نیز از خاک گرفته شدیم زیرا تمام موادی که بدن ما و پدران و مادران ما را تشکیل می‌دهد موادی که انسان از آن تغذیه می‌کند از خاک گرفته شده است.

پیدایش موجودی شگرف با فیزیولوژیکی اعجاب‌انگیز و پیچیدگیهای روحی و جسمی از خاک خود یک از دلایل توحید است. این آیات از یک سو ما را به مبدا عالم هستی مربوط می‌کنند و از سوی دیگر دلایل زنده‌ای بر مسائل امکان معاد محسوب می‌شوند. با اینکه بسیاری کوشیده‌اند میان نظریه زیستی تکامل و مسأله خدانشناسی یک نوع تضاد قائل شوند ولی باید گفت این دو نه تنها تضادی با هم ندارند بلکه با بررسی پدیده تکامل اركان توحیدی استوارتر خواهد شد. داروین که بنیان‌گذار نظریه تکامل بود نیز در برابر اتهام الحاد و بی‌دینی قد علم کرده و می‌گوید من در عین قبول تکامل انواع خداپرستم و اصولاً بدون وجود خداوند نمی‌توانم تکامل را توجیه کنم.

واژگان کلیدی: زیست‌شناسی تکامل، حرکت جوهری، متافیزیک، فلسفه، روح قدسی

رفتار استنادی در علوم انسانی و چالشهای علم سنجی و ژئوپولیتیک اطلاعات

دکتر محمدرضا داورپناه

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده :

با مقایسه موضوعات «علوم انسانی و اجتماعی» و «علوم طبیعی و فیزیکی» ملاحظه می‌شود که محقق علوم طبیعی و فیزیک با موجودیت‌های ساده‌تر و قابل کنترل‌تری سروکار دارد، در حالی که تحلیل‌گر علوم انسانی و اجتماعی با پدیده‌های انسانی و اجتماعی پویا، متغیر، متنوع و پیچیده مواجه است. علوم انسانی و اجتماعی رویکردهای اساسی و پایه‌ای جامعه را فراهم می‌کند که افراد آن جامعه بر مبنای آن می‌اندیشند، رفتار می‌کنند و زندگی می‌کنند. با توجه به اهمیت علوم انسانی و نقش مهم آن در زندگی، فرهنگ و تمدن هر جامعه و با عنایت به تفاوت ماهیت، الگوی ارتباط و رفتار علمی آن با سایر حوزه‌های علمی، این مقاله در پی آن است که وضعیت رفتار استنادی علوم انسانی و اجتماعی را در پیوند با شاخص‌های علم سنجی مورد مطالعه قرار دهد. همه انتشارات علمی بر حجم معتناهی از عقاید و آرای مورد تبادل قرار گرفته پیشین متکی هستند. مراجع مورد استناد در انتشارات علمی یک جامعه علمی نشان دهنده منابع و خاستگاه اندیشه‌های گنجانده شده در این مقالات هستند، بدین معنی که توزیع مقالات مورد ارجاع قرار گرفته بر حسب مجرای انتشار، حوزه موضوعی، و تاریخ تالیف مقاله منعکس کننده اشکال و جنبه‌های گوناگون علایق و منابع آن اجتماع علمی است. بر این اساس در این مقاله الگوی ارتباط علمی و رفتار استنادی نویسندگان علوم انسانی در دو سطح ملی و بین‌المللی بررسی خواهد شد. برای این منظور در سطح ملی مقاله‌های فارسی حوزه علوم انسانی و اجتماعی چاپ شده در مجله‌های معتبر علمی پژوهشی گروه علوم انسانی در یک دوره زمانی ۵ ساله و در سطح بین‌المللی به عنوان نمونه مقالات یک رشته علوم اجتماعی نمایه شده در پایگاه اطلاعاتی SSCI از مجموعه پایگاه‌های اطلاعاتی مؤسسه ISI در یک دوره ۵ ساله (۲۰۰۴ - ۲۰۰۰) مطالعه شده است. ابتدا ماهیت علوم انسانی بر اساس ترسیم نقشه ارتباط علمی میان رشته‌ای تحلیل خواهد شد. سپس چالشهای برخی شاخص‌های علم سنجی مانند مقاله (نوع مدرک یا منبع اطلاعاتی)، *Impact Factor*، *Immediacy Index*، استناد و عدم استناد، و خود استنادی مورد بحث قرار خواهد گرفت. در ادامه جغرافیای سیاسی اطلاعات در عرصه ارتباط علمی جهان بررسی می‌شود. نتیجه اینکه هر حوزه علمی زبان اطلاعات علمی و الگوی ارتباط علمی ویژه خود را دارد و هر جامعه‌ای که

می‌خواهد به سیاست علمی دست یابد، باید روش‌شناسی آن را با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی جامعه خود به دست آورد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، رفتار استنادی، ژئوپولیتیک اطلاعات

مقایسه انتقاد سازنده و عوامل موثر بر آن بین دانشجویان دختر ورزشکار و غیرورزشکار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

لیلا عیسی زاده

کارشناس ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی

چکیده :

ابراز وجود (قاطعیت) یک ویژگی شخصیتی است که بر پایه اصول شرطی سازی و یادگیری قابل تغییر بوده و شامل مهارت های کلامی و غیرکلامی موثر جهت احقاق حقوق در روابط بین فردی و اجتماعی است و فقدان آن با مشکلات روانی همچون انفعال ، پرخاشگری ، اضطراب ، افسردگی ، سازشگری ، مسامحه گری ، کم رویی ، حقارت و تنش و استرس ... و از طرفی وجود آن با عزت نفس کمال گرایی ، جلوگیری از سرخوردگی و انحرافات اجتماعی و موفقیت های تحصیلی و شغلی و حضور مثبت و موثر در جامعه همراه است.

افراد فاقد ابراز وجود به دلیل نداشتن مهارت های اجتماعی لازم ، قادر به دفاع از حقوق خود بیان افکار و احساسات ، ابراز شخصیت و صحبت کردن در جمع ، رد تقاضاهای نامعقول دیگران که قادر یا مایل به انجام آن نیستند و بطور کلی برقراری ارتباط مثبت با دیگران نمی باشند .

یکی از ویژگی های افراد مبتلا به اختلالات روانی ، نداشتن تحرک و فعالیت جسمانی مطلوب است . افزایش اعتماد به نفس و احساس لذت و رضایت از خود و دیگران و احساس شادی و بهزیستی از نتایج شرکت در ورزش بوده است ، افراد شاد کمتر اضطراب و خشم را تجربه کرده ، به اخلاقیات توجه بسیار دارند ، عقلایی رفتار می کنند و احساس کنترل شخصی بیشتری را در خود احساس می کنند ، در نتیجه با اندیشیدن به توانایی ها با استرس شرایط مختلف مقابله بیشتری می کنند .

جامعه شناسان ورزشی نیز مدعی اند که فعالیت های بدنی حوزه ای است که افراد در آن به دلیل توانمندی ها و نه کمبودهایشان شناخته و معرفی می شوند و در نتیجه بین آنها پیوستگی حسنه ای ایجاد می شود و پیوستگی اجتماعی را در مفهوم تطابق رفتارهای فردی و گروهی با آنچه جمع انتظار و توقع آن را دارد بکار برده اند .

با توجه به تشابه اهداف ابراز وجود و رفتارهای قاطعانه معیارهای قابل دسترس در ورزش پژوهش حاضر در پی آن است تا با مقایسه انتقاد سازنده و عوامل موثر بر آن به عنوان زیرمجموعه ای از قاطعیت و ابراز وجود در رفتار و مقایسه آن بین دانشجویان دختر ورزشکار و غیرورزشکار ، ورزش را به عنوان یکی از ابزارها و تکنیک های مفید در افزایش رفتارهای قاطعانه و ترویج تفکر انتقادی

درافراد معرفی کند و ازاین راه سالم ارتباطی به منظوررفع مشکلات افراد منفعل ، پرخاشگرو ...
درارتباطات بین فردی و اجتماعی استفاده نماید .

واژگان کلیدی: ابراز وجود ، ورزش، انتقاد سازنده، تفکر انتقادی

مناسب علوم انسانی و علوم تجربی

حجت الاسلام والمسلمین محسن غرویان
استاد حوزه

چکیده :

بسی نیکو و بجاست که در کنگره ملی علوم انسانی: وضعیت امروز چشم‌انداز فردا، به بحثی در باب تعامل حوزه و دانشگاه پرداخته، فقه و مبانی اجتهاد شیعی را به مجامع علمی داخل و خارج کشور معرفی نمائیم، متد استنباط و اجتهاد را به عنوان شیوه‌ای از انواع گوناگون شیوه‌های معرفت بشری باز نمائیم و مهمتر از همه، از فرصت برگزاری کنگره جهت ارائه بحث‌های نو و طرح‌های تازه برای حل مشکلات فکری و معضلات اجتماعی روز استفاده کنیم.

بحث پیرامون نقش علوم تجربی در اجتهاد فقهی از این حیث حائز اهمیت است. امروزه کارآئی و کاربرد علوم تجربی و سلطه و سیطره این علوم در بسیاری از ابعاد و جوانب زندگی بشر برای هیچ انسان رئالیست و منصفی قابل انکار نیست. واقعیت این است که چرخ زندگی و حیات مادی آدمی به سرپنجه دستاوردهای علوم تجربی می‌چرخد و انبوه نیازها و ملزومات حیات طبیعی انسان در پرتو رهاوردهای این علوم تامین می‌شود.

از سوی دیگر علم فقه نیز به یک معنا علم زندگی است. گرچه کستره فقه وسیعتر از کستره حیات طبیعی و دنیوی آدمی است، اما بهر حال میادین گوناگون حیات بشر در دار دنیا، بیرون از حوزه فقه نیست. پس، از حیثی حیات ما با علوم تجربی پیوند دارد و از جهتی با علم فقه مرتبط است و از همین جاست که فقه و علوم تجربی با یکدیگر نوعی ترابط و قرابت می‌یابند و بین این دو شاخه دانش، گونه‌ای از تفاعل برقرار می‌شود.

اجتهاد نیز - از آنجا که متد فقه تلقی می‌شود - با علوم تجربی نوعی پیوند و رابطه پیدا می‌کند و این رابطه باید دقیقاً تبیین و تنقیح گردد و نقاط ابهام آن زدوده شود. ما در این نوشتار قصد آن داریم که با طرح نکاتی چند در باب نقش علوم تجربی در اجتهاد فقهی بپردازیم و پاره‌ای از جوانب مختلف این بحث را در حد توان بررسی نمائیم، انشاءالله.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، علوم تجربی، مناسبات، اجتهاد فقهی، علم فقه

بررسی ظرفیت‌های برتر روش‌شناسی و معرفت‌شناسی اندیشه اسلامی:

فراتر از تبیین و تفهیم

اکبر فرجی ارمکی

گروه آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

آنچه گروهی از غربیان مانند آگوست کنت به عنوان هدف علم (science) معرفی می‌نمایند و عمدتاً به عنوان حرف نهائی تلقی می‌نمایند. عبارتست از تبیین پدیده‌ها و کشف روابط به منظور توضیح، پیش‌بینی و کنترل پدیده‌ها و اما گروهی دیگر مانند هابرماس و قبل از آن دیلتای (Wilhelm Dthey) و دیگران هدف علم به خصوص علوم انسانی را تفهیم (Vevstehen) دانسته‌اند و معتقد بوده‌اند روش‌های تحلیل کاربرستی در علوم انسانی باید تخصیصی باشند و نه تعمیمی. این روشها باید انحصاری باشند به ادراک سرچشمه‌ها، کنشگران فردی و یا کوشش در جهت در شهودی کلهای جامع فرهنگی (تنهایی، ۱۳۷۴) و برخی مانند ماکس وبر (Max weber) آشتی دهنده این دو دیدگاه است.

اما آنچه که در این مقاله بدان اشاره می‌شود فراتر از روابط علی - معلولی و تفهیمی است به معنی دخالت ارائه و مشیت الهی در کلیه روابط جاری و ساری در سیستمهای فیزیکی - انسانی و اجتماعی به گونه‌ای که یک مسلمان با ذهنیتی در برگیرنده روابط علی - معلولی، تفهیمی به رویکردی ایحائی یا الهامی دست می‌یابد و پیش‌فرض این مدل عبارتست از نوعی توحیدافعالی که تا اراده خداوند بر چیزی تعلق نگیرد رخ نخواهد داد و این اراده بر روابط علی - معلولی و تفهیمی غلبه و تسلط خواهد داشت. مسلمان در روابط علمی، علی - معلولی و پیش‌بینی و تفسیر پدیده‌ها و اتفاقات اجتماعی و انسانی همواره بر تقدیر و مشیت الهی روی خواهد نمود با این رویکرد ممکن است شکست به مفهوم پیروزی و پیروزی به مفهوم شکست باشد و معیار این ارزش‌گذاری رضایت خداوند اراده خداوند و آخرت مداری است. این مقاله به بررسی رویکرد مسلمان به علم و دانش و حدود و ثغور کارآیی پدیده‌ها در اتفاق و رخداد پدیده‌های اجتماعی خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: علم، تبیین، کنترل، اندیشه‌اسلامی، تقدیر و مشیت الهی، معادگرایی، روش‌شناسی،

معرفت‌شناسی

تأثیر علوم تجربی در پیدایش جبر محیطی و انواع آن

محمدحسین ناصرزاده دانشجوی دکتری اقلیم‌شناسی دانشگاه تربیت معلم تهران

دکتر زهرا حجاری‌زاده دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

بر اساس نظریه جبر محیطی که دوره نسبتاً مهمی از تاریخ علم جغرافیا را به خود اختصاص داده است، عناصر و عوامل طبیعی نظیر موقعیت جغرافیایی، اقلیم، ژئومورفولوژی و ... تعیین کننده و جهت دهنده فعالیت و زندگی انسان‌هاست. مطابق این نظریه کلیه جنبه‌های زندگی انسان‌ها تابع محض شرایط طبیعی محل زندگی‌شان است، به نحوی که ویژگی‌های طبیعی مکان‌ها کنترل کننده فعالیت‌های انسان‌های ساکن در آن مکان‌هاست. می‌دانیم که عوامل طبیعی و فرهنگ و تکنولوژی انسانی در تعامل متقابل با یکدیگر محیط زندگی انسانها را شکل می‌دهند. جبر محیطی حاصل قضاوت اغراق‌آمیز در مورد نقش عوامل محیط طبیعی است، نقشی که می‌باید با واقع‌بینی و با در نظر گرفتن سایر عوامل موثر مورد تشریح و بررسی قرار گیرد. باید گفت همان گونه که نادیده انگاشتن عوامل طبیعی در زندگی و برنامه‌ریزی‌های انسانی تبعات نامناسبی را به دنبال دارد، تاکید بیش از حد و نگرش اغراق‌آمیز به نقش طبیعت نیز چندان خوشایند نیست. به نظر می‌رسد که بهتر آن است که از آنچه در گذشته جبر محیطی خوانده می‌شد امروزه با اندکی تعدیل در مبانی آن به بازدارندگی مشروط طبیعی تعبیر نماییم. در این مطلب سعی شده است به ریشه‌های تکوین و انواع جبر پرداخته شود.

کلید واژه: جبر محیطی، مکان، عوامل طبیعی، فرهنگ، تکنولوژی انسانی

چیستی و تمایز علوم انسانی در پرتو نظریه اعتباریات (بحثی تطبیقی در آراء علامه طباطبایی و پیتر وینچ)

حسین هوشنگی

عضو گروه فلسفه دانشگاه امام صادق (ع)

چکیده :

علامه طباطبایی با عطف توجه به اعتباریات عملی (اجتماعی و فردی) یا اعتباریات با معنی الاحض (اعتباریات اخلاقی، فقهی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی) تقسیم نسبتاً جدید را از علوم (علوم اعتباری و علوم حقیقی) به نوعی جایگزین تقسیم حکمت نظری و عملی کردند. ماحصل نظریه ابتکاری علامه که از یک منظر پسینی و با مطالعه موجودات زنده، نوزاد افسانی و انسانهای نخستین ارائه شده، این است که انسان در عرصه رفتارهای فردی و اجتماعی، موجودی اعتبارساز است. لوازم و پیامدهای این نظریه در اخلاق، کلام، معرفت‌شناسی، فقه و حقوق، اصول فقه، سیاست، زیبایی‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی قابل پی‌گیری است. بسط این نظریه در فلسفه علوم اجتماعی و بیان چیستی و تمایز آنها با علوم طبیعی، حیطه‌ای ناپیموده است. از سوی دیگر پیتر وینچ از فیلسوفان و نظریه‌پردازان معاصر است که با بسط نتایج و لوازم منطقی آموزه‌هایی از ویتگنشتاین همچون بازی‌های زبانی، صورتهای حیات و زندگی و قاعده‌دار بودن زبان و رفتارهای انسانی، به نتایج جدیدی در حیطه وجه تمایز علوم انسانی و طبیعی رسیده است. هر دو اندیشمند با تأکید بر وجه اعتبارسازی انسان به عنوان مبنای انسان‌شناسی خود، بالقوه یا بالفعل نظریه خاصی در باب چیستی علوم انسانی پروراندند و بر این اساس علوم انسانی و طبیعی موضوعاً تفاوت و تمایز می‌یابند. در روش‌شناسی نیز تعمیم‌ناپذیری منطق صوری و قواعد آن به حیطه علوم اجتماعی، مفهوم متفاوت علیت و ضرورت و مانند اینها، در حوزه علوم اجتماعی و انسانی، نقش عقل و عملی و کاربرد متفاوت با همه در فعالیتهای فردی و اجتماعی انسان، برجسته شدن نقش مفاهیم ناظر به شناخت اهداف و غایات انسانی مانند مفهوم عدالت و لذا تأکید بر مطالعه بازیگرانه و درگیرانه در حوزه علوم انسانی از موارد مدنظر در مقاله خواهد بود.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، نظریه اعتباریات، چیستی علوم، مطالعه بازیگرانه

محور سوم :

نقش علوم انسانی در ارتقاء علمی ، فرهنگی و اجتماعی کشور

موضوعات:

- اهمیت علوم انسانی و رشته‌های آن در پیشرفت علوم و فنون
- اهمیت علوم انسانی در کشورهای پیشرفته صنعتی
- نقش علوم انسانی در جنبش نرم‌افزاری و تولید علم
- نقش علوم انسانی و رشته‌های آن در ارتقاء فرهنگی و اجتماعی جامعه
- نقش علوم انسانی و رشته‌های آن در بالا بردن امنیت اجتماعی و بهداشت روانی جامعه

ایترنت و ادبیات

محسن اکبرآبادی
دکتر احمد رضی
استادیار دانشگاه گیلان

چکیده :

ایترنت از مهمترین ارکان فناوری اطلاعات و ارتباطات در دنیای معاصر است و جامعه امروزی از جنبه های گوناگون از جمله آموزش ، پژوهش ، اقتصاد ، تجارت ، فرهنگ و... به آن وابسته شده است . ایترنت در مدت زمان کوتاهی که از پیدایش آن می گذرد توانسته است زمینه ساز تغییرات فراوانی در عرصه های مختلف زندگی انسانها شود زیرا نگاه مردم را نسبت به محیط اطراف خود دگرگون کرده و شناخت آنان را از پدیده ها تغییر داده و در نحوه روابط بین آنان با یکدیگر تأثیر گذاشته است .

فضای دموکراتیک ایترنت و امکان دسترسی آسان و سریع عموم مردم به محتوای آن موجب تحولات اجتماعی و فرهنگی شده است . گسترش این پدیده در آینده قطعاً تأثیرات عمیق تری به ویژه بر فرهنگ ملتها خواهد گذاشت و ادبیات نیز به نوبه خود در گذرگاه این تحولات ، متحول خواهد شد . در گذشته نیز معمولاً ظهور سبکها و به وجود آمدن انواع ادبی جدید به دنبال تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی تحقق پیدا می کرده است . البته تغییرات در عرصه ادبیات آنی نیست و معمولاً در زمان کوتاه اتفاق نمی افتد . به همین سبب در جریان تغییر سبکهای هنری و شعری گاه دهه ها و قرنها طول می کشد تا سبک جدیدتر مشهود و قابل درک شود (جوکار ، ۱۳۸۴) اما سرعت فوق العاده رشد و گسترش فناوری اطلاعات و ایترنت می تواند در فاصله زمانی کوتاه تری تسهیل کننده تغییرات فرهنگی و از جمله تغییر در گونه ها و شیوه های ادبی شود و بر چگونه گفتن و چه گفتن شاعران اثر بگذارد .

نشانه های این تغییرات را می توان در زبان به عنوان رابط بین فرهنگها مشاهده کرد که از جمله آنها کاربرد واژگان و اصطلاحات رایانه ای است که اغلب به زبان انگلیسی ادا می شوند و رواج زبان عامیانه و کوچه بازاری که در فضای داستان و شعر عرض اندام می کند و به دنبال آنها تصاویر شعری ، درونمایه ها و بن مایه ها و تا حدودی آرمانهای شعری و داستانی ملتها به هم نزدیک می شود .

ظهور ایترنت موجب شده است تا اولاً آثار ادبی پیشینیان ، به سهولت و سرعت در اختیار همگان در داخل و خارج از کشور قرار گیرد و ثانیاً نویسندگان و شاعران معاصر بتوانند آثار خود

را به دور از محدودیتهای سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی به صورت الکترونیکی منتشر کنند و با توجه به امکانات و شرایطی که اینترنت در اختیار آنان قرار می دهد آثار ادبی متفاوتی عرضه نمایند .

هدف از این مقاله بررسی ویژگیها و مسائل آثار ادبی جدیدی است که پس از ظهور اینترنت و با توجه به امکانات و شرایط آن خلق شده اند .این بررسی می تواند ما را با فضای داستانها و شعرهای فراوانی که هر روز بر حجم آنها افزوده می شود آشنا کند ، ظرفیتهای آنها را برای رشد و توسعه ادبیات بشناساند و ما را نسبت به آسیبهای ناشی از آنها حساس کند و به فکر چاره جویی بیندازد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، اینترنت ، ادبیات، دنیای معاصر، تغییرات فرهنگی

نقش علوم انسانی و رشته‌های آن در بالا بردن امنیت اجتماعی و بهداشت روانی جامعه

شهلا پاکدامن

دکتری روانشناسی استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

مریم حکیمی کلخوران

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده :

علوم انسانی به مجموعه علمی اطلاق می‌شود که عرصه وسیع رفتارهای انسانی و پدیده‌های وابسته به زندگی اجتماعی انسانها را مورد مطالعه قرار می‌دهند. علوم انسانی شامل علوم متعدد است که جامعه‌شناسی هم یکی از علوم اجتماعی است و هم ناظر و شامل همه علوم انسانی که موضوع آن تشریح و تبیین منظم (سیستماتیک) امور اجتماعی است. هم اکنون در جامعه فعلی امان مسائل متعدد اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و ... وجود دارد که برای حل آن باید قبل از هر چیز آنها را شناسایی کرد و به عمق ویژگی‌ها، علت‌ها و عوامل آن پرداخت و در نهایت، راه‌حل‌های مناسب و علمی برای آنها ارائه کرد که این امر مستلزم بینش علمی، روش‌ها و فنونی است که ما را در شناخت واقعیت جامعه یاری کند تا تنها به پاسخ‌های ذهنی و کلی اکتفا نشود. با فهم صحیح، روندهای اجتماعی گذشته و علل و عوامل آن با توجه به امکانات، اوضاع و احوال تازه می‌توان با یک قطعیت نسبی به پیش‌بینی آینده پرداخت. جامعه‌شناسی از طریق مطالعه نهادها، سازمان‌ها و جریان‌ها، اعتقادات، رفتارها و سلوک‌های ناشی از آنها را به کمک روش‌های علمی خاص، تکوین، ظهور، تحول و تغییر آثار و نتایج امور فوق را از نظر ساخت، کارکرد و علل و عوامل آنها، تجزیه و تحلیل و مقایسه و طبقه‌بندی می‌کند و بدین ترتیب در جستجوی کشف و شناخت قوانین نسبی زندگی اجتماعی است. روانشناسی اجتماعی نگر نیز رویکردی به بهداشت روانی است که اهمیت زیادی برای نیروهای محیطی در ایجاد و کاهش مشکلات قایل است و معتقد است مشکلات معلول تعامل درازمدت فرد، موقعیت اجتماعی و نظامها هستند، این موارد بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند. در این رویکرد بر پیشگیری از مشکلات تاکید بیشتری می‌شود تا درمان معالجه، باید با شناسایی امکانات و نکات قوت جوامع و مردم و آموزش به موقع توجه خود را به قابلیت‌های اشخاص و محیط‌های معطوف کنند نه ضعف‌ها و نقایص ثانیاً روانشناسی اجتماع‌نگر، تفاوتها را مطلوب می‌داند پس از منابع و امکانات اجتماعی نه براساس یک

ملاک قابلیت واحد توزیع شوند و تخصیص یابند و نباید تابع یک هنجار یا ارزش اجتماعی واحد بود بلکه باید تنوع را ترویج بیشتری داد.

دیدگاه روانشناسی اجتماعی به سه دغدغه رو به روست: توسعه منابع انسانی، سیاست و علم توصیه‌های بنیادی این رویکرد عبارتند از:

۱. تحقیق بیشتر در مورد پدیده‌های بهداشت روانی
۲. مفهوم‌بندی و شناسایی عوامل خطر، مکانیسم‌ها و پیشایندهای مشکلات و اختلالات و ارائه تعریفی گسترده از افرادی که می‌توانند خدمات بهداشت روانی ارائه دهند.
۳. طراحی و تهیه مداخلاتی که حداکثر تاثیر را دارند و تصمیم‌گیری در مورد نحوه اشاعه و ارائه این مداخلات در سطح اجتماع
۴. ترویج این تلقی که بیماری روانی تا حدی محصول عوامل اجتماعی است.
۵. تعیین محتوا و قالب ابزارهای ارزیابی
۶. شناسایی گروه‌های در معرض خطر و آموزش پیشگیرانه به گروه‌های مختلف اجتماع
۷. برقراری رابطه و اطلاع رسانی به رهبران اجتماع و سازمان‌ها برای ضرورت توجه به سلامت روانی و آرامش روانی و پیشگیری دقیق و موثر و در نهایت حمایت مالی دولت از این برنامه‌ها در جهت ارتقاء بهداشت و سلامت روان و متعاقباً امنیت اجتماعی بیشتر

واژه‌های کلیدی: علوم انسانی، جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماع نگر، بهداشت روانی اجتماع پیشگیری، بهداشت روان

استفاده از منابع الکترونیک در تحقیقات ادبی

دکتر احمد رضی

دانشگاه گیلان

چکیده :

ظهور و گسترش جهش وار شبکه جهانی اینترنت در دهه اخیر تحولات گسترده‌ای را در عرصه پژوهش‌های علمی به وجود آورده است به طوری که امکان دسترسی پژوهشگران را به منابع و مآخذ موجود علمی در جهان در کوتاه‌ترین زمان فراهم ساخته و امکان ارتباط علمی را میان همه اندیشمندان جهان به وجود آورده است.

هدف از این نوشتار تأکید بر نقش اینترنت در افزایش غنای پژوهش‌های ادبی از جهت کیفی و امکان دسترسی آسان و سریع به منابع عظیم موجود در شبکه وب است.

استفاده پژوهشگران ادبی از منابع الکترونیکی مستلزم افزایش دانش اطلاعاتی آنان و شناخت مختصا و مقتضیات عصر اطلاعات است. با حضور هوشمندانه و فعالانه پژوهشگران ادبی در این عرصه شاهد رشد و توسعه در عرصه تحقیقات ادبی و تحول آن خواهیم بود.

در این مقاله ضمن بیان اهمیت منابع الکترونیکی در افزایش کیفی و کمی تحقیقات ادبی، مزایا و محدودیتهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و پیشنهادهایی برای سرعت بخشیدن به الکترونیکی کردن منابع علمی ادبیات و استانداردسازی آنها ارائه می‌شود.

مهمترین مزایای منابع الکترونیکی عبارتند از: چند رسانه‌ای بودن منابع الکترونیکی (متن، کلام، موسیقی، تصویر و فیلم)؛ امکان دسترسی به طیف وسیعی از منابع در هر زمان و هر مکان؛ امکان جستجوی سریع و متنوع در محتوای منابع؛ انعطاف‌پذیری و امکان روزآمد سازی مطالب؛ امکان ذخیره‌سازی آسان مطالب مورد نیاز؛ قابلیت دسترسی همزمان افراد زیاد به یک نسخه از منبع و ... مهمترین محدودیت‌های منابع الکترونیکی عبارتند از: ضعف سواد اطلاعاتی پژوهشگران ادبی؛ عدم سرمایه‌گذاری برای الکترونیکی کردن همه منابع ادبی؛ نامشخص بودن موضوع حق مؤلف و مالکیت معنوی منابع؛ مشکلات استناد به منابع الکترونیکی به دلیل ماهیت ناپایدار محیط وب؛ فقدان سیستم عامل فارسی؛ فقدان پشتیبانی نرم افزاری از خط فارسی در محیط شبکه و ...

واژگان کلیدی: علوم انسانی، پژوهش ادبی، منابع الکترونیکی، اینترنت، فناوری اطلاعات

جستاری در اهمیت و ارزش علوم انسانی و رابطه آنها با علوم طبیعی

نوریه ریاضی

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم سبزواری

چکیده :

در جهان معاصر که پیشرفت صنعت و تکنولوژی یکی از شاخصهای مهم تمدن به شمار می‌روند، چنین وانمود می‌شود که تمدن حاضر محصول پیشرفت و رشد علوم ریاضی و تجربی است. و صد البته این نتیجه گرفته می‌شود که تنها این علوم ارزش دارند و علوم انسانی یا بی‌ارزش هستند یا همتای علوم طبیعی نیستند. در این نوشتار ضمن تعریف علوم انسانی و بیان تمایز آنها با علوم دیگر، با دیدگاه بعضی اندیشمندان معاصر در مورد ارزش و روش علوم انسانی آشنا می‌شویم. در پایان راهکارهایی در جهت برطرف کردن موانع رشد این علوم و بهبودی نسبی آنها ارائه شده است.

کلید واژگان: علوم انسانی، استنتاج انضمامی، عینی، ذهن، اعتبار

« نقش مددکاری اجتماعی در ارتقاء امنیت اجتماعی

و بهداشت روانی جامعه»

دکتر محمد زاهدی اصل

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده :

قرآن کریم، عبودیت و ایمان را زمینه ساز امنیت معرفی کرده (آیه ۸۲ سوره انعام) و رفاه و امنیت را یکی از مصادیق نعمت های الهی بر می شمارد (آیه ۲۰۵ سوره بقره) و مولی الموحدین در خطبه ۲۲۲ نهج البلاغه، عزت و امنیت را پاداشی از سوی خداوند متعال بر انسانهای صالح اعلام می فرماید.

موضوع « امنیت اجتماعی» و در تبع آن « بهداشت روانی جامعه» از مفاهیم مهمی است که در ضوابط و مقررات بین المللی، جایگاه ویژه ای دارد که نمونه ای از آن را در قالب منشور اجتماعی جهانی برای سال ۱۹۹۵ میلادی ملاحظه می کنیم « ما مردم جهان به هیات اجتماعی متعهد می شویم که برای امنیت انسان، بنیانهای جدیدی بسازیم که امنیت مردم را نه با استفاده از اسلحه، بلکه از رهگذر توسعه، همکاری و صلح تامین نماید ما براین باوریم که مادام که مردم در خانه، محل کار، جامعه و محیط زیست خود امنیت نداشته باشند هیچکدام از اصول منشور ملل متحد قادر به تامین امنیت جهانی نخواهد بود» (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۹۹۴-۹)

یکی از پایه های اعتقادی نظام جمهوری اسلامی ایران در اصل دوم قانون اساسی، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند یکتا اعلام شده است که با تامین عدالت به عنوان اصلی ترین بستر ساز امنیت اجتماعی و بهداشت روانی جامعه محقق می شود. شرایطی که انسانها، هراسی نسبت به حقوق و آزادیهای مشروع خود نداشته باشند و عدم تامین نیازهای اساسی، تعادل روانی آنها را مختل نسازد و شان انسانی آنها در معرض تهدید انواع آسیبهای اجتماعی قرار نگیرد. یکی از تکالیف اصلی دولت اسلامی، تامین امنیت اجتماعی و بهداشت روانی جامعه به اشکال مختلف و از راههای متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است که حمایت از اقشار آسیب پذیر جامعه، « توانمند سازی» خانواده های نیازمند و بی سرپرست تجدید، تربیت آسیب دیدگان اجتماعی و اعاده آنها به آغوش جامعه « نوتوانی معلولین» از مصادیق آن می باشد.

« مددکاری اجتماعی» به عنوان یک حرفه انسانی - اجتماعی و یکی از تخصص های اثر گزار در تامین امنیت اجتماعی و بهداشت روانی جامعه که بعضاً به « مهندس اجتماعی» نیز از آن تعبیر می

شود، با روشهای علمی حرفه‌ای و شاخه‌های متنوع خود می‌تواند در این حوزه‌ایفای وظیفه کند و رسالت حرفه‌ای خود را به عنوان یک رشته کاربردی در علوم انسانی، جامعه عمل ببوشاند. براین اساس مقاله حاضر سعی دارد ضمن تبیین امنیت اجتماعی و بهداشت روانی جامعه، نقش و جایگاه مددکاری اجتماعی را در تحقق آن مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه ها: علوم انسانی، مددکاری اجتماعی، امنیت اجتماعی، بهداشت روانی

نقش ریشه‌ها در توسعه ادبی، فرهنگی در دنیای معاصر

فرهاد سروری

گفتگو آئین درویشی نبود

ورنه با تو ماجراها داشتیم

چکیده :

گاهی اوقات و شاید هم همیشه انسان از طرح مطلبی که به خودش ارتباط پیدا کند ابا می‌نماید. و یا به لفظی تهذیب فردی و حجب درون و روانشناسی سالم توصیه می‌نماید ازین امر اجتناب کن و تو با همین توصیه‌ها و هشدارها، سالها از طرح واقعیتی که به آن اشراف داری آگاهی «برای اینکه به تو خودخواه، خودمحور، عاشق خود» نگویند می‌پرهیزی. ولی زمانی سالها می‌گذرد و تو از سیاهی کم رو در سپیدی می‌گذاری و این واقعیت باز ترا می‌گزد و دم بر نمی‌آوری. آخر الامر وقتی می‌بینی گذار تاریخ و بالخصوص گذار واقعی تاریخ را دچار ترجمه‌ها و برداشت‌های دروغین می‌شود با فعل مجهول آغاز می‌کنی که: در روزگاری نه چندان دور فردی از اهالی همین دیار بدون اینکه کمترین اراده‌ایی در راستای ادبیات کرده باشد به یکباره می‌بیند قلم انگشت‌های او را خسته و زمخت کرده است. بر می‌گردد ببیند چه می‌کند؟ چه می‌کرده؟ می‌بیند. با دامنی از مطالعه‌های وطنی و غیروطنی راهی را می‌رود که به عینه خود اوست و یا به لفظی کنکاش و دغدغه و وسواس او در تعقیب ساحت مقدس حیات ... به خود می‌آید. می‌بیند چیستی‌های او، او را به مرزی از هرمنوتیک کشانده است که حوزه تجربه کم دیگران در این وادی است.

سالها با نوشتن اندک و فرستادن به مجلات خاص و سمینارها و محافل فرهنگی سپری می‌شود. تا اینکه سالهای سبز می‌آیند سالهایی که پروانه‌های سروی روی برگ‌های پر از شبنم «پراز درخشش صبح گاهان ادبیات ایران سنجاق می‌شود» او با هر اثری که به مطبوعات می‌دهد. سایه مضمون مورد کاوش خویش را در دست این او آن به فرا می‌بیند.

و اینجاست که تصمیم می‌گیرد. پس از یکی دو چالش فرهنگی مسائش را کمتر به مسیر ادبیات روز به کشاند از چه تا نگاه می‌کند هم به پنجره نگاه بارانی او می‌آیند و تا می‌نگرد، می‌بیند این شیوه ادبی را دارند به غرب و اعراب انتصاب می‌دهند.

سکوت، عمل، مصیبت، نوشتن، دست‌تنهایی هندوانه‌های وسیع مسئولیت در دست‌های ناتوان سروی شب و روز او را در مسیر مسئولیت انسان به هم می‌چسباند تا می‌نگرد در هر گوشه‌ای

واژه‌ایی نو خلق می‌شود، خط و ربط اوست حتی اپیدمی سبز به دست سهراب افشاء نشد واژه‌ها پس از هم وارد حوزه ادبیات می‌شوند و چه زیبا که گاه این واژه‌ها بد هم می‌زایند مثل بهسازی، که بعدها به‌های دیگری را خلق کرد.

مثل گفتمان و یادمان که پرسمان مغلوط را برنامه‌ایی شد دوساله، پرسایش صحیح بود نه پرسمان و همین‌طور خط قرمز و بالاتر از همه هشدارهایی که امروزه گیاهان محل ما را سبز کرده است در چند کیلومتری شهر ما شهرها زائیده شده است.

خرابه‌هایی که در بازسازی با اندیشه‌های سازنده شخص موردنظر شکل گرفت و ساخته شد، و در حوزه‌ی تمامیت آنچه برای انسان متعالی ایران در حوزه معنویت و ارزش متعالی احساس نیاز می‌شد و ضروری بود، در شعر تا نثر و حتی گاه در نقش که جای حرف و بحث دارد و می‌گذاریم حق خواهان و حقیقت طلبان تاریخ آن را بجویند.

امروز اگر شاعری توانا به گذار طبیعت زیبا و جاندار ما آمده است، حتی محمود درویش‌ها و سایر پس از پانزده سال از تجربه عینی و حقیقی و اصیل ما وارد این حوزه از ادبیات شده‌اند طرح مطلب به این دلیل است که حتی کارهایی مثل هری پاتر که با یک گره متحولانه در اشیاء، افراد - و اشخاص با داستانهایی که باز ریشه در قصه‌های شرقی دارد ممزوج می‌شود، کم نیست که بگویم گذار ادبیات متحول. با جهان بینی ماروایی ایران است که توانسته آبخور ادبیات امروز جهان باشد و ما به گاوداری‌هایمان بیشتر اهمیت می‌دهیم تا به ادبیات‌مان که خوراک روح و روان بشری و نسخه‌ای برای همه قلبها، مغزها و افراد انسانی می‌باشد.

امروز نوبل ادبیات ترکیه از ماست که به دلیل بی‌مهری و ... به ترکیه می‌دهند حرف بسیار و میدان کوتاه. هنوز هم این حرف‌ها در حد یک ادعا خواهد ماند اگر تاریخ با حقانیت و حقیقت سر و کار داشته باشد روزی قطعاً به شکلی که، طرح کردیم افشاگری خواهد نمود.

کلید واژه‌ها: علوم انسانی، توسعه ادبی، دنیای معاصر، ریشه‌ها،

نقش علوم انسانی و رشته های آن در بالا بردن امنیت اجتماعی و بهداشت روانی جامعه

رضوان فقهی، لیسانس زیست شناسی، مدیر دبیرستان

چکیده:

هدف از ارائه این مقاله بهداشت روانی و تأثیر آن بر جامعه با توجه به اهمیت و تأثیر علوم انسانی است در این راستا داشتن جامعه ای سالم و تأمین یکی از بدیهی ترین نیازها که همان «امنیت» است.

بهداشت روانی عبارتست از تأمین و ارتقاء سطح سلامت روانی و پیشگیری از ابتلاء به اختلالات و بیماریهای روانی. بطورکلی هدف اصلی در تأمین بهداشت روانی، پیشگیری می باشد و همچنین انجام کلیه اقداماتی که از شیوع و بروز بیماریهای روانی جلوگیری نموده و سلامت کلیه افراد را تأمین می کند. که این مهم از طریق ایجاد فضای نشاطانگیز و محیط فردی و اجتماعی آرام و مناسب حاصل می گردد. نظر به اینکه علوم به انسان کمک می کند تا با دید وسیعتری به کائنات بنگرد و در این بین علوم انسانی پایه های دانش و شناخت را می سازند، در این مبحث به تأثیر آن جهت ارتقاء بهداشت روانی و امنیت اجتماعی پرداخته که شامل دو بخش است:

۱. بهداشت روانی:

الف) پذیرش هیجان و احساسات، شناسایی زمینه های آسیب زا، پرورش رغبتها و استعدادها، ایجاد روابط صمیمانه، کمک گرفتن به موقع از دیگران

ب) تقویت نقش مذهب در سلامت روان

۲- بهداشت روانی: ضرورت مدارس

کلید واژگان: بهداشت روانی، علوم انسانی، امنیت اجتماعی

نقش علوم انسانی و رشته های آن در ارتقاء فرهنگی و اجتماعی جامعه

دکتر سید هاشم گلستانی

رئیس دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

چکیده :

علم نه تنها درباره جهان و طبیعت و پدیده های آن بحث و تحقیق میکند بلکه درباره انسان که خود فاعل شناسائی است به تحقیق می پردازد و علمی که عهده دار پژوهش و کاوش در احوال درونی و حیات معنوی و اجتماعی و رفتاری او هستند علوم انسانی بشمار میروند. چنانچه با معیار دانشمندان پیشین سنجیده شود شرافت و فضیلت هر علمی به موضوع آن است بدیهی است با این معیار علوم انسانی اشرف بر علوم تجربی و ریاضی است و چنانچه با معیارهای دنیای امروز بسنجیم اینهمه پیشرفت های علمی سرعت و شتاب و رفاه مادی بشر را تأمین کرده اما در برابر آن پریشانی و آشفتگی روانی را بار آورده است و چاره آن احیای علوم انسانی بمعنای عام و فلسفه و عرفان و ادبیات به معنای خاص آن است اینکه علم به تنهایی قادر به نیک بختی آدمی نیست امروزه دیگر امری آشکار و غیر قابل تردید است و تجربه بشری بطلان علم گرایی قرن هفدهم میلادی را به عنوان تنها ضامن سعادت بشری مدلل داشته است .

هر چند پیشرفت بشر در علم و صنعت و تکنولوژی دست آوردهای فراوانی داشته اما فاجعه روزگار ما همین رشد غول آسای علم و تهی شدن از معنویت و ارزش های انسانی است . از این رو اریک فروم دانشمند امریکائی از بحران هویت در جامعه غرب سخن می گوید که در آن انسان ها در طلب اشیاء و ضمن کار با ماشین و ابزارها خود تبدیل به شیئی شده اند و خود حقیقی و معنوی آنها که اساسش بر بودن است به من نفسانی علاقمند به داشتن تبدیل شده است . رهائی از خود بیگانگی، بحران هویت پریشانی و درماندگی بشر جز از راه بازگشت به ارزش های انسانی و احیای علوم انسانی میسر نیست و نومیثی بشر امروزی و اینکه انسان امروزی چهره ای سرد و گرفته دارد شکفتگی و شادی و شعفی در او نیست، شوق و امیدی به زندگی ندارد و علت بخش عمده ای از آن زندگی ماشینی، اکتفا کردن به علم و صنعت و تهی شدن از اخلاق و معنویت و عرفان و فلسفه و هنر و تاریخ و فرهنگ خویش است که اینهمه در علوم انسانی دست یافتنی است . علم زدگی بشر امروزی سبب شده است که هوش جای خرد و دانش جای بینش و دانائی را بگیرد و بی هویتی، احساس تنهایی، و بیهودگی زندگی به دلیل نبودن معنا و معنویت و پشتوانه های روحی، نگون بختی و پریشانی احوال را سبب شود . زیرا ثمره علم افزون طلبی، سود جوئی و خود خرابی بوده است تغییرات بیرونی بدلیل دانش و ابزارها به سرعت پدید آمده اما تغییرات درونی رخ نداده از این رو تزلزل و گسیختگی خانواده و جامعه را بار آورده است .

در بررسی علوم انسانی پژوهش پیرامون چند مسأله ضروری است .
اول تعیین جایگاه علوم انسانی در بین دانش های گوناگون
دوم جایگاه علوم انسانی سنتی، همچون کلام و فلسفه و عرفان و ادبیات که با روش های تجربی و
علمی علوم انسانی روز همچون روانشناسی و جامعه شناسی اختلاف دارد کجاست ؟
و آیا این دانش ها پاسخ های مطلوب به نیازهای جامعه امروزی را میدهد ؟
سوم اینکه علوم انسانی به چه کار می آید و چه بهره ها میتوان از آن برد و در شکل گیری و
ساختار اجتماعی و فرهنگی ما چه نقشی دارد ؟
این مقاله بر آن است که پاسخ مناسبی به سوال اخیر بدهد و سودمندی و ضرورت علوم انسانی را
در دنیای امروز تبیین نماید .

واژگان کلیدی : علوم انسانی، ارتقاء اجتماعی، روش های تجربی، ارتقاء فرهنگی

اهداف علوم انسانی و تاثیر آن بر روش‌شناسی این علوم

سیدوحید موسوی

کارشناس روان‌شناسی و دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی

چکیده

این مقاله درصدد است با مشخص کردن اهداف نهایی موردنظر علوم انسانی و متخصصان این علوم، تاثیر آن را بر روش‌شناسی و کیفیت تحقیق و توسعه در این علوم مورد بحث قرار دهد. به این منظور، رجوع به موضوعات مطرح در فلسفه علوم و به ویژه فلسفه علوم انسانی (و به تعبیری علوم اجتماعی) که در سالهای اخیر بسیار گسترش یافته است، اهمیت فراوانی دارد. برای مثال، اصل ابطال‌گرایی (و در برخی منابع، قانون ابطال‌گرایی) که توسط بسیاری از فیلسوفان به منظور سنجش اعتبار علوم به کار رفته است، اهمیت قابل توجهی برای این بحث دارد. همچنین مطرح کردن آرای فیلسوفان مختلف و همچنین متخصصان علوم انسانی که درباره جایگاه علوم انسانی و اجتماعی به تفکر و گمانه‌زنی پرداخته‌اند، جایگاه مهمی در این مقاله خواهد داشت. به عنوان نمونه‌ای از این فیلسوفان آرای کارل یاسپرس که شهرتش نه فقط به عنوان فیلسوف، بلکه علاوه بر آن، به خاطر حرفه اصلی‌اش، یعنی روان‌شناسی بوده است و در مورد جایگاه علوم انسانی صاحب آرای مهمی می‌باشد. مورد بحث قرار خواهد گرفت. در تشریح این موضوعات از دیدگاه‌های مختلف فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و ... یاری گرفته خواهد شد. برای مثال، یکی از اصول بنیادین جامعه‌شناسی علمی، اصلی است که به وسیله ماکس وبر مطرح شد، یعنی تمایز میان تبیین و تفهیم، چنانکه تبیین، هدف نهایی علوم طبیعی و تفهیم، هدف نهایی علوم انسانی تلقی می‌شود. به زعم جامعه‌شناسان بر همین اساس، می‌توان روش‌شنای علوم انسانی را مشخص کرد و گسترش داد. در نهایت، بر مبنای اهداف مشخص شده برای علوم انسانی و روش‌شناسی منتج از آن، می‌توان چشم‌انداز این علوم را برای متخصصان و پژوهشگران و نیز سیاست‌گذاران جامعه تعریف کرد تا این حوزه از علم نیز بتواند مانند علوم طبیعی، به سرچشمه مطمئن و معتبری برای شناخت‌های بشری تبدیل شود.

کلید واژه‌ها: فلسفه علوم انسانی و اجتماعی، فلسفه علوم طبیعی، علم سنجی، روش‌شناسی، اهداف علوم.

محوریت عدالت، قانون و مصلحت در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی

دکتر مهدیه السادات مستقیمی

دکتر زهره نادری‌نژاد

دکتر عرفان اسلامی

چکیده

مقاله حاضر با تأکید بر ضرورت حضور سه اصل رکن «عدالت محوری»، «قانون‌مداری» و «مصلحت‌اندیشی» در همه مدارها و سیستم‌ها عناصر و مجموعه‌های آموزش عالی سعی نموده است با روی‌کردی کاربردی به بعضی از روزآمدترین ریزبرنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی توجه نموده و هر یک از این سه مفهوم را در زیرمجموعه‌هایی بازبینی کرده و هر یک از این زیرمجموعه‌ها را در قالب حداقل سه مثال بیان نماید. دقت در شاخصه‌بندی قوانین، دقت در بیان و طراحی تبصره‌های تفسیری قوانین، عدالت آموزشی و نخبه‌گرایی، عدالت آموزشی و احتساب مسئله هویت جنسی، احتساب مصلحت اسلام و مصلحت عمومی و مصلحت استراتژی در نظام آموزش عالی از جمله مواردی است که در این مقاله به صورت پیشنهادهای کاربردی مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آموزش عالی، عدالت محوری، قانون‌مداری

اهمیت فلسفه در جهان معاصر با نگاه ویژه بر حکمت اشراق سهروردی

عبدالله نیک سیرت

هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده :

در این مقاله سعی شده تا به نحو مختصر و مفید به جایگاه و اهمیت فلسفه و بویژه حکمت اشراق در جهان معاصر و مدرن پرداخته شود. آنچه به طور خلاصه می‌توان گفت این است که انسان امروزی به رغم همه پیشرفتهای صنعتی و تکنولوژیکی که به برکت انقلاب صنعتی و به یمن تلاش دانشمندان علوم تجربی و طبیعی به دست آورد، همچنان در عرصه خودشناسی که گوهر اصلی آدمی و مرکز توجه پژوهشهای فلسفی است نه تنها پیشرفتی نداشته که متأسفانه در پاره‌ای مواقع هم به دلیل سرگرمی بیش از حد به مظاهر و جلوه‌های جذاب و فریبنده تمدن و علم جدید دچار خسران و زیان و پس رفت نیز گردیده است.

همچنین به این نکته نیز شده که در عصر و زمان کنونی بیش از هر دوره و زمان دیگری محتاج به اقبال و توجه به اندیشه و افکار فلاسفه راستین و بویژه حکمای معنوی و روحانی همچون شیخ اشراق هستیم. چرا که غفلت از خود حقیقی و روحانی خویش از مصادیق واقعی خسران و از جمله بلاهای معنوی و واقعی انسان مدرن است. بر همین اساس با باور نگارنده حکمت‌های معنوی که بر خویش‌شناسی و خودباری تأکید می‌ورزند می‌توانند این خلا معنوی را به نحو احسن برطرف نمایند و حکمت مشرقی شیخ اشراق یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین حکمت‌های معنوی گذشته و حال آدمی است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، فلسفه، جهان معاصر، حکمت اشراق

محور چهارم :

نقش علوم انسانی در توسعه همه جانبه کشور

موضوعات:

- نقش علوم انسانی در چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای عملیاتی ساختن آن
- نقش علوم انسانی در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران
- نقش علوم انسانی در رشد و بهینه سازی مدیریت

کاستی‌های علوم اجتماعی و رفتاری در مواجهه با

نابهنجاری‌های اجتماعی

محمود سعیدی رضوانی

استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی

چکیده :

در سالیان بعد از انقلاب اسلامی به خصوص در دههٔ اخیر، شاهد رشد کمی و در خور توجه منابع مکتوب در تمامی حوزه‌های علوم انسانی و از جمله علوم اجتماعی و رفتاری (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تربیتی) بوده‌ایم.

در مورد رشد پذیرش دانشجویان و تنوع و تعداد دانشکده‌های مختلف و افزایش مراکز آموزش عالی نیز نیاز به استدلال و بحث و گفتگو نیست. رشته‌های مربوط به علوم اجتماعی و رفتاری نیز حداقل به اندازهٔ سایر رشته‌های دانشگاهی توسعه داشته‌اند. بلکه شاید بتوان گفت به دلیل ماهیت نظری این رشته‌ها و عدم استلزام برای امکانات خاص جزو رشته‌های دارای توسعهٔ سریع بوده‌اند. علاوه بر رشد و گسترش کمی رشته‌های مذکور، در سطح سازمانها شاهد اقبال قابل توجه به آموزش و پژوهش و استفاده از متخصصان و مشاوران علوم مزبور بوده‌ایم. تأکید بر اهمیت نیروی انسانی، نقش آموزش در ارتقای سطح فرهنگ و مقوله‌های زیست محیطی و ... از برجستگی‌های فرهنگی، آموزشی در دو دههٔ اخیر است.

دقت در آنچه روی داده است، سؤالی را مطرح می‌سازد: چرا علیرغم این رشد و تحول چشم‌گیر کمی در تعداد فارغ‌التحصیلان رشته‌های مربوط به پیشگیری و صلاح نابهنجاری‌ها، وضعیت فرهنگی و زیست محیطی ایمنی و اجتماعی مصوب‌تر نشده است؟ رشد نابهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی نظیر بدحجابی، اعتیاد، کودک‌آزاری و طلاق و ... تا چه حد به نابسامانی در وضعیت اقتصادی و فشارهای بیرونی مربوط است و تا چه حد به کارکرد ضعیف و نابسامانی آموزش و پرورش و آموزش عالی به ویژه رشته‌های عالی مرتبط یعنی علوم رفتاری و اجتماعی مربوط است؟ هر از چندگاهی شاهد آنیم که دانشگاهیان، سازمانهای مرتبط با پیشگیری و درمان نابهنجاری‌ها نظیر بهزیستی و آموزش و پرورش را به باد انتقاد می‌گیرند. ظاهراً نهاد دانشگاه، نقش تقریباً منحصر به فرد خود در تربیت کادر کارشناسی سازمانها و نهادهای مختلف امور اجتماعی و مشاوره‌ای و روان‌درمانی و ... از یاد برده است. به هر روی، در مقاله حاضر، برخی عواملی که

نظام آموزش عالی نتوانسته است به وظیفه خود در قبال مواجهه با مشکلات و مسائل اجتماعی عمل کند، آمده است:

۱. ابهام در مفهوم تولیدات علم در علوم اجتماعی و رفتاری
۲. افزایش تولیدات علمی فاقد کیفیت
۳. بی‌توجهی به نقش تفکر و تأمل، انجام پژوهش بدون تفکر
۴. عدم ارزشگذاری به زحمات اعضای هیئت علمی راجع به نقد آثار (سیاستگذاری نادرست در امتیازدهی به اعضای هیئت علمی)
۵. تفوق مدرک گرایی دانشجویان و رتبه‌گرایی در اساتید
۶. وسیله شدن همایشها برای ارتقای اعضای هیئت علمی - به جای بررسی حل مشکلات اجتماعی -
۷. عدم سرمایه‌گذاری روی داوری مقالات (به‌خصوص در همایشها) و طرح‌های پژوهشی
۸. سیاستهای نادرست گوناگون مربوط به ارتقای اساتید
۹. محدود کردن پژوهش به کارهای کمی و سطحی
۱۰. عدم جلوگیری از ورود دانشجویان فاقد صلاحیتهای اعتقادی و اخلاقی و در نتیجه مشکلات ناشی از فساد اخلاقی فارغ‌التحصیلان به ویژه در گروه روان‌شناسی
۱۱. کلاسهای نسبتاً حجیم در دوره‌های ارشد به ویژه در دانشگاه آزاد
۱۲. ضعف مبانی اعتقادی برخی اساتید
۱۳. تمرکز بودجه‌های کلان پژوهشی در شهر تهران
۱۴. سیاستهای اقتدار طلبانه برخی دانشگاهها

واژگان کلیدی: علوم اجتماعی، علوم انسانی، نابهنجاری‌های اجتماعی، رشته‌های دانشگاهی، آموزش عالی

نقش علوم انسانی و آموزش آنها در ارتقاء فرهنگی و اجتماعی جامعه

علیمحمد کاردان

استاد دانشگاه تهران

چکیده:

از علوم انسانی چنانکه یکی از دانشمندان معاصر¹ می‌نویسد هنوز تعریفی جامع و مانع که مورد قبول فلاسفه و معرفت‌شناسان باشد به عمل نیامده است و دلیل آن نیز وسعت و تعدد و تنوع این علوم از یک سو و تازگی بسیاری از آنها از سوی دیگر است. در حال حاضر اکثر صاحب‌نظران به برشمردن این علوم و تعریف هر یک از آنها اکتفا می‌کنند و تازه در این کار نیز دشواریهای بسیاری پیش می‌آید که یکی از آنها روشن نبودن مرز یا مرزهایی است که این علوم را از یکدیگر جدا می‌کند یا به یکدیگر می‌پیوندد و یکی از دلایل این مشکل نیز حد بالائی از میان رشته‌ای بودن این علوم است بطوریکه به هر یک از این علوم که می‌نگری وضع مستقلی ندارد و به نحوی با علم دیگری در ارتباط است و از داده‌های علم نزدیک بی‌نیاز نیست. می‌توان گفت که علوم انسانی صورت خانواده‌ای دارند و همه خویشاوند یکدیگرند. و روز به روز بر تعداد اعضاء این خانواده افزوده می‌شود و این وضع مطالعه دودمان مانند این علوم را دشوارتر می‌سازد. در تعریف توصیفی علوم انسانی نیز غالب کسانی که به این کار پرداخته‌اند تعریف خود را با چند نقطه و یا ذکر «و غیره» یا «و نظایر آن» تمام می‌کنند.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، ارتقاء فرهنگی، ارتقای اجتماعی، میان رشته ای

¹ . منظور Julian Freund مؤلف کتاب «نظریه‌های مربوط به علوم انسانی» است که بوسیله نویسنده این مقاله ترجمه و به همت مرکز نشر دانشگاهی چاپ و منتشر شده است (چاپ سوم، ۱۳۸۵).

نقش علوم انسانی در توسعه همه جانبه کشور بر پایه وحدت حوزه و دانشگاه

سید علی محمد یثربی

عضو هیات علمی دانشگاه پردیس قم

چکیده:

اگر نقش علوم انسانی در توسعه همه جانبه کشور با نقش سه گانه این علوم در سه زیر مجموعه چشم انداز بیست ساله نظام و سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه و نیز رشد و بهینه‌سازی مدیریت بر مبنای وحدت دو معهد علمی حوزه و دانشگاه ملاحظه و لحاظ گردد چکیده آن را در سه کلید واژه توسعه و عدالت و انسان مدل اسلام می‌توان عرضه نمود چون بیت الغزل چشم‌انداز ایران را کشوری «توسعه یافته» معرفی می‌نماید و سیاست‌های کلی برنامه اعتلا و عمق معرفت و بصیرت دینی را سربرگ خویش قرار می‌دهد و می‌داندیم که عمق بصیرت دینی جزء عدالت در همه ابعاد آن قابل تفسیر واقعی نیست اسناد «توسعه» و «عدالت» و نیز «انسان مدل اسلام» که منبع و مقصد مدیریت در نظام اسلامی است را باید در علوم انسانی جستجو کرد و شناخت درست علوم انسانی در سایه وحدت علمی حوزه و دانشگاه است که به فرمایش امام راحل و عظیم‌الشان فرهنگی دانشگاه‌ها و مراکز غیر حوزه‌ای به صورتی است که با لمس واقعیت بیشتر آشنایی دارد تا فرهنگ فلسفی و نظری. باید به برداشتن فاصله‌ها حوزه و دانشگاه در یکدیگر ذوب شوند تا زمینه برای بسط و گسترش اسلام فراهم شود.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، حوزه و دانشگاه، وحدت، توسعه، چشم انداز بیست ساله

جلوه نکات تربیتی در منطق الطیر عطار

مریم یوسفی پور

دانشجوی زبان و ادبیات فارسی

چکیده :

علوم انسانی گستره‌ی وسیعی دارد که باید به جایگاه آن توجه بیشتری گردد. زیرا تأثیر بسزایی در پیشبرد اهداف مختلف یک کشور دارد. چنان‌که می‌دانیم جوانان آینده‌سازان کشورند و این جمله فراتر از یک شعار است؛ زیرا در روزی نه چندان دور تمام پست‌های مهم و استراتژیک را باید همین جوانان به دست بگیرند. مسلماً نیروی جسمی و بار علمی این جوانان نمی‌تواند باعث ثبات شخصیتی آنها شود. و مهمترین چیز برای جوان در جامعه‌ی امروزی سلامت روحی و ثبات شخصیتی آنها است. و این سلامت روحی با تعمق در دروس انسانی از جمله ادبیات حاصل می‌شود. ادبیات از طریق مختلف سعی در ارضا نمودن روح آدمی دارد، از طرفی با کتب حماسی، روح حماسه‌سازی و ملی و عقل‌گرایی را به آنها می‌آموزد و با کتب عرفانی افراد را به چنگ زدن به ریسمان محکم الهی دعوت می‌کند و راه سعادت را نشان می‌دهد. در این مقاله سعی شده به آثار تربیتی منطق الطیر عطار اشاره شود زیرا که از نظر نویسنده، این کتاب در لوای داستانهای دلکش می‌آموزد که چگونه باید با احساسات خود برخورد نمود و به جوان کمک می‌کند قدری بیشتر در مسائل خود تفکر نموده و تصمیم‌گیری نماید.

کلید واژگان: علوم انسانی، ادبیات، تربیت، جوانان، احساسات، خیال

محور پنجم :

علوم انسانی بومی - دینی

موضوعات :

- امکان بومی‌سازی علوم انسانی و رشته‌های آن، چالش‌ها و راهکارها
- نقش نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاهی و حوزوی در بومی‌سازی علوم انسانی
- نقش متافیزیک در بومی - دینی ساختن علوم انسانی
- علم دینی: مبانی، روشها و امکان نظریه‌سازی و نظام‌سازی در علوم انسانی
- رابطه علوم انسانی با معارف خاص دینی

علوم انسانی - اجتماعی از بحران تا بوم‌سازی: انتقادات و راهکارها

دکتر شهلا باقری

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

علوم انسانی در حیطه موضوعی خود، فهم معنای انسان، تشخیص مسائل و ارائه طرحی برای رفع گرفتاری او را بر عهده دارند. دانش پژوهشی معاصر نشان می‌دهد که علم، خود یک پدیده فرهنگی و انسانی است و در آثار و نگارگری‌های علمی ما، پیام‌های ارزشی وجود دارد و این پیامها با برجسب‌هایی که به آنها می‌زنیم و شیوه‌ای که تحقیقات خود را هدایت می‌کنیم، خود را نشان می‌دهند.

در این مقاله پس از طرح موضوع بحران در علوم انسانی معاصر و در رشته‌های مختلف علمی نظیر روانشناسی، جامعه‌شناسی، برنامه‌ریزی درسی، علوم سیاسی، علوم ارتباطات و زیر مجموعه‌های مربوطه به ضرورت سامان بخشیدن به حرکتی جدید در این عرصه پرداخته شده است: در گام نخست، تعریض راه مطالعات انتقادی، نقطه عزیمت مطلوبی برای بومی سازی علوم اجتماعی است. در ادامه مقاله، پس از طرح برخی نکات عمده انتقادی از دیدگاههای مختلف در مبانی و مبادی علم مدرن، پیشنهادات و راهکارهایی در جهت تعریض مطالعات انتقادی و تقویت نظریه پردازی و تولید علم چه در سطح وزارت علوم، تحقیقات، فناوری و چه در سطح دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی آورده شده است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، بحران هویت، بومی سازی علوم اجتماعی، تحقیقات بنیادی

رابطه علوم انسانی با معارف خاص دینی

دکتر علی اکبر امین بیدختی

رضا ذوقی ارکی استادیار دانشگاه سمنان

چکیده :

در ادیان الهی شناخت و سازندگی انسان اولین و اساسی‌ترین مسئله است و تأکید زیادی نسبت به کمال انسان وجود دارد. و هر امر دیگری از آن جهت مورد توجه قرار می‌گیرد که در رساندن انسان به کمال منشأ اثر واقع شود. در اسلام نیز همانند همه ادیان الهی توجه خاصی نسبت به این موضوع شده است. از دیدگاه اسلام انسان می‌تواند با شناخت کامل خود و عوامل مؤثر بر زندگی و با تکیه بر پشتوانه نیرومند به نام ایمان به خدا به کمال برسد. به همین دلیل مطالعه معارف اسلامی در زمینه علوم انسانی می‌تواند به پژوهشگران کمک نماید با تلفیق این معارف و دستاوردهای علمی در جهت پیشرفت تحقیقات گام بردارند. در این بین یکی از مهمترین منابع غنی و ارزشمند پس از قرآن که نسبت به معارف اسلامی مباحث ارزشمندی دارد نهج البلاغه است. اما متأسفانه تا به حال آنچنان که شایسته است در ابعاد گوناگون این کتاب از نظر پژوهشی کار نشده است. از طرف دیگر در سالهای اخیر علوم انسانی از درون دستخوش تغییراتی شده‌اند. پژوهشگران علوم انسانی تلاش می‌کنند به جای اینکه به توصیف پدیده‌های انسانی بپردازند آنها را توضیح دهند و تبیین نمایند. به همین جهت تلاش می‌کنند پدیده‌های انسانی را با روش علمی مورد مطالعه قرار دهند.

در این مقاله ضمن تأیید و تأکید بر پژوهش‌های علمی جهت تبیین پدیده‌های انسانی لزوم توجه به معارف دینی جهت پیشرفت تحقیقات مورد تأکید قرار گرفته است. به همین منظور و با در نظر گرفتن گستره شناختها و شاخه‌های مختلف علوم انسانی احادیثی از نهج البلاغه جهت اثبات توانایی بالقوه این کتاب ارزشمند جهت پیشبرد اهداف علوم انسانی آورده شده است. البته لازم به یادآوری است با در نظر گرفتن ابعاد گوناگون نهج البلاغه و گستره بسیار وسیع علوم انسانی تحلیل و بررسی این موضوع به مقالات و نوشته‌های بسیار بیشتری نیاز دارد. امید است طرح این عنوان از جانب کنگره ملی علوم انسانی زمینه‌ای را فراهم آورد تا هرچه بیشتر جنبه‌های مختلف این موضوع مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

کلید واژه: علوم انسانی: انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، تاریخ، علوم تربیتی

ایجاد سازمانهای یادگیرنده مبتنی بر مدیریت بوم‌شناسی

محمد رضا بهرنگی

داوود وادی‌پور عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده :

در این مقاله می‌خواهیم رویکرد مدیریت بوم‌شناسی را ضمن تعریف و آشنایی با آن، بصورت عملی در آموزش بکار گیریم. یادگیری بوم‌شناسی مبتنی بر چارچوبی باز و پویا در ارتباط با محیط و سازمان آموزشی می‌باشد. ابتدا فرایند و مراحل، و سپس تاثیر آن بر سازمانهای یادگیرنده و آموزشی را بررسی می‌کنیم.

در فرایند به کارگیری راهبردهای عملیاتی که در ادامه ذکر خواهد شد، لازم است مدیریت کیفیت، که خود نمی‌تواند از سازمانهای یادگیرنده به دور باشد، اعمال گردد. یعنی فرایند اجرایی نامه‌های سازمانهای یادگیرنده پس از تنظیم، اجرا و طبق ملاک‌های لازم که در خور محتوای تولید شده است، نظارت و کنترل شود. ایجاد سازمانهای یادگیرنده بر اساس کل‌نگری است، یعنی لازم است مدیران جهت تشکیل این سازمانها کل‌نگر باشند. به این که دریابند اجزاء درون کل با چه کیفیتی کار می‌کنند. پس لازم است اصول ایجاد سازمانهای یادگیرنده علاوه بر موارد ذکر شده آشناسازی اعضا به کیفیت باشد تا خود را باور کنند و سپس هدایت شوند، تحقیق کنند و بفهمند و سپس محتوا بسازند و برای دیگران ایجاد وسیله یادگیری کنند. بدین گونه خود یافته، خود یادگرفته و خود آموزشگر باشند. در اصول مدیریت آموزشی که جزء ایجاد زمینه و تمهیدات برای شکل‌گیری یادگیری چیز دیگری نیست، لازم می‌نماید جزء اساس فراگرد مدیریت، آموزشگری و آموزش‌بینی قرار گیرد. یعنی مدیریت دریابد قبل از اینکه چیزی را به نیروی انسانی آموزش دهد، باید خود آموزش ببیند و نتیجه آموزش دیده خود را تولید کند. یعنی برای تولید نباید، جدایی منابع تولید و رسیدن منابع جهت کشف اطلاعات، پالایش اطلاعات، و دریافت اطلاعات پالایش شده و قرار دادن آن اطلاعات در راستای سازمان‌دهی محتوا، و سپس آموزش بین گروهی از محتوای به دست آمده صورت گیرد و متعاقباً تسری محتوای تولید شده به غیر، یعنی تولید مواد درسی در مدرسه به وسیله معلمان و ایجاد زمینه آموزشی برای فراگیران صورت گیرد. بدین‌گونه مدرسه تولید می‌کند، به مصرف می‌رساند، و تولید داخلی در مصرف داخلی زمینه‌های کیفیتی را بهتر روشن می‌کند. چرا که در تبادل با محیط قرار می‌گیرد و آنچه را که می‌سازد بومی است و این شرایط زمینه یادگیری بومی را فراهم می‌کند؟

طبق موارد ذکر شده، اصول مدیریت آموزشی و بوم‌شناسی صرفاً در موارد ذکر شده از دیدگاه‌ها محدود نمی‌شود بلکه این اصول نیازمند تولید یا خودمداری و خود راهبری نیرو انسانی را لازم دارد.

موارد کلیدی که در اینجا مشخص شده نیاز به تحقیقات بیشتری دارد. با تاکید بر مدیریت بوم‌شناختی دهه‌های ۱۹۷۰ / ۱۹۸۰ نسل جدید مدیریت بوم‌شناختی باید معیارهایی جهت ارزیابی مدلها، روشها و رویکردها ارائه دهد. از فناوریهای مدرن برای انتقال دانش مدیریت استفاده کند و مدیریت بوم‌شناختی را در دیگر حوضه‌های زندگی اجتماعی نیز به کار گیرد. همچنین نیاز به شفافسازی معانی متنوع در حوضه مدیریت بوم‌شناختی نیز در این مقاله بحث می‌شود.

ارزش: خصوصیت متمایز این مطالعه آن است که بر جای دادن مدیریت بوم‌شناختی در زمینه وسیع‌تری از بحث‌های محققان تاکید می‌کند بدین ترتیب مفاهیم کلیدی قابلیت بیشتری برای درک و فهم پیدا کرده‌اند. و کاربرد این مفاهیم، تعریف هر یک و نظرگاههای مختلف در مورد هر یک از مکاتب را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، بوم‌شناختی، رقابت، سازمان‌های یادگیرنده، زبان الگو

علوم انسانی اسلامی؛ ضرورت‌ها، مبادی و نظریه‌سازی

سیدحسین حسینی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده:

حاصل این مقاله که بیشتر جنبه معرفی کلیات یک طرح تحقیقی در زمینه علوم انسانی اسلامی را دارد، این است که:

جامعه اسلامی ایران در مسیر برپایی تمدن نوین دینی در جهان معاصر قرار گرفته است. اگرچه تلاش‌ها و گام‌های مهم و محکمی در این زمینه برداشته شده، ولی تا تحقق تمام اهداف و آرمان‌ها، راه درازی در پیش است. دستیابی به این حرکت مقدس و هدف عالی در جامعه‌ی اسلامی ما، مستلزم همکاری جدی ارکان فرهنگی نظام، برای ایجاد وحدت فرهنگی و سپس جامعه‌ی فرهنگی دینی به معنای حقیقی آن است و این امر ریشه در علوم انسانی دارد.

با پیدایی و پی‌ریزی علوم انسانی اسلامی توسط مراکز فرهنگی و نیز طبق برنامه‌ای سامان‌یافته و نظام‌مند، وحدت حوزه و دانشگاه، در ریشه‌ها و مبنای حقیقی، دست یافتنی بوده و به میزان تحقق این هدف، وحدت علوم و معارف نیز زمینه‌ساز وحدت فرهنگی دینی شده و شاکله‌های جامعه‌ی فرهنگی پسندیده‌ی (دینی) پی در پی نمایان خواهند شد.

دستیابی به این وحدت (به مفهوم تمام و کمال آن) اصلی‌ترین راه وصول به نشانه‌ها و اهداف فرهنگی در جامعه‌ی اسلامی است و قطعاً تحقق جامعه‌ی فرهنگی، یکی از مهمترین مسیرهای زایش جامعه‌ی اسلامی آرمانی به شمار می‌آید.

و بدینسان، علوم انسانی اسلامی، مبنای تحقق وحدت فرهنگی در جامعه‌ی اسلامی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: علوم انسانی، علوم انسانی اسلامی، وحدت فرهنگی دینی

بومی سازی علوم انسانی در ایران و جهانی شدن

شهرام روستایی استادیار دانشگاه تبریز

چکیده :

علم را می توان به دانش مرتب درباره پدیده های طبیعی و انسانی و بررسی منطقی روابط میان انسان و محیط تعریف کرد که این پدیده ها در گذر زمان متناسب با تحولات فکری و فرهنگی و اجتماعی بشریت مفهوم خاص پیدا می کنند. علوم مختلف بشری در طول تاریخ خواستگاه متفاوتی داشته و هر قومی متناسب با ویژگی های خود، در پیشرفت و توسعه علوم مختلف نقش ایفا کرده اند. به عبارتی دیگر همان طوری که پوشش گیاهی و جانوری در کره زمین متناسب با ویژگی های اقلیمی و توپوگرافی، بومی که منطقی شناخته می شوند و در محیط های سازگار با نیازهای خود رشد و توسعه می یابند؛ علوم مختلف نیز از این قاعده استثناء نیستند. در این راستا اگر ما علوم را به دو گروه عمده یعنی علوم انسانی و علوم طبیعی (خاص) تقسیم بکنیم، روشها و طرق رشد و بالندگی هر یک از این گروه های علمی از هم متفاوت بوده و نیاز به راه کار متفاوتی دارند.

علوم انسانی راه های شخصی دریافت حقیقت هستند، بنابراین با تغییر محیط فرهنگی در معرض تغییر قرار می گیرند، به عبارتی دیگر در علوم انسانی نمایش حقیقت تحت تاثیر مزاج آدمی است. این تحلیل هرچه به واقعیت نزدیک تر باشد جنبه علمی پیدا می کند. در حالی که در پژوهش های مربوط به علوم طبیعی (خاص) نفوذ شخصی پژوهنده و ویژگی های فرهنگی و اجتماعی دخالت ندارند. چنانچه در این علوم اگر به حقیقت عینی درباره طبیعت بیجان برسیم هر کس در هر جای دنیا می تواند آن را بیازماید و همیشه به نتیجه مشابهی برسد. مثلاً اگر پژوهشگری در رابطه با خواص نور تحقیق می کند ویژگی های فرهنگی وی در نوع نتیجه نمی تواند دخیل باشد. شک نیست که هر پیشرفتی که برای ما حاصل می شود مستقیماً مربوط به داده هایی است که در اختیار خویش داریم و آن داده ها نتایجی است که از پژوهش های گذشته به دست آمده است. این نتایج محصول گزینش هایی است که قبلاً صورت گرفته است. آن گزینش ها وابسته به بعضی از گرایش های فکری بوده است که در زمان و مکان خود بر روی توده داده های فکری در دسترس آن زمان همه اینها به این نتیجه می انجامد که ما نمی توانیم هنگام تعیین خط مشی علمی خود و انتخاب جهت خاص برای آینده، در را به روی همه عوامل فردی و ذهنی و محیطی ببندیم. بایستی زیربنای دانشی را که از آن خود ماست طوری پی ریزی کنیم که به آسانی از محتوا خالی نشود.

کلید واژه ها: بومی سازی علم - جهانی شدن - روابط انسان و محیط - علوم انسانی - علوم

خاص - ایران

علوم دینی از لحاظ کاربردی و رابطه آن با دیگر علوم

مریم زائری کارشناس ارشد فلسفه اسلامی

چکیده :

در میان علوم انسانی علوم دینی همچون فلسفه، کلام و عرفان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این علوم علاوه بر تاثیر مستقیم و قابل توجهی که در رویکرد و عملکرد مذهبی، فرهنگی مردم جامعه دارند، می‌توانند در ارتقاء دیگر رشته‌های علوم انسانی و حتی تجربی نیز از نظر مبنائی و نظری و به شکل علوم درجه (۲) نقش به‌سزایی را ایفا کنند. در کشور ما به دلیل پاره‌ای از مسائل این علوم بالاخص از نظر کاربردی به نسبت دیگر علوم انسانی مهجور واقع شده‌اند. هرچند به صورت نظری کارهای زیادی در علوم دینی در دو پایگاه علمی حوزه و دانشگاه صورت گرفته، اما شکاف بین متون، تعالیم و حتی اساتید این علوم و مردم جامعه محسوس است این مسئله امروزه به شکل یک چالش در جامعه ما ظهور یافته و بررسی علمی دلایل و راهکارهای آن بی‌شک در تقویت اندیشه‌های دینی مردم جامعه، ایجاد پیوندی محکم‌تر بین علوم دینی و دیگر علوم اسلامی و عملی و کاربردی کردن آموزه‌های دینی تاثیرگذار خواهد بود. در این نوشتار به بررسی این چالش، علل ظهور آن و در حد توان ارائه راهکارهایی در این زمینه خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: علوم انسانی، علوم دینی، فلسفه، کلام، متون دینی، دین‌گریزی، پوزیتویسم

علوم انسانی بومی - دینی

مهدی زارعی دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام دانشگاه شیراز

چکیده :

در این مقاله با محوریت علم دینی این مسئله از چند منظر مورد بحث و مذاقه واقع می‌شود. بررسی علوم انسانی و ایجاد رابطه عمیق این علوم با منبع معرفت دینی و بومی‌سازی این مجموعه علوم همسو با متن مقدس دینی پذیرفته شده در یک قلمرو معین همواره ذهن پژوهشگران را مورد چالش قرار داده است. در این نوشتار ابتدا مفهوم علم را مشخص کرده و سپس نوع نگاهی را که از این منظر به علم به معنای مطلق آن می‌شود را روشن می‌سازیم که منظور همان علوم انسانی است. اگر بخواهیم به علم بما هو علم قیدی اضافه کنیم با نام دینی بودن، باز مرادمان از این قید در مفهوم علم دینی متفاوت است، حال صرف‌نظر از مثال‌های مختلف در این باب آن چیزی که در این مقال مطرح نظر و مورد اشاره است همان علم دینی شده است که در اینجا باز در حوزه‌ی علوم انسانی تعریف می‌شود. عده‌ای اظهار می‌کنند دسترسی به این گونه معرفت امکان‌پذیر است، و راهکارهایی را ارائه می‌کنند به عنوان نمونه بیان می‌کنند اگر تعارضی بین آموزه‌های دینی و دستاوردهای علمی مشاهده می‌شود از نمونه تعارض بین علم و دین نیست بلکه ناسازگاری یک پندار و تطبیق ظنی با دستاوردهای علمی است. پس معتقدند بعد از نیل به یک الگوی به ظاهر موفق در این باب از آن در برابر علوم غیردینی مشابه می‌توان دفاع کرد و توفیقی در این راه کسب نمود تا با معیارهای عقلی خدشه‌ناپذیر همخوانی داشته باشد. در مقابل، برخی عقیده‌ای دیگر گاه مخالف با نظریه فوق دارند. حال اگر ما هر یک از دلایل عقلی و نقلی خود را به موارد یقینی و ظنی تقسیم‌بندی کنیم و با توجه به بطون مختلف متن دینی گاه می‌توان به نتایج قابل قبولی در این عرصه دست پیدا کرد که پاسخ‌گوی بسیاری از شبهات مطروحه حال حاضر نیز باشد. در این نوشتار به دنبال آن هستیم این گونه مسائل و مطالبی از این قبیل مورد بررسی قرار گیرد تا مساله اندکی روشن گردد و خواهیم دید که در دسترس جلوه می‌کند.

واژگان کلیدی: علوم انسانی بومی، علوم انسانی دینی، بومی‌سازی، راهکارها،

بومی سازی علوم سیاسی در ایران: چالشها، امیدها و راهکارها

دکتر رضا سیمبر عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی رشت

چکیده :

مقاله حاضر کنکاشی در رشته علوم سیاسی در ایران، جایگاه فعلی آن و موفقیت‌های موجود در بومی سازی آن می‌باشد. این نوشتار به این موضوع اصلی می‌پردازد که موقعیت فعلی این رشته دانشگاهی که از سرآمدترین رشته‌های علوم انسانی است در ایران امروز چگونه است تا چه میزانی بومی سازی شده است و چه چالش‌هایی برای تحقق این امر وجود دارد، با توجه به سیاستها و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌توان در یک نگرش انطباقی به این موضوع نگرست و چه راهکارهایی برای ارتقاء وضعیت فعلی با توجه به خصوصیات ایرانی و اسلامی جامعه ما در این رابطه وجود دارد. تاکید مقاله بر روش‌شناسی و نظریه‌های مختلف مرتبط در سطح جهانی و استناد به اهمیت جنبش نرم‌افزاری تولید علم است و لزوم ایجاد تحول در رشته علوم سیاسی نیز از این روزنه دیده می‌شود.

کلید واژه‌ها: علوم انسانی، علوم سیاسی، بومی سازی، جنبش نرم‌افزاری، برنامه توسعه جمهوری اسلامی ایران، محیط ایرانی و اسلامی

گامی به سوی تحول در الگوی تولید علوم تربیتی: بررسی انتقادی الگوی تباین معرفتی با تعالیم دینی

دکتر علیرضا صادقزاده قمصری

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده :

این مقاله با توجه به نقش برجسته علوم تربیتی در شناخت و هدایت فرآیند تربیت، در راستای مطالعه انتقادی این حیطه علمی به بررسی انتقادی الگوی خاصی می‌پردازد که بر روند کنونی تولید معرفت تربیتی مسلط است. بنابراین طرحواره کلان، پژوهش تربیتی تنها با بهره‌گیری از منابع معرفتی بشری (مانند عقل و تجربه) صورت می‌پذیرد و «تعالیم و حیانی دین» در هیچیک از مراحل تدوین و اعتبار بخشی به نظریات تربیتی نقش ندارند. التزام به این نوع «تباین معرفتی با تعالیم دینی» در عرصه علوم تربیتی، به تکوین نظریه‌های تربیتی با محتوا و قالبی کاملاً غیر متأثر از تعالیم و ارزش‌های دینی انجامیده و نهایتاً هدایت جریان تربیت را بر اساس ملاحظات غیردینی سوق داده است. این نوشتار با تلقی «وحی» به مثابه منبع معرفتی مستقلی برای ارائه برخی حقایق و واقعیت‌های مهم به ویژه در زمینه تعلیم و تربیت، اتکای تحقیقات تربیتی بر «الگوی تباین» را امری مسئله‌ساز می‌داند و با تحلیل و نقد این الگو، بر ضرورت تحول در روند تولید دانش تربیتی و لزوم یافتن الگویی جایگزین برای آن تأکید می‌نماید. در مقاله حاضر به منظور ارزیابی انتقادی الگوی تباین و تضعیف سیطره مطلق آن بر پژوهش‌های تربیتی معاصر، مهمترین مبانی فلسفی و کلامی این پارادایم شناسایی شده‌اند که عبارتند از: اومانسیسم معرفتی، اثبات‌گرایی، کثرت‌گرایی تباینی، تحویل دین به امری غیرشناختی و سکولاریزم. سپس با مروری بر انتقادات قابل توجه مطرح نسبت به آنها، تردیدپذیری و ضعف این مبانی تبیین شده است. بنابراین با توجه به دیدگاه‌های رقیب، نه تنها می‌توان در کنار «الگوی تباین» از الگوی دیگری برای تولید دانش تربیتی سخن به میان آورد؛ بلکه در صورت طراحی چنین الگویی بر مبنای امکان ارتباط معرفتی با تعالیم و حیانی دین، باید روند فعلی پژوهش در علوم تربیتی مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، علوم تربیتی، بررسی انتقادی، پژوهش تربیتی، الگوی تباین، علوم تربیتی سکولار

مطالعات فرهنگی: زایش علوم انسانی بومی

وحید طلوعی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی

چکیده:

با نگاهی به تاریخ علوم انسانی در ایران قبل از مدرنیته، شکل‌گیری علوم انسانی در غرب، و سپس علوم انسانی در ایران پس از مدرنیته می‌توان به رهیافت استعلایی و پوزیتیویستی این علوم جدید پی برد. در این میان، دو امر قابل بررسی است: الف - عدم ارتباط علوم انسانی پیشامدرن با زندگی روزمره؛ ب - برآمدن علوم انسانی جدید: ۱) در غرب، به منزله‌ساز و کار تحکیم قدرت در دوره مدرن؛ و ۲) در ایران، به منزله‌امری جدا از بستر فکر موجود و در نهایت، تبدیل این علوم به دانش‌های پیرو، حاشیه‌ای، و ناکارآمد. با پذیرش رویکرد تفهیمی نسبت به زندگی روزمره، بنا به آموزه‌های مطالعات فرهنگی، می‌توان مشخص کرد که حیات امروز ایرانی به لایه‌های متعددی منقسم شده است که نایکنواختی آنها منجر به تولید تعارضات شناختی و به تبع آن رفتارهای متعارض در حیطه فرهنگی می‌شود. این امر سوژه علوم انسانی در ایران را به پدیده‌ای بسیار سیال بدل می‌کند که بررسی آن در یک حوزه واحد از علوم انسانی متفی است. از این‌رو، طرح علوم بینا و فرا رشته‌ای، که به صورت منطقه‌ای به مسایل حوزه انسانی می‌پردازند، به منزله جایگزین علوم مذکور و قابل اعتناست. جستجو در مبانی فکری، ملحوظ داشتن شرایط فعلی، نگرش منطقه‌ای و بومی، و سرباز زدن از قرارگیری دانسته در مناسبات دانش و قدرت از خصایص چنین علمی خواهد بود. با عنایت به مبانی معرفت‌شناختی، مطالعات فرهنگی با گستردن امر فرهنگی داعیه‌دار چنین پروژه‌ای است که گمان می‌رود از دل آن پیدایی نظریه و کرداری متناسب با رویه تغییر فرهنگی ممکن باشد.

کلید واژگان: مطالعات فرهنگی، علوم انسانی، قدرت، مدرنیته، نگرش بومی

علم دینی و نظام‌سازی در علوم انسانی

زهرة عطائی آشتیانی

عضو هیئت علمی گروه بررسی زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده :

به دو صورت کلی می‌توان عوامل مؤثر در تولید علم را بررسی و ارزیابی نمود: نگرش از درون و نگرش از بیرون.

الف - ارزیابی بر اساس کارآمدی و محصولات علم: (نگرش از بیرون) در این صورت‌بندی ابزار و محصولات به عنوان شاخصه ارزیابی نظام تحقیقات علمی به رسمیت شناخته می‌شود.

ب - ارزیابی بر اساس مبنای علم: (نگرش به علم از درون)

در این صورت‌بندی چند عامل اساسی به عنوان مبنا نقش دارند:

- دانشمندان و شخصیت‌های علمی: تولیدکنندگان علم، که قادرند ارزش منطقی خود را در مراحل تولید علم جریان دهند.

- تاریخ تحولات علم: تعیین‌کننده جهت ارزش اجتماعی تا جائی که «نیاز» و «توسعه نیاز» در سطح اجتماعی تحت تاثیر جهت‌گیری حاکم بر تغییرات تئوریهای علمی قرار گیرد. روشهای علمی گوناگون، به ضرورت تغییرات تاریخی تولید می‌شود.

- فلسفه روش علم: تعیین‌کننده «مبادی» تنظیم پیش‌فرضهای علمی بوده و «مبانی» تنظیم نسبت‌های کمی و تعیین مفاهیم کیفی ارزش‌ها (مادی یا الهی) را در مدل‌سازی اصل قرار می‌دهد.

امروز پیش‌فرضهای یک علم در سایر علوم در هر سه مرحله فوق حضور دارد. ولی میزان تأثیر آن در هر بخش متفاوت است. مثلاً در حال حاضر فلسفه فیزیک در کل علوم حضور داشته و معادله فیزیک حاکم بر تولید کلیه فرضیه‌های علمی است که در پی آن علوم تجربی و سپس علوم انسانی به ترتیب شکل گرفته‌اند، لذا ارزش و اخلاق که علوم انسانی متکفل تبیین آن است، تابع بخش کاربرد علوم تجربی یعنی تکنولوژی می‌گردد.

در این مقاله با این پیش‌فرض که فلسفه روش علم دارای اولویت بالاتر و مقدم بر دو عامل دیگر (یعنی تاریخ تحولات و شخصیت علمی) است، جهت‌دار بودن علم و امکان تولید علم دینی را پیشنهاد می‌نماید.

به علاوه مباحثی چون روش عام، روش خاص و تاثیر فلسفه و جهت ارزشی - الهی در روند تولید علم مورد بررسی قرار گرفته و با مقدم قرار دادن فلسفه روش علم بر روش علم، حضور پیش فرض های دینی را در سه الگوی «گمانه»، «گزینش» و «پردازش» می کند. زیربنایی ترین و پایدارترین روش تولید علم دینی تنها با جایگزینی جهت ارزشی - الهی با جهت مادی در روش فلسفه علم امکان پذیر است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، علم دینی، نظام سازی، امکان تولید علم دینی

چالش‌ها و پرسش‌های انسان‌شناسی در ایران

نعمت‌الله فاضلی

استادیار انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده :

انسان‌شناسی ایرانی چیست؟ آیا اساساً چیزی به نام انسان‌شناسی ایرانی وجود دارد؟ اگر وجود دارد به چه موضوعاتی می‌پردازد و گفتمان‌های آن کدامست؟ مسائل آن چیست؟ برخی انسان‌شناسان اینگونه استدلال می‌کنند که هنوز انسان‌شناسی ایران شکل نگرفته است. زیرا «محوریت انسانی‌شناسی هنوز به وجود نیامده» است و منظور از محوریت انسان‌شناسی، نظریه انسان‌شناسی است که چشم‌انداز ما در ارتباط با فرهنگ ایران روشن کند و بتوانیم از این چشم‌انداز با جهان ارتباط برقرار کنیم. همچنین «ما تاکنون نیازهای خود را تدوین نکرده‌ایم» و نتوانسته‌ایم چشم‌اندازی از «تاریخ فرهنگی ایران» را بازنویسی کنیم، یا درباره پیوندهای بین زبان و مظاهر فرهنگی مانند موسیقی هنوز بررسی نکرده‌ایم و نظام خویشاوندی و اصطلاحات آن را نکاویده‌ایم و نمی‌دانیم «فضای خویشاوندی و جنسیتی ما چگونه است و چه رابطه‌ای با قدرت دارد». ما تاکنون مشکلاتمان را مدون نکرده‌ایم و برای آن چارچوبی نظری نپرداخته‌ایم تا بر اسلس آن چشم‌اندازی اختیار کنیم» (شهشهانی ۱۳۸۴: ۱۸ - ۱۹). این نکات دیدگاه و رویکرد یک انسان‌شناس ایرانی درباره انسان‌شناسی امروز ماست که بسیاری از کنشگران علوم اجتماعی ایران با او همسخن‌اند. اهمیت این رویکرد در این است که کلیت وجودی انسان‌شناسی ایران را به چالش می‌کشد و پرسش‌های مهمی درباره چیستی و چگونگی این دانش در ایران مطرح می‌سازد. از این رو، من بحث و مقاله‌ام را با طرح این دیدگاه آغاز می‌کنم.

فارغ از نوع پاسخ‌های موجود یا ممکن به پرسش‌های انسان‌شناسی ایران و چیستی و چگونگی آن، باید اذعان داشت که اکنون وقت آن رسیده است تا این پرسش‌ها با دقت بررسی تجربی شوند و برای حرکت کردن و برداشتن گامی به جلو بیش از هر چیز ما انسان‌شناسان باید چیستی و کیستی خودمان و رسالت و هدف‌هایمان و مشکلات و مسائل‌مان را بکاویم. در این‌جا نمی‌توان تردید داشت که انسان‌شناسی ایران با مشکلات و موانعی روبروست. اما در عین حال تجربه‌هایی نیز وجود دارد و اکنون دانش‌آموختگان و دانشجویان زیادی خود را با عنوان محققان و کنشگران این حوزه می‌شناسند و مراکز، مجلات و محافل بسیاری منتسب به انسان‌شناسی ایران در داخل و خارج این کشور فعالیت می‌کنند. از این رو بیان اینکه چیزی به نام انسان‌شناسی ایران وجود ندارد

با برخی واقعیت‌های موجود منطبق نیست و باید به جای نفی واقعیت موجود به بررسی انتقادی انسان‌شناسی ایران و مسائل آن پردازیم. من نیز مانند همکارم معتقدم که «تنها در صورتی که به اتکای ادراک روشنی از انسان‌شناسی توفیق پیدا کنیم راه‌گزینی خواهیم یافت.» (همان).

با توجه به ضرورت طرح پرسش‌ها و چالش‌های مذکور، این مقاله به بررسی انتقادی درباره مشکلات و موانع توسعه و رشد پژوهش‌های انسان‌شناسی در ایران می‌پردازد. من این مطالعه را بر اساس دو دهه «تجربه‌های زیسته» آموزشی، پژوهشی و مدیریتی^۱ در زمینه‌های علوم اجتماعی و به خصوص انسان‌شناسی در ایران و همچنین با توجه و استفاده از مطالعاتی که در این زمینه‌ها انجام داده‌ام،^۲ انجام و به نوعی ادامه و تکمیل آنها می‌باشد. علاوه بر این، در سال‌های اخیر در زمینه وضعیت انسان‌شناسی در ایران مقالاتی منتشر شده است (برای مثال، شهشهانی ۱۳۶۰ و ۱۳۸۴، کوثری ۱۳۷۷، مقصودی ۱۳۷۷، روح‌الامینی ۱۳۷۵، امان‌الهی بهاروند ۱۳۷۵). انتشار این مقالات خود شاهد ظهور گفتمان و خودآگاهی انتقاد بیشتر انسان‌شناسان نسبت به حرفه‌شان و نیاز به توسعه این گفتمان خود انتقادی است. در این مقاله سعی شده است تا آراء موجود و گفتمان خود انتقادی مذکور نیز بررسی و تحلیل شوند. همچنین من با رویکردی تاریخی به بررسی دوره‌های مختلف تحول انسان‌شناسی می‌پردازم و تلاش می‌کنم تجربه‌های هر دوره را بیان و مسائل و پرسش‌های کلیدی آن را توضیح دهم. اتخاذ رویکردی تاریخی به انسان‌شناسی ایران از این روست که ما بدون درک آنچه از گذشته تاکنون پشت سر گذاشته‌ایم قادر به فهم معنا و بستر وضعیت امروزی خود نیستیم. در بخش نخست مقاله ابتدا به بررسی انسان‌شناسی ایران به مثابه مسئله‌ای انسان‌شناختی می‌پردازم. سپس در بخش دوم، دیدگاه‌های موجود درباره مشکلات انسان‌شناسی در ایران را بیان می‌کنم. و در پایان چالش‌های گفتمانی انسان‌شناسی ایران را تحلیل می‌نمایم.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، انسان‌شناسی ایرانی، چالش‌ها، مشکلات و موانع

۱. نگارنده طی سال‌های اخیر مطالعات متعددی در زمینه‌های مختلف این رشته مانند تاریخ انسان‌شناسی در ایران (۱۳۷۶)، آسیب‌شناسی گفتمان‌های انسان‌شناسی ایران (۱۳۷۷)، وضعیت آموزش این رشته (۱۳۸۵، ۱۳۸۵ الف)، نسبت میان انسان‌شناسی و تحولات سیاسی جامعه ایران (Fazeli ۲۰۰۶)، اسلامی‌سازی انسان‌شناسی (Fazeli ۲۰۰۴)، وضعیت انسان‌شناسی بعد از انقلاب اسلامی (Fazeli ۲۰۰۳) انجام داده‌ام.

ضرورت رویکرد دینی به علوم انسانی «نظریه و عمل»

دکتر محمدعلی فیروزی

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده :

انسان موضوع علوم انسانی است، هر یک از علوم انسانی جنبه یا جنبه‌هایی از انسان را مطالعه و تبیین می‌نماید. از سوئی ادیان الهی نیز از طریق نزول وحی بر پیامبران جایگاه انسان، را در دنیا و حیات پس از آن تبیین می‌نمایند. مکاتب فلسفی غیر دینی نیز با تکیه بر دیدگاه‌های خود در مورد انسان نظریه ارائه داده‌اند و علوم انسانی که در دانشگاه‌های جهان و ایران تدریس می‌شود بر پایه همین مکاتب فلسفی به ویژه فلسفه مغرب می‌باشد.

بر نگارنده که رشته تحصیلی او جغرافیای انسانی است و بر اساس تعریف و قلمرو کار علمی و پژوهشی که دارد پاسخ به سئوالهای متعددی از جمله پیدایش انسان، جایگاه زیست او، عدالت اجتماعی، اقتصاد، توزیع عادلانه غذا، جغرافیای سیاسی و مدیریت اجتماعی انسان، شمال و جنوب، توسعه انسانی، نهایت جهان و ... مطرح است و لازم است به یکی از دو حوزه فوق مراجعه و پاسخ سئوالها را بدست آورده، متأسفانه پس از گذشت حدود سه دهه از انقلاب اسلامی و تلاشهای ستودنی پیشکسوتان فرهنگی کشور هنوز استادان متدین کشور منابع تالیفی یا ترجمه‌ای را ارائه می‌دهند که بر اساس تفکر غربی است، زیرا در تفکر علمی مسلط بر جهان مکاتب فلسفی مادیگرا مطرح هستند و در آن دیدگاه جایگاه وحی و علوم دینی در حوزه‌های دانشگاهی نیست. ادامه چنین وضعی نه تنها از موجب سلطه بیش از پیش علمی جهان غرب است و تحقیر استادان و دانشجویان بومی را در پی دارد و برای نظام مقدس جمهوری اسلامی که عمده‌ترین رسالت او کرامت بخشی انسان و زمینه‌سازی حکومت صالحان است چالشهای جدی ایجاد می‌کند.

لذا برای علوم انسانی تبیین مباحث انسانی بر اساس نص قرآن کریم که کتاب هدایت انسان است و سیره و کلام نبوی و ائمه معصومین ضروری و اجتناب ناپذیر است.

در این مقاله نگارنده بر آن است که علاوه بر تحلیل نظری برخی راهکارهای عملی در مورد استاد علوم انسانی به علوم دینی را ارائه نماید.

کلید واژه‌ها: علوم انسانی، دین، مکاتب فلسفی، جغرافیای انسانی

ضرورت‌های بنیادی و استراتژیک بومی‌سازی علوم انسانی در ج.ا.ا.

دکتر حسین قریب دکتری علوم سیاسی

چکیده :

هر نظام سیاسی در برابر انبوهی از « مسائل » قرار دارد که مستلزم « راه‌حلهای » عقلایی و بدور از احساسات و متناسب با شرایط « خاص » نظام مربوطه می‌باشد . راه‌حلهای ممکن است در بعضی از جوامع دیگر ، به نوعی تجربه شده باشد ، ولی به کارگیری آنها بطور کامل در جامعه هدف ، مقدور و میسر نخواهد بود . چرا که شرایط جوامع نسبت به یکدیگر ، بسیار متفاوت و مختلف می‌باشد . بنابراین هر جامعه‌ای علاوه بر توجه و به کارگیری تئوری‌ها و نظریات « عام » محتاج نظریات « خاص » و « بومی » نیز می‌باشد . تئوری‌های خاص تحت تأثیر شرایط و وضعیت‌های درونی هر جامعه بوده و تدوین آنها نیز منوط به تلاشها و اقدامات درون‌زا علمی جامعه می‌باشد که از آن بعنوان « بومی‌گرایی » علمی نام برده می‌شود .

بالندگی ج.ا.ا. ، ریشه در برخورداری از تئوری‌های خاص و توجه و بهره‌گیری از تئوری‌های عام دارد . فقدان نظریات و تئوری‌های خاص ، مبین کاستی‌ها و عقب‌ماندگی‌های علمی در عرصه داخلی می‌باشد . کاستی مزبور منجر به این امر می‌شود که نخبگان سیاسی نتوانند نسبت به پاسخگویی خواسته‌های آحاد جامعه « فعالانه » اقدام نمایند . فقدان پاسخگویی نخبگان سیاسی ، موجب پیدایش شکاف‌های متنوع بین امکانات ، خواسته‌ها، پاسخگویی و توانایی‌های می‌شود . شکاف‌های مربوطه بطور تدریجی عمیق‌تر شده و بصورت ساختاری نهادینه گردیده که در نهایت «انفعال» نخبگان را در برخواهد داشت .

در این مقاله ابتدا اشاره‌ای به سیر تحولات عینی و ذهنی در خصوص چند محور اساسی در دو بخش علوم اقتصادی و سیاسی - استراتژیک داشته و سپس آثار به کارگیری یکجانبه تئوری‌های کلان را در برنامه‌های توسعه ملی ج.ا.ا. که بدون در نظر داشتن سایر لوازم ، پیش‌نیازها و همچنین شرایط « خاص » فرهنگی و اجتماعی و همچنین نظریات و تئوری‌های « بومی » بوده ، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد . سپس در ارزیابی نهایی راهکار خروج از تلاشهای انفعالی و انطباق فعالانه با شرایط محیطی را مورد بررسی و تبیین قرار می‌دهیم و نسبت به ضرورت‌های تولید علم و بومی‌گرایی در بخش علوم انسانی ج.ا.ا. که در عرصه سیاسی و اقتصادی ، سیاسی و استراتژیک تبلور عینی دارد ، خواهیم پرداخت .

واژگان کلیدی : علوم انسانی، تولید علم ، بومی‌سازی ، جمهوری اسلامی ، برنامه توسعه

مشکلۀ «علم و دین» از کجا ناشی می‌شود؟

غلامحسین مقدم حیدری

چکیده :

از زمان ظهور علم جدید، مسئله «علم و دین» همواره مورد بحث و نقادی قرار گرفته است. این مقاله سعی می‌کند به اجمال به ریشه‌یابی علل طرح این مسئله بپردازد. مقاله با اشاره به علم‌شناسی‌های غیر پوزیتیویستی نشان می‌دهد که عدم آگاهی ما بر چیستی علم و مراحل تحول و تکون آن، سبب شده که در مرتبۀ اعتبار آن دچار اشتباه شویم و به علم جدید که اساساً در حد خدایی نیست، اعتباری خدایی قائل شویم. بدین‌گونه مسئله‌ای با عنوان «مشکلۀ علم و دین» برای خود بوجود آورده‌ایم و سعی می‌کنیم تا آن را حل کنیم. حال آنکه اگر با کمی دقت و ژرفاندیشی به آن بنگریم خواهیم دید که علت طرح این مسئله، تصور خام و ناکادیده‌ی ما از علم است.

کلید واژه: علوم انسانی، پارادایم، قیاس‌ناپذیری، علم و دین

الگوی برنامه ریزی درسی بومی بر مبنای فلسفه آموزش و پرورش اسلامی

دکتر حسن ملکی عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه علامه

چکیده :

برنامه درسی یک مقوله آمیخته به فرهنگ است و با ضرورت‌ها و اقتضائات فکری، اعتقادی و ارزشی رابطه قوی دارد. به همین دلیل در آن از مبنای فلسفی، و اجتماعی نیز در کنار مبانی روانشناختی برنامه‌ریزی درسی بحث می‌شود و بر اساس آن برنامه درسی جهت‌گیری مشخص پیدا می‌کند. بنابراین باید با توجه به شرایط و ویژگیهای بومی برنامه درسی مناسب را جستجو کرد و برای طراحی آن اقدام نمود. ضرورت و اهمیت این اقدام زمانی آشکار می‌شود که به تنوع دیدگاههای برنامه درسی و علل این تنوع به درستی بیندیشیم و تفاوتهای آنها را مورد بررسی عمیق قرار بدهیم. به عنوان مثال با بررسی پراگماتیسم به عنوان یک فلسفه تعلیم و تربیت متوجه می‌شویم که برنامه آموزشی و درسی خاص از این فلسفه استنباط می‌شود. چرا در برنامه درسی مبتنی بر فلسفه مزبور برنامه درسی صرفاً یک فرایند محسوب می‌شود و انضباط سنتی کاملاً نادیده گرفته می‌شود؟ چرا پراگماتیسمها گرایش رویکردهای سنتی به برنامه‌های آموزشی را که در آنها دانش از تجربه مجزا شده تجزیه یا تقسیم می‌گردد، رد کرده‌اند؟ چرا در برنامه درسی تجربه کودک محور قرار می‌گیرد و همه چیز بر پایه آن باید طراحی شود؟ تمام این سؤالات به وسیله تامل در مبانی فکری پراگماتیسم پاسخ داده می‌شود.

سؤال اساسی آن است که اگر بر مبنای فلسفه آموزشی و پرورشی اسلامی توصیف دیگری از یادگیرنده به عمل آمد و انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی ویژه تفکر اسلامی ارایه گردید، ابعاد و ویژگیهای برنامه درسی تغییر پیدا نمی‌کند؟ بدون تردید پاسخ مثبت است. اصولاً نمی‌شود که ریشه در یک چیز تغییر نکند ولی روبناها تغییر پیدا نکنند. در هر یک از جنبه‌های مبانی فلسفی دلالت‌های خاصی به دست می‌آید که به برنامه‌ریزی درسی جهت می‌دهد. به عنوان مثال در فلسفه آموزش و پرورش اسلامی «انسان» نوع خاص تعریف می‌شود. وقتی که پذیرفتیم از نظر اسلامی کودک یک موجود مکرم است و یک ارزش ذاتی دارد و همچنین پذیرفتیم که استعدادهای عالی فطری به طور هماهنگ در وجود او قرار داده شده است و در جهت خلافت الهی باید فعالیت پیدا کنند، موظف هستیم برنامه درسی را به عنوان وسیله‌ای برای تربیت و یادگیری در جهت رشد همه جانبه فرد مورد بازبینی قرار دهیم و چارچوب مفهومی خاص برای آن تعریف کنیم. علاوه بر ماهیت انسان، ماهیت ارزش، ماهیت معرفت و ماهیت زندگی نیز در

فلسفه آموزش و پرورش اسلامی به طور خاص تبیین می‌شوند و بر تعریف و توضیح برنامه درسی و برنامه‌ریزی درسی اثر می‌گذارند. بنابراین در برنامه‌ریزی درسی بر مبنای آموزش و پرورش اسلامی و ارایه الگویی در این خصوص یکی از کارهای ضروری در شرایط کنونی کشور است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی بومی، فلسفه آموزش و پرورش، الگوی برنامه درسی

آموزش و پژوهش «اقتصاد» در ایران: مسایل، چالش‌ها و چشم‌اندازها

دکتر ابوالقاسم نادری

عضو هیات علمی دانشگاه تهران

چکیده :

علم اقتصاد که به مطالعه رفتار تخصیص منابع می‌پردازد، در جوامع پیشرفته، برخلاف وضعیت ایران، به شدت توسعه پیدا کرده و نقش قابل توجهی در توسعه علمی و توسعه همه جانبه آن جوامع ایفا کرده است. در این مقاله، وضعیت فعلی آموزش و پژوهش اقتصاد در ایران در حوزه‌های مختلف (با تأکید بر نظام‌های آموزشی و پژوهشی) مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. یافته‌های این قسمت موید آن است که گسترش «آموزش» و «پژوهش» اقتصاد و همچنین نقش آفرینی این شاخه از علوم بشری در توسعه همه جانبه کشور با مسایل و چالش‌های اساسی مواجه بوده است. از همین رو، و به عنوان یکی از اهداف اساسی مقاله حاضر، مسایل و چالش‌های مزبور تبیین و بسترهای بالقوه (از ناحیه علم اقتصاد) برای توسعه علمی و توسعه همه جانبه کشور تشریح می‌شوند. در پایان، و برای اثربخشی بایسته علم اقتصاد در توسعه کشور، پیشنهادهایی که مسایل را برطرف نموده و چالش‌ها را به فرصت تبدیل نماید، ارائه خواهد شد.

کلید واژگان: علوم انسانی، علم اقتصاد، توسعه علمی، توسعه همه جانبه، آموزش اقتصاد، پژوهش

اقتصاد

ارتباط اندیشیدن و تکامل

مهدی هادی

چکیده :

ویکتور هوگو می‌گوید: «موفقیت با کسانی است که به پیشواز حوادث می‌روند.» در این طرح سعی بر این است که نقش تفکر و اندیشیدن را در پیشرفت علوم پایه مورد بررسی قرار دهیم. اندیشه و اندیشیدن و تفکر از خصوصیات خاص انسانی است و انسان موضوع علوم انسانی است. مبنا و سرچشمه هر اندیشه‌ای جهل و نادانی آدمی است و یافتن پاسخ برای مجهولات و چراهایی که فکر انسان را مشغول داشته است فلسفه را به وجود می‌آورد.

من در این طرح بنا دارم که ابتدا به صورت بسیار کوتاه به یکی دو بحث فلسفی اشاراتی کرده و به این مهم اشاره‌ای بکنم که هر آنچه که امروزه در علوم (علوم فیزیکی و تجربی) مطرح است زمانی به صورت یک تفکر فلسفی در ذهن فیلسوفان بوده است، در واقع به ارتباط علم و فلسفه بپردازیم. برای مثال بحث زمان که امروزه در فیزیک مطرح است زمانی به صورت یک تفکر فلسفی مطرح بوده است. لذا از آنجایی که اصول و مفاهیم فلسفی زمینه‌اندیشیدن را فراهم می‌آورند و به جهت نزدیکی ذهن با مفاهیم فلسفی، بعد از این مقدمه کوتاه لازم است مواردی از این مفاهیم ذکر گردد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، اندیشیدن، تکامل، علوم فیزیکی و تجربی، علم و فلسفه

محور ششم:

آسیب شناسی علوم انسانی و رشته های آن در کشور

موضوعات:

- سیاستگذاری و برنامه ریزی نظام آموزش عالی
- ساختار، سازمان، و مقررات آموزش عالی، دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی
- سر فصلهای دروس ، متون و منابع درسی
- رابطه نظام آموزشی متوسطه و پیش دانشگاهی با نظام آموزش عالی

نگاهی به وضعیت آموزش تعلیمات دینی دانش‌آموزان

کلیمی در ایران

آرش آبائی

چکیده :

۱- آموزش تعلیمات دینی در نظام آموزش و پرورش ایران پس از انقلاب اسلامی ارزش ویژه‌ای یافت. از آنجا که کل نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران بر اساس فضایی دینی (اسلامی) شکل گرفت، طبیعی بود که ارزشهای این نظام دینی، علاوه بر رسانه‌ها و نهادهای کشوری، از طریق آموزشهای رسمی نیز به بدنه دانش‌آموزی انتقال یابد. این برنامه به جهت وجود ریشه‌های اعتقادات اسلامی (شیعه) در اکثریت مردم مسلمان ایران، موجد نوعی هماهنگی میان فضای بیرونی و درونی خانواده‌های ایرانی شد.

۲- بخش‌هایی کوچک از جامعه بزرگ ایرانی که پیرو دیگر ادیان آسمانی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی بودند، به جهت تعلق به همین کشور، لازم بود که تحت تأثیر فضای دینی مذکور قرار گیرند. اما در این میان، چند وجه تفاوت میان آنها و جامعه اکثریت مسلمان کشور وجود داشت:

اول، تفاوت (و در معدود مواردی تناقض) میان باورهای دینی ایشان و فضای دینی حاکم بر جامعه بود. این امر از یکسو موجب می‌شد که هماهنگی موجود در خانواده‌های مسلمان با فضای اسلامی کشور و رسانه‌ها برای جوامع اقلیتهای دینی وجود نداشته باشد یا به میزان کمتر و شکلی دیگر پدیدار گردد. از سوی دیگر، این تفاوت‌ها جوامع اقلیتهای دینی را از بخش مهمی از فضای تبلیغاتی رسانه‌ها و نهادهای کشوری - که دانش‌آموز مسلمان از آنها بهره‌مند بود - محروم می‌نمود.

دوم، عدم برخورداری مدیران و کارشناسان آموزشی این جوامع از امکانات وسیع نرم‌افزاری علمی و تحقیقاتی و نیز سخت‌افزاری آموزش تعلیمات دینی خاص خود بود.

۳- به تبعیت از برنامه‌ریزی‌های وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، اقلیتهای دینی نیز مکلف به تدوین برنامه‌ها و کتب تعلیمات دینی خاص خود شدند. این جوامع خارج از برنامه‌های رسمی کشور (قبل و بعد از انقلاب) به آموزش‌های سنتی تعالیم دینی خود می‌پرداختند، اما سیاست‌های یکپارچه و سراسری نظام آموزشی، ایجاب می‌کرد که دانش‌آموزان غیرمسلمان نیز با همان چهارچوب کلی به فراگیری تعلیمات دینی خود بپردازند. از این رو، این وزارتخانه به نشر کتاب مشترک تعلیمات دینی برای ادیان الهی (در تمام مقاطع) اهتمام ورزید که در آن اصول کلی و

مشترک دینی میان ادیان الهی طرح شدند و نیز به اقلیتها اجازه داده شد (و یا تکلیف شد) که کتاب دومی را به عنوان آموزش تعالیم دینی خاص خود به موازات آن تدوین و تدریس نمایند.

۴- کتب مذکور به لحاظ آموزشی دچار مشکلات عدیده‌ای هستند. کتب مشترک در برخی موارد هم از نظر صحت و دقت مطالب مطرح شده دچار نارسایی هستند و نیز گاه با آموزه‌های دینی تمام یا برخی ادیان تناقض یا تنافر دارند. علاوه بر آن که بر خلاف کتب تعلیمات اسلامی دانش‌آموزان مسلمان - که هر چند سال یکبار مورد بازنگری و اصلاح و تطبیق با نیازهای روز قرار می‌گیرند - بیش از ۲۰ سال است که به همان شکل اولیه و بدون تغییر تدریس می‌گردند.

کتب تعلیمات دینی خاص اقلیتها (که در اینجا بیشتر اقلیت کلیمی موردنظر است) علاوه بر برخورداری از مشکلات یاد شده، دچار معضلی اساسی هستند و آن، عدم حضور کارشناسان حرفه‌ای آموزشی در تدوین کتب مذکور است. به عبارت دیگر، چنانچه فرض بر صحت و ضرورت تمام مطالب موجود در این کتب باشد، «آموزشی بودن» مطالب که شامل کلیه نکات فنی یک کتاب درسی است، در این مجموعه به چشم نمی‌خورد و یا بسیار ابتدایی است. ضمن آن که باید به عدم هماهنگی این مجموعه با کتب مشترک ارائه شده توسط آموزش و پرورش و حتی با کتب ماقبل و مابعد همان مجموعه (به خصوص در سه مقطع آموزشی) اشاره نمود.

۵- هدف از آموزش علوم انسانی - بخصوص تعلیمات دینی - به دانش‌آموز، آماده و هماهنگ ساختن وی برای ورود به جامعه آینده است و انتظار می‌رود که وی پس از پایان تحصیلات پیش‌دانشگاهی، فردی به‌هنگار در زمینه اعتقادات و باورهای دینی باشد. دانش‌آموز غیرمسلمان نیز علیرغم تفاوت باورهای دینی خود، به همین جامعه مسلمان وارد خواهد شد و لذا تعلیم و تربیت او نه تنها معیارهای هم سطح با جامعه اکثریت، که بالاتر از سطوح عادی آموزشی برای دانش‌آموزان مسلمان را می‌طلبد که علت آن، حاصل تفاوت‌های پیش‌گفته است. این انتقال آموزه‌ها نیز منطقی‌تر است. جوامع قابلیت انتقال صحیح را خواهند داشت. روشن است که کوچکتر بودن اعضای یک جامعه از نظر عدد جمعیتی، توجیه‌کننده نازل‌تر بودن کیفیت مواد آموزشی آن نخواهد بود.

۶- آنچه که منظور نهایی این مقاله است، لزوم توجه به این بخش مغفول جامعه ایرانی است که عدم توجه و تلاش متولیان علوم انسانی کشور برای رفع معضلات و بهبود کیفی آن، حاصلی جز دور ماندن گروهی از اعضای جامعه بزرگ ایرانی از هنجارهای دینی و اجتماعی جامعه آینده کشور نخواهد بود.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، تعلیمات دینی، آموزش، انقلاب اسلامی، اقلیت‌ها، دانش‌آموزان کلیمی

روند دین‌طلبی در ایران زمین از زرتشت پیامبر تا محمد نبی(ص)

شیدا اعتضادی

کارشناس ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رشته فرهنگ و زبانهای باستانی

چکیده:

در این مقاله سعی شده است که در مورد چگونگی نفوذ دین محمد نبی(ص) با توجه به خصوصیات پیامبری وی در سرزمین ایران که دارای تمدنی بس عظیم و دیرینه بوده است بحث گردد. آنچه مسلم است اینست که ایران در آن زمان از قدرت و اقتدار و عظمت خاصی در جهان برخوردار بوده است و شکست سخت ایرانیان از سپاه اسلام تنها به دلیل فساد دربار شاهنشاهی و انحطاط قدرت ایرانیان و نیز وجود انگیزه قوی در اعراب مسلمان نبوده است بلکه یکی از مهمترین عوامل وجود پیشگویی‌هایی از محمد(ص) در بین ایرانیان بوده و نیز احساس قرابت و نزدیکی دو دین زرتشت پیامبر و محمد(ص) باعث گشت که ایرانیان دین اسلام را راحت بفهمند و آن را دین بیگانگان ندانند و ریشه‌های عمیق آن دین را در دین نیاکان خود که آنان نیز یکتاپرست بوده‌اند جستجو کنند و پس از پذیرش دین محمد(ص) به جهت آنکه آن دین جدید را ناآشنا نیافتند و محمد(ص) را از خود دانستند و نیز آنکه دارای تمدن و فرهنگ بسیار قوی و غنی بوده‌اند توانستند در جهت اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی بزرگترین گامها را بردارند.

در این مقاله مختصر سعی شده است آگاهی‌های جدید و مستدلی درباره چگونگی و دلایل پذیرش دین محمد نبی(ص) در ایران که نقطه عطفی در تاریخ اسلام و شکل‌گیری تمدن اسلامی است ارائه گردد و در این مورد که گسترش اسلام محمد(ص)، و موفقیت نهادهای اسلامی و زوال تدریجی دین زرتشتی از دریچه سیاست ادبیات، دین و اجتماع مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: علوم انسانی، محمد نبی(ص)، زرتشت پیامبر، ایران زمین، تاریخ دین.

آسیب‌شناسی رشته‌های مدیریت در ایران

دکتر سیدمهدی الوانی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده :

رشته مدیریت در سال ۱۳۳۰ با شکل‌گیری مؤسسه علوم اداری در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به جرگه رشته‌های دانشگاهی پیوست و پس از مدتی در سال ۱۳۴۳ با مستقل شدن دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی که رشته‌های مدیریت بازرگانی و حسابداری را نیز شامل می‌شد در عرصه دانشگاهی ایران ظاهر گردید. به تدریج رشته‌های دیگر مدیریت مانند مدیریت صنعتی، مدیریت بیمه، مدیریت جهانگردی، مدیریت فناوری و اطلاعات، مدیریت امور فرهنگی، مدیریت رسانه، مدیریت اجرایی، مدیریت شهری ... به رشته‌های مدیریت افزوده شدند، بطوریکه امروزه تقریباً در هر زمینه فعالیت سازمانی رشته مدیریت مرتبط به آن ایجاد گردیده است و در دانشکده‌های مختلف رشته مدیریت برنامه‌ریزی گردیده است. مانند مدیریت آموزشی در دانشکده‌های علوم تربیتی، مدیریت سیستم و بهره‌وری در دانشکده‌های فنی، و مدیریت بهداشت در دانشکده‌های علوم پزشکی. برنامه‌های دوره مدیریت با الهام از برنامه‌های کشورهای پیشرفته و شرایط کشور بوسیله استادان مجرب رشته‌های مدیریت تنظیم گردیده و شاید به جرات بتوان ادعا نمود که از جهت برنامه مشکلی در رشته وجود ندارد اما در اجرا مشکلات و تنگناهایی وجود دارد که در این مقاله به برخی از آنها اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، رشته‌های مدیریت، آسیب‌شناسی،

مشکلات و موانع رشته‌های علوم انسانی در ایران و

ارائه راهکارهای عملی جهت بهبود

دکتر علی‌اکبر امین بیدختی

مریم دارایی

چکیده :

مجموعه حاضر، حاصل بخشی از تلاشهایی است که در مورد بررسی و بازنگری وضعیت علوم انسانی در کشور صورت گرفته است. هدف اصلی این مقاله ضرورت این موضوع و پی‌بردن به موانع و مشکلاتی که رشته‌های علوم انسانی با آن مواجه هستند می‌باشد.

نتایج حاصل، حاکی از آن است که وضعیت علوم انسانی در مورد بررسی و بازنگری وضعیت علوم انسانی در کشور صورت گرفته است. هدف اصلی این مقاله ضرورت این موضوع و پی‌بردن به موانع و مشکلاتی که رشته‌های علوم انسانی با آن مواجه هستند می‌باشد.

نتایج حاصل، حاکی از آن است که وضعیت علوم انسانی در کشور نیاز به توجه بیشتری از سوی مسئولین دارد. مشکلاتی که در این مقاله به آن ذکر شده عبارت است از:

- ۱- ضعف علوم انسانی ما نسبت به غرب و عدم تلاش برای بومی‌سازی این علم
 - ۲- نبود خلاقیت و ابتکار و ناکارآمدی امتیازدهی به فعالیت‌های علمی در این حوزه
 - ۳- غلبه تفکر مهندسی در حوزه علوم انسانی و فقر نظریه صاحب نظران در علوم انسانی
 - ۴- تخصصی شدن آموزش دوره متوسط و تحقیر شدن علوم انسانی از طرف آموزش و پرورش، خانواده‌ها و رسانه و عدم رغبت دانش‌آموزان نسبت به این رشته
 - ۵- پایین بودن کیفیت مقالات و کمبود منابع در این حوزه
 - ۶- عدم ارتباط علمی با جهان خارج
 - ۷- وضعیت نامطلوب تولید علم به خصوص در رشته علوم انسانی در کشور ما
 - ۸- نادرست بودن روشهای تدریس و کتب تدوین شده
 - ۹- بی‌توجهی به اهمیت علوم انسانی
- در پایان پیشنهادات کاربردی ارائه شده‌اند.

کلید واژه‌ها: مشکلات علوم انسانی - بومی سازی تولید علم - تخصصی شدن علوم انسانی

راه دشوار علوم انسانی

بررسی جریان ها و گفتمان های تحول خواه در عرصه علوم انسانی

سید هدایت جلیلی

هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده :

علوم انسانی در ایران پس از انقلاب اسلامی، از رخداد انقلاب اسلامی تا ایده اسلامی شدن دانشگاهها، همواره در قلب و کانون تردیدها، تنش ها و پرسش ها قرار داشته است و هر گونه تحول خواهی و اصلاح جویی، طی یک ربع قرن گذشته در عرصه آموزش عالی، با عناوینی چون : اصلاح دانشگاه ها، اسلامی شدن دانشگاه ها، اسلامی شدن علوم، بومی کردن علم و تعابیری از این دست، بیش و پیش از هر چیز، معطوف به دگرگونی در مضمون و محتوای علوم انسانی بوده است. جریانها و گفتمانهای تحول خواه در عرصه علوم انسانی، در اینکه علوم انسانی موجود را مطلوب نمی دانستند ، همدل بودند اما در این که ،مشکله علوم انسانی موجود چیست و علوم انسانی مطلوب کدام است و در این عرصه چه تحولی ممکن و مطلوب است، با هم همنوا نبو دند. آنچه در این نوشتار می آید گزارش و دسته بندی نگرانی ها ، تردید ها ، دغدغه ها، نقدها و نیز چاره جویی ها ی های صاحب نظران و اندیشمندان کشور ما، در مقطع زمانی ۱۳۵۹-۱۳۷۵ در باب علوم انسانی است. بدون تردید ، در ده سال اخیر نیز جریان تحول خواهی در عرصه دانشگاهها بویژه در باب علوم انسانی تداوم داشته و این عزم، در دل خود ادبیات ایده و آرای متفاوتی را پدید آورده است. اما مقاله ی حاضر از دو جهت اهمیت دارد: یکی، از حیث تاریخی که پیشینه و آغاز و ریشه ی این تحول خواهی را گزارش می کند و دیگر اینکه، نشان می دهد که آن تردیدها و دغدغه های آغازین _درست یا نادرست_ هنوز و هم چنان زنده و اثرگذار است و به تعبیر دیگر ، مساله های دیروز ، کمابیش مساله های امروز ما نیز هست و هر چند ، نگاه ها به مقوله ی علم ، دانشگاه و فرهنگ ، پخته تر ، آکادمیک تر و جهانی تر از پیش شده است و تردید ها و دغدغه ها و راهکار ها تا حدودی ، بعد و بستری فرا محلی و جهانی یافته است ، اما ریشه ی نگرانی ها ، انگیزه ی تحول خواهی ها و نقطه ی عزیمت دگرگونی ها ، تغییری نکرده است.

کلید واژه ها : علوم انسانی، جریان ها ، گفتمانها، تحول خواه

نقدی بر روانشناسی معاصر

دکتر بهرام جوکار

استادیار بخش روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

چکیده :

روانشناسی از جمله حوزه‌های اصلی علوم انسانی است که موضوع آن تحلیل رفتار و فرایندهای درونی آدمی است این رشته در گذشته جزء حوزه فلسفه بود ولی از قرن نوزدهم به عنوان شاخه علمی مستقل ظهور نمود و نحله‌های روانشناسی هر یک با مبانی فلسفی و جامعه‌شناختی و با مفروضه و اصول خاص خود سعی در تبیین ابعاد وجودی انسان داشته‌اند. اما آنچه که امروزه در مراکز آموزشی، تحقیقاتی و درمانی تحت عنوان روانشناسی مورد توجه است محصول تلاشهای ارزشمند اندیشمندان غربی است و تقریباً در هیچ یک از کتب علمی روانشناسی نمی‌توان نظریه پرداز یا پیشروانی مسلمان یا ایرانی یافت نمود و از این حیث بررسی تحلیلی میزان کار آمدی این رویکرد در جوامع اسلامی ضرورت دارد. نوشتار حاضر با نگاهی انتقادی سعی بر آن دارد تا برخی از کاستی‌های بنیادی روانشناسی را از منظر ارتباط آن با حوزه دین، فلسفه و جامعه‌شناسی بیان دارد. نظریه‌های مطرح روانشناسی به لحاظ مبانی فلسفی غالباً نگرش اثبات گرایانه دارند و سعی دارند تا با تکیه بر اصول فیزیک و زیست‌شناسی ابعاد وجودی انسان را توجیه نمایند. به لحاظ مبانی دینی این رویکردها عمدتاً دیدگاهی سکولار و به لحاظ جامعه‌شناختی بیشتر خاص طبقه متوسط جامعه غربی است. در پایان سعی شده است تا با نگاهی به رویکردهای جدید روانشناسی که بر نقش اخلاق، دین و فلسفه در «تحلیل ویژگیهای انسان» تأکید دارند، ضرورت بازنگری در حوزه روانشناسی تبیین گردد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، روانشناسی، روانشناسی معاصر، نحله‌های روانشناسی

بررسی وضعیت ارتباط دو نظام آموزش عمومی و آموزش عالی (بررسی نظامهای آموزشی کشورهای مختلف جهان)

محمدجواد چیت‌ساز کمی عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم انسانی،
فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

چکیده :

اگر رویکرد سیستمی را در نظام آموزشی کشور مدنظر قرار دهیم (بر طبق این رویکرد ضمن اینکه ارکان و عناصر نظام آموزشی - از پایه تا عالی - با یکدیگر تعامل و کنش ساختاری و فرایندی دارند، به شکل مستمر با محیط پیرامون خود، ارتباط و فراکنش داده و ستادهای برقرار می‌کنند). نظام آموزشی ما با برخی از فرایندها و روندهای تعلیم و تربیت هماوا به نظر نمی‌رسد. فقدان ارتباط نظام‌مند و معنادار ساختاری و فرایندی بین بخش‌ها و مقاطع مختلف آموزشی یکی از مواردی است که نشان‌دهنده فقدان رویکرد سیستمی به آموزش در ایران می‌باشد. به این لحاظ می‌توان یکی از چالش‌های نظام آموزشی کشورمان را فقدان ارتباط مطلوب بین دو نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی دانست.

برنامه‌ریزی آموزش عالی و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش تابعی از برنامه‌ریزی جامع آموزشی یک کشور محسوب می‌شود و برنامه‌ریزی آموزش عالی نباید از برنامه‌ریزی برای صور مختلف آموزش تفکیک شود. در کشور ما تا سال ۱۳۴۶ وزارت آموزش و پرورش متصدی اصلی آموزش در کشور بوده است. در این سال بر اساس قانون، وزارت علوم و آموزش عالی از وزارت آموزش و پرورش جدا شده است. با جدایی آموزش و پرورش و آموزش عالی در طول این ۳۸ سال هر دو وزارتخانه دچار تغییرات بسیاری شدند. با گسترش آموزش عمومی و تقاضای روزافزون برای آموزش عالی در دو دهه اخیر آموزش عمومی و عالی در ایران از رشد چشمگیری برخوردار شد و هر یک از وزارتخانه‌ها در پی رفع و رجوع کردن مسایل خود برآمدند. اگرچه هر دو وزارتخانه مذکور در طول این سالها سعی نمودند که در راستای اهداف کل نظام آموزشی کشور قدم بردارند، اما مشکلات موجود در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، تربیت نیروی انسانی، آموزش ضمن خدمت و تحقیقات و پژوهش نشانگر عدم توجه واقعی به این نکته است که هر دو نظام آموزشی دچار مشکلاتی از ناحیه این ناهماهنگی هستند و لزوم هماهنگی و یکپارچگی کل نظام آموزشی را آشکار می‌سازد.

این مطالعه قصد دارد به بررسی نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف دنیا اقدام نماید.

هدف عمده از مرور این نظام‌ها، بررسی وضعیت نظام‌های آموزشی از جهت:

- ساختار آموزشی این کشورها
 - بررسی وضعیت مدیریت آموزشی حاکم بر آنها
 - بررسی نهاد، سازمان و وزارت خانه متولی آموزش در این کشورها است.
- در این مطالعه، نظام‌های آموزشی کشورهای اتریش، اسپانیا، استرالیا، آمریکا، اندونزی انگلستان، ایتالیا، برزیل، پاکستان، ترکیه، چین، روسیه، ژاپن، سوئیس، عربستان سعودی، فرانسه، کانادا، مالزی، هند و یونان مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، نظام آموزش و پرورش، نظام آموزش عالی، وضعیت نظام‌های آموزشی

آسیب‌شناسی رشته‌ی علوم سیاسی با تکیه بر اصلاح سرفصل‌ها، متون و منابع درسی

محسن خلیلی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی

چکیده :

پژوهش درباره‌ی پدیده‌های گوناگون سیاسی و باز فهمی پیوندهای میان پدیده‌های سیاسی و ویژگی بنیادین رشته‌ی دانشگاهی علوم سیاسی است. امروزه رشته‌ی علوم سیاسی در دانشگاه‌های کشور، به دلایلی چند، در وادی تکرار آن چه که آموخته و حفظ شده، افتاده است. دانشجو و استاد به جز تکرار یک سری آموختنی‌های پیشین کمتر به نوآوری می‌پردازند و به تدریج شکافی بزرگ میان عرصه‌ی عمل و عرصه‌ی نظر پدید می‌آورند. ضرورت بازنگری در سرفصل‌ها و منابع درسی رشته‌ی علوم سیاسی امروزه بیش از پیش به چشم می‌آید زیرا در نزد بسیاری از دانشجویان، امید و توانایی اشتغال به کار در مادر اجرایی زایل شده است. اعتلای علم سیاست و تربیت دانشجویان کارآمد با توانایی بالای علمی که قادر به تجزیه و تحلیل دقیق مسایل سیاسی و کسب مناصب اداری - اجرایی باشند از هدف‌های بنیادین آسیب‌شناسی علوم سیاسی و عنوان یک نظم دانشگاهی است. انطباق محتوا با اهداف درس‌ها و سرفصل‌ها، زدایش همپوشانی‌ها، نوسازی درس‌ها، کارایی بخشی به دروس و کسب تجربه‌های کارورزانه، دلایلی است که این آسیب‌شناسی را بایست می‌سازد. این آسیب‌شناسی بر یک کارمندانی استوار است و به پیشنهادهایی درباره‌ی اصلاح سرفصل‌ها، دروس و منابع درسی در جهت کارآمدسازی و روزآمد نمودن می‌انجامد.

کلید واژه‌ها: علوم سیاسی، سرفصل‌ها، متون درسی، کاربردسازی علوم سیاسی، آسیب‌شناسی علوم سیاسی

«آموزش زبان فارسی در چالش با تحولات جهانی»

دکتر سیدمحمد دامادی عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده :

ایران در طی تاریخ طولانی و سرشار از بدایع خود در عین الهام‌پذیری و بهره‌گیری از جنبه‌های مطلوب ادب و فرهنگ دیگر ملت‌ها همواره با خلق آثار بدیع، فرهنگ آفرین بوده و به سهم خود در مظاهر فکر و تجلیات اندیشه سایر کشورها تأثیرگذار و نافذ بوده است و همواره به رسالت جغرافیایی‌اش به عنوان مدار و محور چرخش فرهنگ‌ها آگاهی داشته و از شرق و غرب جهان عناصر مفید فرهنگی و سازگار با پشرفت و ترقی را پذیرفته و از این راه بر توانگری و غنای مدنیت و فرهنگ خود افزوده است چنان که برای مثال کاغذ را از مخترعان چینی و اعداد را از یابندگان دانشور هندی گرفته و به مردم مغرب زمین انتقال داده است و از سویی واسطه انتقال فرهنگ میان چین و هند، و یونان و بیزانس (= روم) و اقوام مسیحی از سوی دیگر بوده است. شاعران و نویسندگان و پژوهشگران ایرانی نیز نسبت به آفرینش ارزش‌های فرهنگی همچون فلسفه، علوم طبیعی، پزشکی، ادبیات و هنر، تعلیم و تربیت و دیگر مظاهر اندیشه و نبوغ نوع انسانی از خود ابتکار و توانایی و هنرمندی نشان داده‌اند.

کسانی که آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان را بر عهده گرفته، رهسپار دیگر کشورها به منظور آموزش زبان و نشر ادب فارسی و گسترش فرهنگ ایرانی می‌شوند تنها به انجام این خدمت شایسته حرفه‌یی و وظیفه خطیر نباید قناعت ورزند بلکه به عنوان کارشناسان آگاه بر اهمیت وقوف بر مسایل علمی و ادبی و فرهنگی ضروری است که با علاقه و دلبستگی از راز و رمز ترقی و پیشرفت مردم دیگر کشورها اطلاع حاصل کنند و در بازگشت، ره‌آوردهای تجربی و اصول و مبانی حاکم بر زندگی آنها و دستاوردهای مطلوب و راهگشای فرهنگی خود در اختیار کارگردانان و علاقه‌مندان و از همه مهم‌تر کسانی که پس از آنها به ادامه انجام این قبیل وظایف می‌پردازند، قرار دهند افزون بر آن، با یادگیری زبان و آشنایی با فرهنگ مردم آن کشورها به ترجمه آثار مهم ادبی و فرهنگی در عرصه‌های گوناگون دانش و هنر و معرفت اهتمام ورزند و به سهم خود چشم‌اندازی روشن‌تر در زمینه بسط و گسترش روابط فرهنگی فراهم سازند زیرا در نتیجه تلاش‌ها و کوشش‌های مستمر و ارزنده دانشوران و فرزندان هر کشور است که سرانجام تفاهم متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز و آمیخته به نثار مهر در عالم انسانی را پدید می‌آورد و این خود کاری بزرگ و مسؤولیتی ارجمند است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آموزش زبان فارسی، تحولات جهانی، چالش‌ها،

بررسی برنامه آموزشی دوره کارشناسی تاریخ، باید و نبایدها

دکتر محمد حسن رازنهان

عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تربیت معلم

چکیده :

به نظر می‌رسد بعد از یک دهه اجراء برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی تاریخ مصوب سال ۱۳۷۵ ش می‌توان به بازبینی و بررسی این برنامه پرداخت. هر چند این برنامه در مقایسه با برنامه پیشین از امتیازات فراوانی برخوردار است اما به دلایل متعدد بررسی و طرح پیشنهادات جدید از سوی مجریان و دست‌اندرکاران ضروری می‌نماید.

گستره حوزه مورد مطالعه در این برنامه، عدم پاسخگویی به نیازهای مختلف مراکز پژوهشی و آموزشی از قبیل سازمان اسناد، پژوهشکده‌ها و مجلات، ضرورت آشنایی و آموزش موضوعات میان رشته‌ای، آشنایی با تاریخ اقوام و کشورهای همجوار، پیوند و ارتباط آموزش تاریخ در دانشگاه‌ها و مقاطع آموزش عمومی و سرانجام عدم تحقق تدریس کامل سرفصل‌ها و عناوین درسی، عواملی هستند که در جهت تبیین این ضرورت می‌توان برشمرد.

این نوشته بر آن است که ضمن بحث و بررسی درباره عوامل فوق به ارائه پیشنهادها و بایدهای آموزشی پرداخته و با طرح برخی از نظریات در مورد ترکیب، میزان و عناوین و همچنین سرفصل‌ها از نبایدها سخن گوید.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، تاریخ، دوره های کارشناسی، سرفصل دروس

جایگاه نقد ادبی در دانشگاهها

دکتر غلامرضا رحمدل

عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان

چکیده :

در این مقاله پس از ذکر تفاوت ماهوی و کارکردی بین تفسیر متن و نقد و تحلیل متن نتیجه گرفته شده که تفسیر، یا به منزله حرکتی نه چندان پویا در درون متن است و مفسر می‌کوشد روابط دال و مدلولی گزاره‌های درون متن را روشن کند و یا با الگوی از پیش ثابت شده به سراغ متن می‌آید و متن را «طوعاً و کوهاً» هم‌رنگ آن الگو در می‌آورد. اما نقد به جای تفسیر به تحلیل اجزاء متن می‌پردازد؛ یا به شیوه ساختارگراها **structuraslists** اجزاء متن را در ارتباط با مرکز یک متن تحلیل کرده و زمینه‌های محتوایی یا فرمالیستی آن را کشف می‌کند و یا به شیوه کارکرد گرایان **functionalists** متن را در محور عمودی، بصورت یک اندامواره تلقی کرده و نقش هر یک از اجزاء متن را به عنوان عضوی از این اندامواره، مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهد. در تحلیل متن، یا به شیوه ماخروود یکتای و هرش، نیت مؤلف را محور قرار می‌دهد، یا به شیوه گادامر، افق‌های تاریخی و فرا تاریخی (در زمانی و هم‌زمانی) متن را، یا به شیوه روالان بارت، با اعتقاد به تکثر تحلیل متن، ساختار اندیشه مخاطب و فرآیند خوانش متن را محور قرار می‌دهد و یا به شیوه پدیدار شناسان، متن را در فرایند انتقال از حیث التفاتی **intentional** به حیث استعلایی **transccndental** در روند تعامل **Enteraction** ابژه با سوپژه و در جریان اندیشه فاعل شناخت مورد تحلیل قرار می‌دهد و قس علیهذا. در همه این شیوه‌ها، در صورتی که منتقد فهم علمی از نقد داشته باشد و نقد را با عقده‌گشایی‌ها و ابراز احساسات ژورنالیستی در هم نیامیزد، متن می‌تواند به طور منطقی با عناصر خارج از متن پیوند داشته باشد و توسع معنایی بیابد و بجای مرداب شدگی و گردیدن در خود به چشم‌اندازهای خارج از متن راه پیدا کند. آنگاه تقویم درسی رشته ادبیات را مورد بررسی قرار دادیم و بیان کردیم که این تقویم به شیوه انعطاف‌ناپذیر پیشینیان، پیش از آنکه به تحلیل متن و تحلیل موضوعات درسی نظر داشته باشد، همت خود را مصروف معنی و تفسیر متن کرده است. در تاریخ ادبیات نیز بجای آنکه وقایع تاریخی و تولیدات ادبی عصر را به شیوه منتقدین در زنجیره روابط علی و معلولی قرار داده و بین وقایع تاریخی و تولیدات ادبی رابطه معنادار برقرار کند. به ذکر روایات تاریخی می‌پردازد و در نتیجه گسستگی بین تاریخ و ادبیات هر دوره رنگ پیوستگی بخود نمی‌گیرد.

کلید واژگان: علوم انسانی، ادبیات، نقد ادبی، تفسیر متن، تحلیل متن، تاریخ و ادبیات

آسیب‌شناسی علوم انسانی و راه‌های غلبه بر آن

دکتر جلال رحیمیان

دانشگاه شیراز

چکیده :

ارزیابی فراگیر علوم انسانی از ضرورت بازنگری اساسی و همه‌جانبه در این قلمرو از علم حکایت می‌کند. جایگاه فعلی حوزه علوم انسانی در ابعاد تحقیقاتی، علمی و کاربردی از مکان شایسته آن پائین‌تر است. به نظر می‌رسد که این حیطة علمی دست کم در دو دهه اخیر به دلایل گوناگون نتوانسته همگام با دیگر رشته‌های علمی راه پیشرفت و نوآوری را بییماید و از این رو مسئولیت متخصصان حوزه در پاسخگویی به مشکلات موجود در این قلمرو مضاعف گشته است.

این مقاله ابتدا در پی بیان علل مواجه شدن علوم انسانی با معضلات فوق، و سپس به دنبال ارائه سیاستها و راهکارهای غلبه بر آن است. به عنوان بخشی از مهمترین مسائل علوم انسانی می‌توان به کیفیت نامطلوب تحقیقات علوم انسانی در سطح ملی و بین‌المللی، کاربردی نبودن بسیاری از تحقیقات، رشد کمی بی‌رویه دانشجو، اشتغال بیش از حد صاحب‌نظران علوم انسانی به تدریس به جای تحقیق اشاره داشت. برخی از سیاستها و راهکارهای پیشنهادی عبارتند از نظام‌مند کردن تحقیقات، ایجاد هماهنگی میان مراکز تحقیقاتی و اجرائی به منظور محقق ساختن پژوهشهای کاربردی و گره‌گشا، استفاده بهینه از توان پژوهش متخصصان علوم انسانی، توسعه تخصصی و عالمانه مراکز پژوهشی و بسیاری دیگر از سیاستها و راهبردها که طی مقاله به طور مبسوط مورد بحث قرار خواهند گرفت.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آسیب‌شناسی، کاربردی شدن، سیاستها و راهکارها

موانع نواندیشی دینی

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد

چکیده :

در پاره‌ای از دانش‌های دینی، قرن‌هاست به شدت دچار رکود و رکون هستیم و جز تکرار هزار باره‌ی میراث پدران معنویمان هیچ از ما سر نمی‌زند. با توجه به خطورات امر اجتهاد و ضرورت تحول در علوم دین، بازشناسی و مواجهه با عوامل رکود این رشته از اهمیت فراوانی برخوردار می‌شود. کاربردی‌ترین تقسیم موانع، تفکیک آن به برونی و درونی، آفاقی و انفسی است؛ عوامل بازدارنده‌ای که معطوف به بیرون وجود محققان و اصحاب علوم دین است، آفاقی نامیده می‌شود و عواملی را که به نحو درونی ارباب علم دین را از تولید علمی بازداشته، انفسی می‌نامیم. مراد ما از موانع در این مقاله، هرگونه عامل سلبی و ایجابی است که سبب رکود و فتور نوآوری علمی گشته و از باب تسامح، به «عدم مقتضی» نیز مانع اطلاق می‌کنیم. اما انواع موانع و تعریف هر یک:

الف) موانع انفسی (شخصیتی)

۱- موانع مَنشی: صفات و خصائل اولی و ثانوی آدمی (مفسر دین) که در قبال نوفهمی و نظریه‌پردازی نقش بازدارنده ایفا می‌کند.

۲- موانع روانی: حالات و احساس‌هایی که مبتلایان به خود را از نوفهمی و نوپردازی باز می‌دارد.

۳- موانع تدبیری: عدم تدبیر یا تدبیر غلط درباره‌ی سرمایه‌های درونی و برونی از سوی مفسر (اتلاف استعدادها و استطاعت‌ها) که به صورت سلبی یا ایجابی، بر فعالیت مولد و مثمر علمی او در دین پژوهی تأثیر منفی بر جای می‌نهد؛ به تعبیر دیگر: اسباب رکود ناشی از فقد خودمدیریتی بر سرمایه‌های فردی.

ب) موانع انفسی (معرفتی)

۴- موانع بینشی و فلسفی: باور داشت‌های زیرساختی ناصواب در زمینه‌های وجودشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و حیات‌شناسی که بر دین‌شناسی و برداشت‌های آدمی از دین تأثیر منفی می‌گذارد.

۵- موانع معرفت شناختی: هرگونه نادرست‌اندیشی درباره‌ی ماهیت: منطق و منابع و ... معرفت‌شناسی (epistemology) که سبب شکوفایی و درست‌اندیشی در دین‌پژوهشی می‌گردد.

۶- موانع رویکرد - دین‌شناختی: پیش‌انگاره‌های غلط درباره‌ی خصائص (و فلسفه‌ی) دین که بر فهم آدمی از دین مؤثر می‌افتد.

۷- موانع روشگانی: گزینش و کاربست روش یا قواعد نادرست، یا ناشایست در فهم دین و تحلیل معرفت دینی.

ج) موانع آفاقی (برونی)

۸- موانع اخلاقی: فقدان فضائل یا وجود رذائلی که به صورت درونزا یا برونزا، از نوآوری دینی یا بسط و بازگفت آن جلوگیری می‌کند.

۹- موانع فرهنگی: عوامل سلبی یا ایجابی که به صورت عرف و عادات ملی یا صنفی و به شکل طبیعت ثانویِ مزمن در برابر پیدایش، ژرفایش یا گسترش معارف و علوم نو دینی به توسط فرد یا جمع ایجاد مقاومت می‌کند.

۱۰- موانع تاریخی: علل تاریخی رکود علمی در علوم و معارف دینی.

۱۱- موانع اجتماعی: رفتارهای ناموجه ناشی از شرایط عصری و مواضع گروه‌های اجتماعی سیاسی که به نحوی مانع بروز و ابراز یافته‌های جدید در حوزه دین پژوهی می‌گردد.

۱۲- موانع مدیریتی: کاستی‌ها و ناراستی‌های ناشی از عدم تدبیر و تدبیر غلط امور آموزشی و پژوهشی، از سوی متولیان کشور و شئون مدیریتی حوزه دین که بر بسط و بالندگی مطالعات دینی تأثیر منفی می‌گذارد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، نواندیشی دینی، موانع و مشکلات،

آسیب‌شناسی تحقیقات علوم انسانی و اقتصاد

سیدمهدی زریباف

مشاور و مدیر دفتر مطالعات اقتصاد اسلامی

چکیده :

- تفکیک یا عدم تفکیک اندیشه‌های اقتصادی به توصیفی، تبیینی و ... در مقابل اندیشه‌های ارزشی، هنجاری و ... از مباحث و موضوعات اساسی در روش‌شناسی و معرفت‌شناسی علم اقتصاد می‌باشد.
- خلط میان بینش دینی و دید علمی: در صورت پذیرش جهت‌دار بودن موضوعات علوم انسانی، هدفمند بودن و ارزشی بودن آن نیز مبرهن خواهد بود. ذهن تئوریسن اقتصادی در تحلیل مسائل عینی اقتصادی علاوه بر تماشگری، بازیگری نیز خواهد نمود. و هرگونه تلاش در جهت تفکیک، موجب آسیب خطرناک جزء نگری در تحلیل‌های علمی اقتصادی می‌گردد.
- مباحث اقتصادی از قبیل توسعه اقتصادی در نهایت متأثر از دو عنصر اصلی و تعیین‌کننده اختیار فردی و اقتضائات و شرایط محیطی می‌باشد و به دلیل عدم کنترل‌پذیری پدیده‌های اقتصادی کارآیی هرگونه روش تجربی در تحلیل مسائل اقتصادی مورد تردید خواهد بود.
- جای تأسف است که ما در عین برخورداری از فرهنگ فلسفی عمیق اسلامی در خصوص علم حصولی و علم حضوری و شناخت اکتشافی حقیقت، خود را و بینش دینی و دید علمی مالمال از معرفت و ارزش و نور را در قالب تنگ تفکر فلسفی مادی قرار داده و از آن دفاع نماییم.
- حاکمیت تفکرات پوزیتیویستی در مطالعات پدیده‌های اقتصادی و عدم توجه به ارزشها و هنجارهای دینی آفت بزرگ تفکرات است.
- اشکال روش‌شناسی پوپر: ابطال‌پذیری نمی‌تواند همواره معیار علمی بودن یک تئوری علمی انسانی باشد و ...
- تعریف علم «به روش علمی» آن هم به روش تجربی علم یکی از اشتباهات اساسی در تفکر علمی پوپر است.
- اصل شامل و حاکم بر تمامی پژوهش‌ها و تحقیقات علمی، رعایت و حفظ «آزادی تفکر» اندیشه و روش استدلال یک محقق بوده و قاعدتاً نمی‌توان شیوه بحث وی را با توجه به

- دیدگاههای معرفت شناسانه پوپر و دیگران محدود نمود. بلکه همواره قوت و ضعف پژوهشهای علمی، اثبات واقعیت و حقیقت و انکار باطل و تخیلی است.
- بدیهی است که هرگونه «تغییر و تصرف در عینیت» از موضع استقلال فکری مستلزم داشتن جهت، هدف، انگیزه و نیز اتخاذ روش مناسب است.
 - مسئله نوآوری و طرح الگوهای ابداعی جهت حل منطقی و پایدار معضلات اجتماعی، نه تنها ضرورت قطعی امروز جامعه اسلامی است، بلکه معنای دقیق و واقعی یک پژوهش است.
- بدین ترتیب پژوهشهایی که صرفاً با تکرار و الهام‌گیری از الگوهای دیگران و نسخه‌های از پیش آماده گردیده دارای ارزش علمی نبوده و نمی‌توان آنها را جزء مقالات راهبردی نام نهاد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آسیب شناسی تحقیقات، اقتصاد، اندیشه های اقتصادی

بررسی انتقادی سرفصلها و متون درسی تاریخ اجتماعی ایران در دوره معاصر

شهرزاد ساسان پور

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه الزهراء (س)

و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر

چکیده :

مقاله مورد نظر به بررسی متون تاریخی اجتماعی ایران در دوره معاصر بصورت انتقادی اختصاص یافته است. بدین منظور با استفاده از بررسی متون و تمرکز بر کتب تاریخ اجتماعی به خصوص متون تاریخی اجتماعی در ایران به مصاحبه حضوری با برخی از مدرسان تاریخ اجتماعی در ایران پرداخته می شود. درباره اهمیت موضوع مورد نظر ذکر این نکته ضروری است که تاریخ اجتماعی بسیار گسترده و دارای ابعاد گوناگون است و خمیرمایه کار مورخان و پژوهشگران اجتماعی است که طی آن زندگی غیرسیاسی مردم بررسی می گردد.

تاریخ اجتماعی یک برش طولی به تاریخ است که طی آن ساختارهای اجتماعی، پیوندها و گسستهایی که در آن رخ داده است و نیز امکان انتقال ساختارهای مورد نظر به آینده را مورد توجه قرار می دهد، همچنین نحوه رشد جوامع و تحولات آنها از عمده ترین محورهای مورد نظر تاریخ اجتماعی است و از این جهت است که نه تنها مورخان یونان باستان مانند پلوتارک، توسیدید، بلکه مورخان مسلمان و ایرانی مانند بیهقی، طبری، مسعودی و ... به بخشهایی از آن توجه کرده اند. علوم اجتماعی از دهه ۱۹۵۰ م بصورت رشته ای مستقل ایجاد شد.

درباره ضرورت موضوع بایستی ذکر کرد که با توجه به اهمیت تاریخ اجتماعی و نیز با گذشت چندین سال از اقدامات شورای انقلاب فرهنگی و با توجه به تحقیقات درباره نظریات، روشها و ... محورهای علوم اجتماعی بازبینی سرفصلها و نیز متون درسی تاریخ اجتماعی در دانشگاهها ضروری به نظر می رسد.

هدف از تهیه این مقاله عبارتست از: بررسی تطبیقی سرفصلهای دانشگاهی و متون تاریخ اجتماعی با نظریات، روشها و محورهای تاریخ اجتماعی و نیز یافتن نقاط مثبت، کاستیها، انحرافات، و ارائه راهکارها.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، متون تاریخ اجتماعی ایران، سرفصلها، بررسی انتقادی

عدم گرایش جوانان به علوم انسانی

آزاده سفار صفت - فاطمه قاسمی - محدثه زینالی - فاطمه سادات نجفی

دبیرستان علوم و معارف شهید مطهری

چکیده :

"بزرگترین متفکران غرب میگویند: علوم انسانی در هر کشوری زائیده تفکرات بومی آنجا است." در واقع علوم انسانی آمریکا نمی تواند اروپا را اداره کند چون زائیده دگرگونیهای اجتماعی خودشان است و زمانی میتواند با فرهنگ خود نسبت برقرار کند که زبان حقوقی و اجتماعی واحدی در جامعه برقرار کند تا بتواند با تحولات و باورها و ارزشهای اجتماعی خود همساز باشد و همچنین علوم انسانی و رشته های زیر مجموعه آن رابطه مستقیمی با روحیات و بعد روحی انسان - که از پیچیدگیهای خاصی برخوردار است - دارد. بنابراین باید توجه خاصی به این علوم داشت. مسئولان آموزشی احساس میکنند تدریس فیزیک و شیمی و ریاضی نیاز به نگرش و روش علمی دارد و مدرسین این دروس حتماً باید متخصص باشند، ولی چنین تصویری در مورد دروس علوم انسانی وجود ندارد و شاید بشود گفت یکی از عوامل بزرگ بیگانگی قشر وسیعی از جوانان ما با علوم انسانی، آموزش غیر مسئولانه و نادرست در کلاسهای درس است (جایی که جوانان فرصت تماس علوم انسانی مثل ادبیات را دارند ولی گاه بیهوده به هدر می رود) جای بسی سوال است که آیا یک دانش آموز رشته ریاضی فیزیک باید تا این حد آشنا به مثلثات و هندسه باشد؟ آیا دانستن بسیاری از مسائل روزمره و اجتماعی برای او ضروری تر نیست؟ آیا وقتی اکثریت دانش آموزان مدارس قرار نیست وارد دانشگاه شوند مطالب ضروری تری برای یاد گرفتن برای آنها وجود ندارد؟ سوال اصلی این است که احتیاجات اصلی دانش آموزان ایرانی که اکثر آنان قرار است به همین تحصیلات بسنده کنند چیست؟ علوم انسانی در ایران بیشتر از آنچه که تحلیل و ریشه یابی مسائل انسانی و اجتماعی باشد، علمی حفظی است که سعی دارد مطالب را به سبک مکتب خانه های قدیم قطعی و حفظی بیان کند، در حالی که واقعیت علوم انسانی چیزی جز همین تحلیل و بررسی و شک نیست.

جایگاه پایین رشته های علوم انسانی و اقتصادی در سیستم فرهنگی ایران است که کاملاً فرهنگ خلاف آن در کشور های پیشرفته دنیا برقرار است و بسیاری بر این عقیده اند که این یکی از کلیدی ترین ریشه های عقب ماندگی ایران می باشد. در کشور های صنعتی علاقه مردم به انتخاب رشته های بازرگانی، مدیریت و اقتصاد کاملاً بالاتر از رشته هایست که در ایران به عنوان بهترین و با کلاس ترین رشته ها شناخته می شوند. سیستم ارزش گذاری غلط و منجمد در سیستم

آموزشی ایران منجر به آن شده است که ارزش رشته نه بر اساس نیاز فرد یا اجتماع بلکه بر اساس معیارهای فرهنگی غلط تعیین شود. با توجه به اهمیت علوم انسانی و نیاز کشور به این رشته، جوانان ما بیشتر گرایش به سایر علوم غیر انسانی دارند. ما در این مقاله به علل عدم گرایش جوانان به علوم انسانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کلید واژه ها : علوم انسانی ، جوانان ، عدم گرایش ، تفکرات بومی

آسیبها و موانع علوم انسانی در ایران

دکتر محمدرحیم عیوضی

چکیده :

علوم انسانی به طور کلی شاخه‌ای از علوم هستند که شامل مطالعات و تأملات انسان راجع به خودش و محیط زیستش از زوایای گوناگون می‌باشد و در زمینه‌های متنوعی نیز رشد یافته است. از آنجا که توجیه گونه‌های رفتاری انسان و سعی برای درک و توضیح آنها همواره وجود داشته، همیشه مجموعه اطلاعات و تحلیل‌هایی در موردشان یافته می‌شده است و از آنجا که انسان مخاطب ادیان می‌باشد، بنابراین اطلاعات و توضیحاتی هم از این منابع بدست می‌آید اما آنچه که امروزه بنام علوم انسانی (علوم اجتماعی) می‌شناسیم متعلق به دوره جدیدی می‌باشد که برخاسته از تحول نگرش به عالم و آدم است. در برداشت و درک جدید به عبارتی «معنا» از پدیده‌ها رخت بر می‌بندد و غایتی برای هستی در نظر گرفته نمی‌شود. بدین ترتیب می‌توان زمینه‌های چالش برانگیز علوم انسانی در ایران را شناخته، بدین توضیح که برخوردار از سنتهای تاریخی و ریشه‌دار بودن دین باوری و عمل به حکام دینی در ایران، فی‌نفسه در بردارنده نوع خاصی از درک برای تحلیل مسایل انسانی گردیده است که الزاماً منطبق و همسو با علوم انسانی در معنای جدید آن نمی‌باشد. خصوصاً که دین‌گریزی دوران جدید تأثیرات مشخص و مستقیمی در پردازش مسایل در این علوم داشته است و به همین جهت مخالفت‌های شدیدی را با آنها در ایران اسلامی برانگیخته است. علاوه بر این، تجربه تلخ دوران استعمار و بهره‌جویی استعمارگران از این علوم در تسهیل سلطه بر کشور سبب سوءظن نسبت به منبع و موطن این علوم از یکسو و دارندگان و عالمان آن از سوی دیگر شده است. بنابراین در آسیب‌شناسی علوم انسانی در ایران نباید فراموش کنیم که محور اصلی، تداخل و بلکه تعارض فکری و فرهنگی است. بدین ترتیب این سؤال مطرح می‌شود که مقصود از علوم انسانی و ضرورت آنها برای جامعه‌ای چون ایران بطور کلی و ایران انقلابی و نظام جمهوری اسلامی ایران بطور خاص چیست؟

بنابراین می‌توان گفت نوع نگاه و انتظار از علوم انسانی (علوم اجتماعی) بعد از انقلاب اسلامی ایران ضرورت جدی اهتمام به آنها را مشخص می‌سازد. در مقایسه با جوامع و حکومت‌هایی که ظاهراً اسلامی اما عملاً بی‌تعهد بدان هستند، علوم انسانی در ایران مسئولیت معرفی و حمایت نظام و انقلاب را در دو بعد داخلی و خارجی بر عهده دارد. همین مسئولیت‌ها هویت خاصی را برای این علوم مشخص ساخته و به رشد آن کمک فراوان کرده است در حالیکه در کشورهای دیگر که خواست استقلال در آنها با جدیت دنبال نشده، با باز نمودن درها و با کمترین دل‌نگرانی از تهاجم فرهنگی

غرب صرفاً صورت آراسته‌ای ساخته‌اند که از ریشه فرهنگی و ملی مناسبی تغذیه نمی‌شود و نمی‌توان این قبیل رشدها را در محدوده تعریف توسعه پایدار قلمداد نمود. علاوه بر این انقلاب اسلامی زمینه آشنایی مستقیم علوم انسانی را با مشکلات و موانع و چالش‌های داخلی و خارجی فراهم کرده است امروزه با احساس نیاز به داشتن علوم انسانی قوی برای قوام و دوام یافتن استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی، بیش از پیش توجه به ضعف‌های آنها و تلاش برای برنامه‌ریزی جهت رفع و حل موانع را ضروری ساخته است. روشن است که ایجاد تحولات عمیق فرهنگی و مقابله با سلطه‌گری مخالفان نمی‌تواند فقط با تکیه بر بنیه فنی کشور بی‌توجه به حوزه‌های مربوط به علوم انسانی صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آسیبها، موانع، انقلاب اسلامی،

موانع نوآوری و خلاقیت در سازمان ها

پروین غفاری کارشناس دانشگاه علوم پزشکی سمنان

چکیده :

موانع معمولاً زمانی ملموس می‌شوند که قدرت نیروهای پیش برنده نسبت به نیروهای بازدارنده کاهش یابد. در مباحث اجتماعی و انسانی به ندرت می‌توان ریشه موانع را به مورد خاصی منتسب دانست و عمدتاً حاصل علل و اسبابی است که به تفکیک آنها مثل علوم طبیعی به راحتی مقذور نیست موانع خلاقیت و نوآوری را می‌توان مثل موانع هر پدیده دیگر اجتماعی در دو بعد کلان و خرد دید.

در این مقاله تلاش خواهیم کرد موانع نوآوری و خلاقیت در سازمانها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

عمده موانعی که برای بروز خلاقیتها در انسان در این مقاله بررسی می شود عبارتند از:

موانع تاریخی ،

موانع بیولوژیک،

موانع فیزیولوژیکی،

موانع روانی،

واژگان کلیدی: علوم انسانی، موانع نوآوری، موانع خلاقیت، سازمان ها،

بررسی جو سازمانی از نظر کارکنان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سمنان

پروین غفاری

کارشناس ارزشیابی آموزش و مسئول دانش آموختگان

چکیده :

هر سازمانی دارای رسالت و اهداف مشخصی در جهت توسعه اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی است . چگونگی عملکرد کارگزاران این سازمانها ، بویژه دانشگاههای علوم پزشکی یکی از پدیده های اثر گذار در زندگی و سلامت اقشار مختلف مردم از یک سو و رضایت مندی آنها از ارائه خدمات موثر از سوی دیگر است. یکی از معرف های مهم برای حرکت و پویائی در یک سازمان سالم وجود جو سازمانی مطلوب و حسن اعتماد واحد های پائین دستی به رده های تصمیم گیر است و وجود یک جو سازمانی مطلوب در سازمان می تواند به کارکنان کمک نماید تا با خلاقیت خود در تصمیمات سازمانی دخالت کنند و فارغ از دستورات و قوانین تکراری و منظم به بروز خلاقیت ها ایشان بپردازند. هر سازمانی می تواند جو سازمانی خاصی را دارا باشد که اگر همساز با اهداف و نقش و انتظارات کارکنان و مخاطبان خود نباشد می تواند مشکل ساز و باعث عدم بهره وری سازمانی شود. لذا با توجه به موارد فوق و اهمیت جو سازمانی مناسب در سازمان و وجود کارکنان خلاق در پیشبرد موثر اهداف سازمان در این پژوهش بر آن شدیم تا جو سازمانی واحدهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی سمنان را مورد مطالعه قرار دهیم تا مدیران دانشگاه با شناخت بیشتر از جو سازمانی موجود ، تا حد امکان به اصلاح جو سازمانی و یا تقویت آن بپردازند و با امنیت و پشتیبانی و تشویق کارکنان مستعد و خلاق محیطی بازو آزاد (جو سازمانی مناسب) برای رشد و شکوفائی و خلاقیت کارکنان فراهم سازند.

واژگان کلیدی: جو سازمانی. خلاقیت. پاداش. ارتباطات. فرایند اجرایی امور. نقش. هدف

مشکلات و اولویت‌های پژوهشی رشته زبان و ادبیات فارسی

غلامحسین غلامحسین زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده:

وقتی می‌توان به صحت و دقت یافته‌های پژوهشی اعتماد کرد که از طریق روشهای تحقیقی دقیق و حساب شده‌ای به دست آمده باشند. در روزگار ما اگرچه مقاله‌ها و کتاب‌های ارزشمند بسیاری در حوزه زبان و ادبیات فارسی منتشر می‌شود و طرحهای تحقیقی و پایان‌نامه‌های متعددی به اجرا در می‌آید، یافته‌های نو و دقیق و قابل اعتمادی که در آنها موضوعات مورد بررسی به صورت دقیق بررسی شده باشند کمتر دیده می‌شود، مقصود ما در این مقاله آن است که علل این مشکلات را جست‌وجو کنیم و راهکارهایی را برای آنها ارائه دهیم. برای این منظور نخست باید روشن کنیم تعریف ما از تحقیق چیست، چه انواعی را برای آن در نظر داریم، چه مراحل را در یک تحقیق طی می‌کنیم و در هر مرحله با چه آسیب‌ها و مشکلاتی مواجهیم تا آنگاه بتوانیم برای هر مشکل چاره‌ای بیندیشیم و برای رفع آن راه حل یا راه‌حلهایی را ارائه و پیشنهاد کنیم. به اجمال می‌توان گفت مقصود ما در اینجا تحقیق به معنی عام آن است و همه انواع آن را اعم از بنیادی و کاربردی و توسعه‌ای در نظر گرفته و فرایند کار تحقیقی را در چهار مرحله اصلی زیر مورد بررسی قرار داده‌ایم:

۱. مرحله انتخاب موضوع که از جمله مهم‌ترین مشکلات آن می‌توان به «کارهای موازی، مشخص نبودن اولویتها، مشکل مسأله‌یابی، و بی‌توجهی به موضوعات میان رشته‌ای» اشاره کرد؛ و از علل پدید آمدن این مشکل نیز می‌توان از نبود بانکها و نرم‌افزارهای اطلاعاتی مناسب، تخصص‌های موازی استادان و دانش‌آموختگان، ساده‌خواهی، ناآشنایی با نظریه‌های ادبی و بی‌اطلاعی از نیازها یاد نمود.

۲. مرحله طراحی طرح تحقیق که از مشکلات آن «عدم تناسب طرح با موضوع و هدف، عدم طرح درست سوالها، روشن نبودن مراحل پژوهش، و عدم زمان‌بندی واقع‌بینانه مراحل پژوهش است و از علل آن می‌توان به «عدم آموزش، نداشتن تخصص متناسب، بدون نبودن روشهای تحقیق، نبودن حق امتیاز طراحی، نبود منابع، و عدم جزئی‌نگری اشاره کرد.

۳. در مرحله اجرا نیز مشکلات «منابع و روش مهاجرت وجود دارد که از علل آن «نبود یا عدم کیفیت منابع کتابی نرم‌افزاری و کتابخانه‌ای، عدم آموزش، نداشتن نظریه، کمبود قدرت تحلیل، نبود روحیه همکاری جمعی، بی‌انگیزگی و نبود مقررات نظارتی و کنترلی هماهنگ کننده» است.

۴. آخرین مرحله هر تحقیق عرضه و نحوه کنترل آن است که در هر دو بخش یعنی هم در چگونگی عرضه و هم در روش و کیفیت کنترل، مشکلات جدی وجود دارد و از علل آن هم می‌توان به مطالعه ناقص، مخاطب شناسی، تدوین نادرست، کنترل غیر مسئولانه یا ناشیانه و همچنین نبودن مراکز کنترلی و هماهنگ کننده جامع نام برد.

در مجموع اگر بخواهیم یک جمع‌بندی کلی از مشکلات ارائه کنیم، می‌توانیم آنها را ذیل شش عنوان «مشکلات منابع تحقیق، نیروی انسانی، روشهای تحقیق، کنترل و نظارت، عدم هماهنگی و موضوعات تحقیق» دسته‌بندی کنیم و اگر بخواهیم مجموعه راهکارهای در نظر گرفته شده برای هر یک از عوامل را در یک دسته‌بندی کلی جمع‌بندی کنیم می‌توان آنها را در ذیل پنج عنوان «ایجاد مراکز اطلاع رسانی، آموزش، تدوین روشهای تحقیق، تهیه نرم‌افزار، و تدوین قانون و آیین‌نامه‌های لازم توضیح دهیم.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، ادبیات فارسی، روش های تحقیق،

چگونگی کاربردی نمودن سیره پیامبر اعظم (ص) در محتوای درسی و کمک درسی آموزشی و پرورش کشور جمهوری اسلامی ایران

دکتر پوران‌دخت فاضلیان
گروه تکنولوژی آموزشی
دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
دانشگاه تربیت معلم

چکیده :

مدیریت و سیاست فرهنگی نظام آموزش و پرورش را می‌توان در سه نگرش نسبت به نقش و جایگاه سیره نبوی در مدارس کشور مورد بررسی قرار داد. در این مقاله پس از معرفی سه نگرش مورد نظر، زمینه تعیین معیار و الگوی کاربردی شدن این مهم ارائه می‌گردد. شیوه تدوین مدل پیشنهادی در راستای وضعیت اعتباربخشی محتوای درسی در مدارس کشور است و در آن ویژگی‌های فردی، نیز ملحوظ گردیده است.

در مقاله حاضر موقعیت و اعتباربخشی مدارس نیز بررسی می‌گردد. البته نهادینه شدن معیارهای دیگر کشورها و روش تطبیق محتوای درسی ارائه شده با معیارهای آنان نیز از نظر دور نخواهد ماند. بویژه اینکه در سطح جهانی مقیاس چهارم (علاوه بر سه مقیاس خواندن و نوشتن و انجام چهار عمل اصلی) یعنی تکنولوژی اطلاعات را در شمار عوامل زمینه‌ساز ورود به بازار کار برشمرده‌اند در این است که فراگیران در دیگر کشورها، خود امکان تولید ادبیات فناوری جدید را نداشته و فقط آماده رویارویی با آن است. حال آنکه در نظام آموزش و پرورش کشور ایران، سیره پیامبر اعظم (ص) برای فراگیر درونی می‌گردد و او خود می‌تواند زمینه‌های موارد کاربردی آن را به بروز و ظهور برساند.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، سیره پیامبر، محتوای درسی، آموزش و پرورش، ایران، اعتباربخشی

بررسی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی، چالشها و تنگناها در تولید علم و نظریه پردازی

اکبر فرجی ارمکی

دانشگاه شهید بهشتی، گروه آموزش عالی

چکیده :

امروزه تولید علم که خاستگاه آن پژوهش و تحقیق در دانشگاههاست از دو رسالت دیگر آموزش عالی خدمات اجتماعی و پژوهش گوی سبقت را ربوده است. منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی ناشی از تولید و فروش علم، بنگاههای تحقیقاتی و مؤسسات آموزش عالی را جهت بسترسازی نظریه پردازی، تولید و توزیع علم به تکاپو واداشته است و هر یک از کشورها و دانشگاهها در پی دستیابی به سهم بیشتری از تولید علم به تکاپو واداشته است و هر یک از کشورها و دانشگاهها در پی دستیابی به سهم بیشتری از تولید علم جهانی هستند. این موفقیت و کامیابی‌های آنان مرهون سیاستگذاری و برنامه‌ریزی صحیح و مناسب آنها در راستای تولید علم و تکنولوژی (Science & Technology) است. اما متأسفانه در ایران که دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بیشتر در پی آموزش هستند و کمتر به دو کارکرد دیگر دانشگاه یعنی پژوهش و خدمات اجتماعی می‌پردازند که این خود به عقب‌ماندگی علمی، وابستگی علمی و کوچک بودن سهم کشور در تولید علم در عرصه جهانی می‌گردد که این مسأله و پدیده ناهنجار دلائل و بالطبع نتایج قابل بررسی را دارد. این مقاله بر آنست که برخی از چالشها و مشکلات و تنگناهای این ناهنجاری در آموزش عالی و پژوهش ایران را بازشکافی و بررسی نماید.

واژگان کلیدی: تولید علم و فناوری، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی، آموزش عالی، پژوهش و تحقیق، توسعه علمی و فنی

مهندسی مجدد فرایند دانش آموختگی دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی

دکتر نظام الدین فقیه استاد دانشگاه شیراز

فرشته پزشکی نجف آبادی دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی دانشگاه شیراز

چکیده :

یکی از راهکارهای ارتقاء کیفیت علمی، آموزشی رشته های مدیریت در نظام آموزش عالی ایران، بازنگری بنیادین در اصول و رویه های موجود آنها می باشد و " مهندسی مجدد فرایندها" از روش های نوین برای تحقق این منظور به حساب می آید. در این مقاله سعی بر آن است تا به مهندسی مجدد فرایند دانش آموختگی دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی یکی از دانشگاههای ایران پردازیم؛ به نحوی که با محوریت قراردادن دیدگاه فرایندی مهندسی مجدد، به طراحی نو و ریشه ای فرایند مذکور و زیرفرایندهای آن اقدام نماییم

واژگان کلیدی: علوم انسانی، مدیریت صنعتی، نظام آموزش عالی، مهندسی مجدد فرآیندها،

کارشناسی ارشد

آسیب‌شناسی علوم انسانی در «نظریه و عمل»

دکتر محمدعلی فیروزی

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده :

علوم انسانی با توجه به ماهیت پیچیده و قلمرو وسیعی که دارند، از ویژگی و ظرافت خاصی برخوردارند. لذا از نظر شناخت، روش‌شناسی و استنتاج با علوم محض متفاوت بوده و دارای ویژگی‌هایی می‌باشند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- کلی‌نگری علوم انسانی برخلاف علوم محض که جزئی‌نگرند.

۲- روش‌شناسی (متدولوژی) علوم انسانی

۳- نتایج مطالعات علوم انسانی که دیر حاصل می‌شود.

امروزه آسیب‌ها و آفات علوم انسانی را تهدید می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- نگرش مادی به انسان که موضوع اصلی علوم انسانی است.

۲- جزئی‌نگری و تخصصی شدن به تبعیت از علوم محض

۳- پرداخت به قالب‌ها به جای محتوا

۴- تقلید از متدولوژی یا روش‌شناسی علوم محض مانند مدل‌ها ...

۵- یکسان‌انگاشتن علوم انسانی و علوم محض در دانشگاه‌ها و مراکز علمی

۶- ارزیابی علوم انسانی مانند سایر علوم و نگاه سلسله‌مراتبی به آن

در این مقاله نگارنده در پی آن است که با تبیین موارد نظری و ذکر شواهد عملی که حاصل بیش

از بیست سال کار اجرایی در حوزه‌های دانشگاهی بوده به آسیب‌شناسی علوم انسانی بپردازد، باشد

تا زمینه بحث‌های مفصل‌تر اهل نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آسیب‌شناسی، دانشگاه‌ها،

مسائل و مشکلات رشته‌های علوم انسانی در کشور با تأکید

بر رشته علوم سیاسی

خسرو قبادی

پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی

فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

چکیده :

شاید نیاز به توضیح نداشته باشد که علوم انسانی در کشور ما کارآیی چندانی ندارد. و تحقیقات این رشته چندان موفقیت‌آمیز نیست و باز هم شاید نیازمند توضیح نباشد که موفقیت، رشد و پیشرفت کشور به موفقیت، رشد و پیشرفت علوم انسانی بستگی دارد. و رشد و توسعه علوم فنی و مهندسی و تکنولوژی در گرو رشد علوم انسانی است و نه بالعکس.

علوم انسانی در تعریف عام همه رشته‌های علمی که درباره رفتار انسان و جامعه انسانی بحث می‌کنند را شامل شود. اما در تعریف این مقاله شامل جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، اقتصاد، روانشناسی و علوم سیاسی با گرایش‌های مختلف است. و فلسفه، ادبیات و الهیات از دایره تعریف ما خارج هستند. به این دلیل که رشته‌های اخیر از لحاظ روشی قرابت چندانی با پنج رشته اول ندارند. و در میان پنج رشته اول نیز حساب چهارتای نخست با رشته اخیر (علوم سیاسی) به دلیل تفاوت‌های محسوس در روش جداست در واقع علوم سیاسی حذفاصل رشته‌های عینی (تر) علوم انسانی و رشته‌های ذهنی این علوم است. علوم سیاسی از یکسو به فلسفه و ادبیات شباهت دارد و سنت‌گرایی در آن غلبه دارد از سوی دیگر برخی کوشیده‌اند تا آن را به رفتارگرایی نزدیک سازند. در این مقاله سعی بر آن داریم تا مشکلات علوم انسانی را از منظر رشته علوم سیاسی بررسی کنیم. باشد تا مجموعه علمی، پژوهشی دانشگاهی کشور برای بررسی عمیق‌تر و تعیین راه‌های برونرفت آن فکری کنند.

می‌شود بحث را از لایه‌های عمیق‌تر آن شروع و پرسشهای فلسفی را از وضع علم در روزگار ما و تفاوت علم جدید با علم قدیم طرح کرد و از تفاوت علم تجربی از سایر علوم سخن گفت. اما شاید این پرسشها را دیگران طرح کرده‌اند و پاسخ به آن نیز غور فلسفی و تجدیدنظرهای بنیادین

را طلب کند. به علاوه سخن را از سرسخت آن آغاز کردن شاید چندان برای برانگیختن حساسیت مناسب نباشد و کسی فکر نکند که با مریض رو به موتی روبروست.

اگر بتوان معضلات و مشکلات یک رشته خاص را گشود شاید فضا برای بحث‌های فلسفی‌تر باز شود. لذا بحث از مشکلات علوم سیاسی - با جایگاه مزبور - در حلقه رشته‌های علوم انسانی شاید راه به جایی باز کند.

واژگان کلیدی: علوم سیاسی، علوم انسانی، مشکلات و مسایل علوم سیاسی

موانع رشد مکتب اسلامی - ایرانی علوم انسانی:

استفنا‌ی کاذب

فردین قریشی

استادیار دانشگاه تبریز

چکیده:

علوم انسانی محل تجلی نظریات متعارض و رویارویی دیدگاه‌های مختلف است. در واقع نظریه‌پردازان این حوزه از دانش بشری، به لحاظ مبادی نظری متفاوتی که در عرصه‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ... دارند، در تحلیل موضوعات انسانی، نقطه نظرات مختلفی را عرضه می‌دارند. در این میان پاره‌ای از متفکران معاصر ایران از جمله سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد حسین نائینی، سید محمود طالقانی، علی شریعتی، مرتضی مطهری و ... نظریات و ایده‌های ویژه‌ای را طرح کرده‌اند که با خود خمیرمایه یک مکتب فکری عمده در ساخت علوم انسانی را بویژه در حوزه‌های فلسفه، حقوق، سیاسی، جامعه‌شناسی و تاریخ به همراه دارد. اما این مکتب در محافل علمی ایران چندان با استقبال چشم‌گیری مواجه نشده است. به همین اساس سوال اصلی این مقاله ناظر بر چیستی موانع رشد و گسترش این مکتب در محافل فکری و علمی ایران اهم از مراکز حوزوی و دانشگاهی است. فرضیه‌ای که در برابر این پرسش مورد بررسی قرار گرفته است، عبارت از تأکید بر نقش نوعی «استفنا‌ی کاذب» در محافل فکری ایران است. به نحوی که عموماً در مراکز حوزوی در عرصه علوم انسانی به کفایت اقوام متقدمین تکیه می‌شود و نیاز چندان‌ی به دیدگاه‌های جدید احساس نمی‌شود و در مراکز دانشگاهی تکیه‌گاه نظری عمده، تئوریهای متفکران دنیای غرب است و تولیدات فکری اندیشمندان اسلامی و ایرانی چندان محل اعتنا قرار نمی‌گیرد.

این فرضیه با شواهد تجربه به آزمون نهاده شده و اعتبار آن با روش علمی مورد بررسی قرار گرفته است و حاصل کوشش علمی بعمل آمده، افزایش اعتبار فرضیه فوق‌الذکر است بر اساس این یافته، پیشنهادات نیز در این مقاله در جهت خروج از وضعیت نامطلوب موجود ارائه شده است که از جمله آنها تاسیس مراکزی برای توسعه، تدوین و ترویج مکتب اسلامی - ایرانی علوم انسانی در سطح ملی و بین‌المللی است.

کلید واژه‌ها: علوم انسانی، دیدگاه اسلامی، ایرانی، نظریه پردازی، جامعه‌شناسی، علم، استغناء
کاذب

آسیب‌شناسی مقاله‌های سه مجله دانشکده ادبیات تهران

فردوسی مشهد و تبریز

دکتر مصطفی گرجی استادیار دانشگاه پیام‌نور و عضو گروه پژوهشی ادبیات
پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی
فرهاد درودگریان دانشجوی دکتری دانشگاه پیام‌نور

چکیده :

در اهمیت مقاله از میان سایر واحدهای تحقیقات و پژوهش در عصر حاضر همین بس، که ملاک
سنجش و رونق علم و توسعه علمی هر کشور، تولید مقاله و عرضه آن در مجلات معتبر پژوهشی
و مجامع علمی قلمداد شده است.

از این رو نقد، تحلیل و آسیب‌شناسی خود این مقالات نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که هر
مجله در هر پایان هر دهه فعالیت، یا بازگشت به پیشینه خود، مجله را از آسیب‌های احتمالی که در
مواردی طبیعی و ناگزیر است؛ صیانت کند. این امر در رشته زبان و ادبیات فارسی به دلیل آفات
بالقوه و بالفعل فراوان که بحث درباره آن مجال دیگری می‌طلبد؛ ضروری‌تر به نظر می‌رسد تا با
سنجش دقیق مجلات و مقالات مربوط به آنها، راه را برای ورود به پایگاه اطلاعات علمی ISI
فراهم گردانند. بر این اساس نگارنده به مقایسه سه مجله معتبر و پرسابقه دانشکده ادبیات دانشگاه
تهران، تبریز و مشهد با تأکید بر یک موضوع خاص از آغاز تا امروز می‌پردازد تا راه را برای
بررسی‌های جامع‌تر فراهم گردانند. نگارنده در این مختصر ضمن مقایسه کمی و کیفی آنها دلایل
اعتبار علمی و یا نزول کیفیت مقاله‌های یکی از آنها را با آمار نشان می‌دهد و بحث تفصیلی آن را
به اصل مقاله حواله می‌دهد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آسیب‌شناسی، مجلات،

موانع جامعه‌شناسی در ایران و راه‌های ارتقاء آن

دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده

استاد دانشگاه شیراز

چکیده :

مقاله حاضر مشکلات و موانع توسعه جامعه‌شناسی در ایران را در سطح بسیار وسیع به پنج دسته تقسیم کرده که در هر دسته تعدادی مسأله وجود دارد. نخستین مانع، «زمینه فلسفی و پارادایمی» است که در این رابطه فلسفه‌های موجود در تاریخ دانش ایران زمینه‌ساز جامعه‌شناسی امروزی در ایران نیست و در همین راستا کاملاً پارادایمی بوجود نیامده است که جامعه‌شناسی در آن نطفه بگیرد. دومین مانع مربوط به خطوط قرمز اجتماعی - سیاسی است که جلوگیری می‌نماید از توسعه منطقی جامعه‌شناسی. جامعه‌شناسی به عنوان یک علم بنیادی - کاربردی به زمینه‌های اجتماعی لازم برای رشد نیاز دارد که متأسفانه آن زمینه‌ها در ایران فرصتی برای خودنمایی ندارند. در همین رابطه چون جامعه‌شناسی معمولاً دارای بعد قوی انتقادی است، اصولاً ساختارهای سیاسی از نوع خاص تمایلی به گسترش تحلیل‌های انتقادی جامعه‌شناختی ندارند. سومین دسته از موانع توسعه جامعه‌شناسی در ایران، مشکلات آموزشی متعددی است که عبارتند از: کمبود هیات علمی کارآمد، کمبودهای فضائی و وسایل آموزشی، کیفیت پایین گزینش دانشجویان و کیفیت پایین منابع درسی، چهارمین مانع بر سر راه توسعه جامعه‌شناسی در ایران مربوط به مسایل پژوهشی است. اصولاً پژوهش‌های اجتماعی در ایران از یک آشفتگی برخوردار است آن چنان زمینه برای همگان به غلط باز است که بیشتر تحقیقات توسط افراد بی‌صلاحیت انجام می‌گیرد و نتیجه این عمل بی‌نتیجگی و بی‌تأثیری تحقیقات در زندگی روزانه مردم است. مشکل پنجم جامعه‌شناسی در ایران آن است که نتوانسته خود را با سرعت توسعه نظری و سازمانی جامعه‌شناسی در سطح بین‌المللی هماهنگ کند. به عبارت دیگر یک فقر ارتباطات بین‌المللی وجود دارد به طوری که جامعه‌شناسی در ایران یک مجله به زبان انگلیسی ندارد. چگونه می‌توان ادعا کرد که جامعه‌شناسی ما «به‌روز» است در حالی که سهمی در تولید علم اجتماعی در سطح جهانی نداریم. مقاله در رابطه با موانع راهکارهای عملی زیر را پیشنهاد می‌کند:

الف) بومی کردن جامعه‌شناسی به مفهوم انطباق نظریات موجود با واقعیت‌های اجتماعی ایران؛

ب) برداشتن خطوط قرمز اجتماعی و بویژه سیاسی و باز کردن فضای گفتمان انتقادی؛

ج) رفع مشکلات آموزشی از طریق افزایش تربیت هیات‌های علمی جدید در داخل و خارج از کشور، تخصیص بودجه ویژه برای تجهیز فضاها و وسایل آموزشی اجتماعی، تغییر اساسی در

گزینش دانشجویان رشته جامعه‌شناسی و به روز کردن منابع درسی از طریق سرعت بخشیدن در چاپ کتب ترجمه شده به‌روز، تألیف کتب مناسب درسی و بکارگیری زبان انگلیسی در دروس کارشناسی؛

د) کنترل نهادینه و سازمانی در مورد پژوهشهای اجتماعی و جلوگیری از دخالت غیرمتخصصان در انجام تحقیقات جامعه‌شناختی؛

ر) ارتباط دادن انجمن جامعه‌شناسی ایران با سازمانهای بین‌المللی جامعه‌شناختی از طریق سمینارهای مشترک بین ایران و دیگر کشورها و راه‌اندازی تعدادی مجله جامعه‌شناختی به زبان انگلیسی.

کلید واژه‌ها: موانع جامعه‌شناختی، ایران، موانع پارادایمی، موانع آموزشی، موانع پژوهشی، موانع سازمانی

بررسی وضعیت تولید داده‌ها و اطلاعات موردنیاز برخی از پژوهش‌های علوم انسانی از طریق اینترنت و ارائه طرح پیشنهادی

حمید محسنی

عضو هیئت علمی و مدرس رشته کتابداری و اطلاع رسانی

مرکز آموزش عالی کشاورزی، سازمان تحقیقات کشاورزی

چکیده :

کمیت و کیفیت تولید و دسترسی به اطلاعات در حوزه‌های مختلف علمی و اجرایی نشانگر جایگاه آن حوزه در اجتماع است و نقشی انکارناپذیر در توسعه آن نیز دارد. به همین دلیل فرآیند تولید و مدیریت دانش، سازماندهی، پردازش و دسترسی آن در برنامه‌ریزی رشد و توسعه علوم مختلف و نیز برنامه‌های خرد و کلان ملی کشورها، شرکتها، سازمانها، نهادهای علمی - آموزشی و دیگر نهادها و فعالیتهای مهمی اساسی دارد. هرگونه برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه بدون در نظر گرفتن اطلاعات خسارت‌های جبران‌ناپذیری دارد. با توجه به همین واقعیت است که جنبه‌های مختلف دانش و دسترسی به اطلاعات به عنوان شاخصی برای ارزیابی در نظر گرفته می‌شود. در دهه اخیر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به خصوص اینترنت تولید و ذخیره و دسترسی عمومی به اطلاعات را متحول ساخته است. به گونه‌ای که تمامی مخاطبان سازمانها و پژوهشگران بویژه محققان حوزه علوم انسانی بسیاری از داده‌ها و اطلاعات موردنیاز خود را به سرعت و بدون محدودیتهای زمانی و مکانی و حتی گاه رایگان دسترسی می‌یابند و علاوه بر آن خود نیز می‌توانند نتیجه مطالعاتشان را در اختیار دیگران قرار دهند.

در این مقاله وضعیت تولید و دسترسی به داده‌ها و اطلاعات موردنیاز پژوهش‌های علوم انسانی با تأکید بر داده‌های سازمانی و داده‌ها و اطلاعات مرتبط با وظایف آن سازمان از طریق رسانه‌های الکترونیکی در کشور ایران بررسی می‌شود. سپس پیشنهادی برای بهینه‌سازی تولید و دسترسی به اطلاعات ارائه می‌شود.

کلید واژه‌ها: پژوهش؛ علوم انسانی؛ اطلاعات؛ داده؛ اینترنت

جایگاه و آسیب‌شناسی پژوهش در اسلام و ایران با تأکید بر مسائل آموزش و پرورش

حجت‌الله محمدشاهی

کارشناس حقوق و دبیر آموزش و پرورش منطقه ۸ تهران

چکیده:

نوشتار حاضر در عناوین چندگانه زیر سازمان‌بندی گردیده‌اند: الف) تأملی در مفهوم پژوهش و تحقیق؛ ب) جایگاه پژوهش در اسلام؛ ج) روش تحقیق در اسلام؛ د) آسیب‌شناسی پژوهش در ایران؛ هـ) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در راستای وظایف معلمان.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، جایگاه پژوهش، آموزش و پرورش، آسیب‌شناسی، اسلام و ایران

کمیت فدای کیفیت یا کیفیت فدای کمیت: اعمال TQM

در نظام آموزشی عالی کشور

محمدحسین مشرف جوادی
استادیار مدیریت دانشگاه اصفهان

چکیده :

در حالی که شاخص‌ها و نسبت‌های دانشجویان پذیرفته شده در دانشگاهها در قبل و در ابتدای انقلاب بسیار ناچیز بود، اما در سالهای اخیر نسبت‌ها تا اندازه‌ای افزایش، متوازن‌تر و یا متعادل‌تر شده‌اند. به زبان دیگر هر چند جمعیت جوان و متقاضی ورود به دانشگاهها نسبت به اوایل انقلاب افزایش چشمگیری داشته، تعداد دانشجویان نیز در دانشگاهها و در اکثر رشته‌ها تا چندین برابر از نظر کمی نیز افزایش یافته‌اند. اما سؤال این است که آیا افزایش کمی دانشجویان صرفاً منجر به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور می‌شود و یا اینکه باید توجه به کیفیت مراکز آموزش عالی نیز کرد؟ آیا تأسیس دانشگاههای گوناگون علاوه بر دانشگاههای دولتی کشور مانند دانشگاههای آزاد، پیام‌نور، غیرانتفاعی و اخیراً علمی کاربردی و ... بدون توجه به کیفیت تدریس و مرغوبیت‌های آموزشی و تناسب بین رشته‌های تحصیلی و مشاغل موردنیاز کشور در مان دردهای کشور می‌باشد یا اینکه مشکلات دانشجویان را افزایش و میزان انتظارات آنها را بالا می‌برد که احتمالاً متعاقباً بعضی از این انتظارات منجر به مشکلات اجتماعی، روحی روانی، خود بیگانگی و استرس و ... خواهد شد.

بنابراین در جهان امروز با توجه به اهمیت روزافزون و نقش نیروی انسانی ماهر در صنایع، فن‌آوری و توسعه ملی، بسیاری از کشورها را متوجه کیفیت آموزش عالی و راههای اصلاح و بهبود آن نموده است. به همین منظور، برای افزایش کیفیت و بهره‌وری سیستمهای آموزشی روشها و متدهای گوناگونی از جمله S ۵ (تفکیک و تعمیر، ترتیب، تمیزی، استانداردسازی و انضباط)، KSS (بهبود مستمر کایزن)، QCC (کنترل کیفیت فراگیر) TPM (نگهداری بهره‌وری فراگیر)، JIT (تولید به موقع) و بالاخره TQM (مدیریت کیفیت فراگیر) و همچنین ایجاد مؤسسه‌های اعتباربخشی در سطوح محلی، ایالتی یا استانی و فدرال یا ملی کرده‌اند.

هرچند که هر کدام از این موارد فوق نیاز به بحث و بررسی جداگانه دارد اما در این مقاله تمرکز بر روی افزایش کیفیت دانشگاهها با توجه به عناصر و زیر سیستمهای TQM (مدیریت کیفیت فراگیر) پرداخته خواهد شد. توجه به کیفیت آموزشی دانشگاهها نیاز به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی و نظارت و ارزشیابی دقیق دارد. بنابراین توجه به نیازهای جامعه، ویژگی‌های ارباب رجوع یعنی

دانشجویان و جامعه، تغییر و تحولات مستمر و دائمی، تمرکز بر روی کیفیت دروس و مطالب درسی در کتب همراه با توجه به محیط و محوطه‌های آموزشی، تجهیزات و وسایل، فضاهای آموزشی، کتاب و کتابخانه‌ها، آزمایشگاهها و بطور کلی توجه به خروجی « (Out puts) و نه صرفاً به ورودی» (In puts) از ویژگیهای TQM می‌باشد. در عین حال در این مقاله به بررسی ورودی‌های دانشگاهها از لحاظ جنسیت و عواقب ناشی از آن نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از آنجائیکه پیشرفت و توسعه کشور به دست انسانهای نخبه، زیرک و با تحصیلات عالی می‌باشد، پس سازمانهای آموزشی (چه آموزش و پرورش و چه دانشگاهها) که مسئولیت تعلیم و تربیت و پرورش نیروی انسانی را به عهده دارند، بایستی که مطابق معیار و میزانهای تعریف شده یعنی استاندارد و با کیفیت خوب باشند. توجه به کیفیت دانشگاهها و تدوین معیارها و ضوابط استاندارد، نه فقط باعث افزایش سطح رضایت جامعه و والدین و خود استفاده کنندگان از خدمات آموزشی یعنی دانشجویان می‌شود بلکه باعث تسهیل و آسان شدن کارها و وظایف اساتید، مدرسان و مدیران و مسئولین مربوطه و افزایش بهره‌وری یعنی افزایش سود نیز خواهد گردید که نهایتاً منجر به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور نیز خواهد شد. لذا توجه به زیر مجموعه‌های TQM مانند تلاش مستمر، پویا و دائمی در بهبود و اصلاح و مشارکت و همکاری در نظام آموزشی کشور و به روز کردن آنها به خاطر دیگر زیر مجموعه‌های آن یعنی ایجاد تأمین رضایت مصرف‌کنندگان و سلاقی آنها (مشتری گرائی) با عنایت به حفظ برتری و رقابت و با تمرکز بر نیازهای جامعه مورد نظر این مقاله می‌باشد. در این راستا مزایای حاصله از پیاده سازی مدیریت کیفیت جامع در نظام آموزشی کشور نیز توضیح داده خواهد شد.

واژگان کلیدی: مدیریت کیفیت فراگیر (TQM)، شاخص‌های پذیرش دانشجو، اعتباربخشی، استاندارد

نگاهی به نظام آموزش عالی ایران و دیگر کشورهای جهان

دکتر محمدحسین مشرف جوادی
استادیار مدیریت دانشگاه اصفهان
افسانه بهشتی
نفیسه محمدی اصفهانی

چکیده :

اکتشافات و اختراعات، حاصل تحقیقاتی هستند که عمدتاً در مراکز تحقیقاتی و مؤسسه‌های آموزش عالی انجام می‌شوند. بنابراین دانشگاه‌ها نقش به‌سزایی در عصر اطلاعات و مدیریت دانش بر عهده دارند.

تولید و اشاعه دانش و نقد آن، کارکردی است که عمدتاً از مؤسسات آموزش عالی، انتظار می‌رود. در سال‌های قبل و خصوصاً در دهه‌های میانی قرن گذشته، مسائل و مشکلات آموزش عالی، عمدتاً درونی بوده و بر اساس همین بینش، کمتر به چالش‌هایی که مرتبط با عوامل بیرونی سازمان‌ها است، پرداخته شده و اغلب در حیطه آموزش عالی به مسائل پرداخته می‌شد. فضای فیزیکی، آزمون ورودی، امکانات رفاهی برای دانشجویان و ... عمدتاً مسائلی درون سازمانی هستند. با پیشرفت تکنولوژی خصوصاً تکنولوژی اطلاعات - ارتباطات، دانشگاه‌ها در تعامل بیشتری با محیط پیرامون خود قرار گرفته‌اند و بر همین اساس ضرورت دارد با رویکردی چالش‌محور به آموزش عالی نگریسته شود. نحوه و چگونگی اشتغال دانش‌آموختگان، روند تغییرات جمعیتی نظام‌های حکومتی و بینش‌های سیاسی، پدیده فرار مغزها و ... از جمله چالش‌هایی هستند که نظام آموزش عالی در دوران معاصر با آنها در کشاکش می‌باشد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آموزش عالی، آسیب شناسی، فرار مغزها، تغییرات جمعیتی

مدیر دولتی کیست؟ و در کجا تربیت می شود؟

غلامرضا معمارزاده

هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

واحد علوم و تحقیقات

چکیده :

در این مقاله ابتدا مبانی علمی و قانونی مدیریت به عنوان یک رشته علمی مورد بحث قرار گرفته است و براین موضوع تاکید شده است که تحصیل در رشته مدیریت به معنای کسب قابلیت اداره سازمانها نمی باشد و اصولاً رشته های علمی از جمله مدیریت برای تربیت مدیر تدوین نشده است. متقابلاً جایگاه مدیر در سازمان از نظر علم و قانون نیز مورد بررسی قرار گرفته است و ضرورت آموزش و پرورش مدیران با سرفصلهای درسی متفاوت و مراکز آموزش جدای از دانشگاه تاکید شده است. در پایان ضرورت تربیت مدیران کارآمد با قابلیت های خاص بعنوان عامل اصلی توسعه پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، مدیریت، سرفصلهای دروس، دانشگاه ها

چالش‌های موجود رشته‌های مدیریت و ارائه مدل آموزش مدیریت چند مرحله‌ای

دکتر علی ملاحسینی

عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده :

هدف مقاله حاضر ارائه‌ی مثالی عملی از مدل آموزش مدیریت^۳ چند مرحله‌ای است. آموزش مدیریت که چند رشته‌ای، جهانی، و رفتاری است، جبران‌کننده‌ی بسیاری از چالش‌های مدیریت است، که ما در جهان کسب و کار و تجارت و سازمانهای امروز کشور با آنها مواجه می‌باشیم. مقاله حاضر به بحث در این خصوص می‌پردازد که آیا ما می‌توانیم مدیریت را آموزش دهیم، و اگر چنین است، چه مهارت‌های اصلی باید در دانشکده‌های مدیریت آموزش داده شود. همچنین این مقاله به بررسی کمبودهای برنامه آموزش رشته‌های مدیریت فعلی می‌پردازد، و برخی تغییرات لازم را پیشنهاد می‌دهد. مقاله حاضر مرور اجمالی و توصیفی و بررسی تاریخی این موضوعات و تکنیک‌ها است.

مهم‌ترین یافته‌ای که می‌توان از این مقاله استخراج نمود، این است که برنامه آموزشی مدیریت فعلی در گروه‌های آموزشی در بعضی جهات کافی نیست، و بیشتر بر آموزش‌های نظری و مفاهیم استوار است. از این جهت دانشکده‌های مدیریت لازم است که به احیاء برنامه‌های آموزش مدیریت پرداخته تا از این طریق برنامه‌های جدید ایجاد شود و بتواند به دانشجویان مهارت‌های پویا و عملی عرضه دارد، که با کمک این مهارت‌ها بتوانند مدیران کارآمدی برای آینده تربیت نمایند. باور محقق بر این است که مقاله حاضر با تلفیق آموزش مدیریت چندرشته‌ای، که سمت و سوگیری کاربردی داشته و رفتارگرایانه است، می‌تواند به طرز مؤثری به چالش‌های موجود در زمینه مدیریت سازمانهای کشور بپردازد.

واژگان کلیدی: مدیریت ، چالش‌ها، مدیریت چند مرحله‌ای

جغرافیا اولین دانش بشری و علم رفع نیازهای انسانی
(تباین جغرافیای اروپایی و قرآنی)

محمد کاظم مکملی

عضو هیات علمی دانشگاه زنجان گروه جغرافیا

چکیده

قبل از پرداختن به اهمیت علم جغرافیا، که می‌باید به طور علمی و منطقی به جوانان و نوجوانان تعلیم داده شود، ذکر این نکته ضروری است که ایران و ایرانی در همین چند دهه اخیر مطرح نشده‌اند. ایرانیان مردمی با فرهنگ دیرپا بوده و قرن‌ها، پیش قراولان دانش و فرهنگ جوامع بسیار قدیمی بوده‌اند و ایران از نظر استراتژیکی در موقع جغرافیایی خاصی قرار گرفته که محل اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا (دنیای قدیم) و محل تلاقی راههای ارتباطی این سه قاره بوده است. این موقع جغرافیایی باعث شده مبادلات فرهنگی شدیدتری ما بین جوامع در ساکن بر قدیم فراهم گردد و علاوه بر اینکه فرهنگ ایرانی دیگر فرهنگها را تحت تاثیر قرار داده خود نیز از فرهنگ دیگر جوامع متأثر شده است.

متأسفانه در چند قرن اخیر، ایرانیان به سوی نوعی سلطه‌پذیری و بیگانه پرستی کشیده شده‌اند، که جا دارد این ویژگی زشت و ناپسند را با تعلیم و آگاهی دهی منطقی مخصوصاً با گنجاندن مطالبی شایسته، نه تعصب‌آمیز در کتابهای درسی به جوانان و نوجوانان بیاموزیم که نه تنها چیزی کمتر از غربی‌ها ندارند، بلکه از آنان نیز باهوشتر، قدرتمندتر و با لیاقت‌تر هستند، به عنوان مثال به شواهدی در تاریخ و تاریخ ادبیات و فرهنگمان از جمله: مولوی، سعدی، حافظ، فارابی، بیرونی، بوعلی‌سینا، شیخ اشراق، ملاصدرا و جوانان شایسته موفق در المپیادهای علمی امروزی می‌توان اشاره کرد. ما امروز هر مطلب علمی را که از غرب می‌گیریم یا ترجمه می‌کنیم، برای اینکه آن ترجمه چاپ شده و زودتر به فروش برسد آنچنان با القابی اغراق‌آمیز از آن نویسنده یاد می‌کنیم که رکورد هر چه مداهنه و تملق را شکسته و به خود اختصاص می‌دهیم و با تأسف وقتی از یک ایرانی فرهیخته مطلبی ذکر می‌کنیم خیلی، لطف داشته باشیم با یک (علیه‌الرحمه) یاد می‌کنیم یا بدون آن: سعدی علیه‌الرحمه می‌گوید، یا حافظ چنین گفته و نظر بوعلی سینا این چنین است. ای کاش بتوانیم به خودی‌ها هم ارزش قائل شویم.

در سال ۱۳۷۶ طی نامه شماره ۱۹۵ - ۷۱۲ مورخ ۷۶/۲/۱۵، مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران، از جغرافیدانان کشور دعوت کرده بود که در سمینار پژوهشها و قابلیت‌های علم جغرافیا در عرصه سازندگی شرکت کنند، در قسمتی از این دعوت نامه آمده بود «مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران در راستای وظایف و مسئولیتهای خطیر خود به منظور معرفی بهتر و کاملتر جغرافیا ... مدعوین را به

ارائه مقاله در این زمینه فرا خوانده بود تا پس از گذشت قرن‌ها. در حال حاضر به تعریفی جامع و مانع از جغرافیا دست یابند»

لذا برای جغرافیا هنوز نتوانسته‌اند تعریفی جامع ایراد کنند که مورد قبول همه نویسندگان و دانشمندان این علم قرار گیرد، و در کتب مختلف تعریف‌های گوناگونی کرده‌اند که نقل همه آنها از حوصله این بحث خارج است، همین قدر با مراجعه به مآخذ و کتب مختلف بیش از یکصد تعریف از جغرافیا یاد داشت کرده‌ام که تقریباً اکثر آنها به رابطه انسان با محیط توجه کرده‌اند. حال برای رسیدن به تعریفی جامع و مانع و منطقی از این علم با توجه به نصوص صریح قرآن جا دارد با نگاهی دیگر به جغرافیا پرداخت تا به آن تعریف سنجیده برسیم.

واژه‌های کلیدی: جغرافیا، جغرافیا اروپایی، جغرافیای قرآنی، محیط، انسان، تبعیض، تفاهم، برابری، برادری و بهزیستی

آسیب‌شناسی تطبیقی دوره‌های میان رشته‌ای علوم انسانی

با تأکید بر رشته مطالعات زنان

دکتر ثریا مکنون

مدیر گروه بررسی مسائل زنان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از رشته‌های جدید علوم انسانی که اخیراً در ایران مورد توجه قرار گرفته، کارشناسی ارشد مطالعات زنان است که با چند گرایش در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی تدریس می‌شود. به طور کلی می‌توان دو نگرش حاکم بر این دوره آموزشی در دانشگاهها مشاهده نمود:

۱. **دیدگاه کلی‌نگر** که گرایشات حقوقی، فقهی و خانواده را در برمی‌گیرد و شامل دروس نظری از دیدگاه اسلام و تطبیق آن در زمینه‌های مشابه می‌باشد. سایر موضوعات مرتبط در این دوره آموزشی از همان زاویه حقوقی و با هدف نقد این موضوعات (به ویژه فمینیسم) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه اکثر دانشگاه‌های کشور رشته مطالعات زنان را با رویکرد فوق این دیدگاه را پذیرفته و به دلیل کلی‌نگری کمتر توانسته‌اند ارتباط منطقی بین حوزه نظر (دینی) و جایگاه علمی - کاربردی برای زنان را تبیین نمایند.

۲. **دیدگاه نسبی‌گرا** در دوره دانشگاهی مطالعات زنان که با تأسی به قوانین و خواست‌های زنان در غرب بنا نهاده شده و کاربردی به منزلت زن می‌نگرد، لکن به دلیل پیروی از پیش فرض تجربی و حسی آن هم نتوانسته برای موقعیت زنان ایرانی و مسلمان جایگاه مناسبی پیش‌بینی نماید.

۳. برای هماهنگی کلیه دروس میان رشته‌ای تأسیس رشته‌های جدید علوم انسانی از جمله مطالعات زنان به محور واحد شناخت شناسانه و هستی شناسانه پیشنهاد می‌گردد. تبیین ارتباط بین نظریه‌های گوناگون به جای ارزیابی و ملاحظه افقی ربط رشته‌های علمی و هم عرض دیدن آنها از اهداف نگرش سوم (مجموعه نگر) است. به عبارتی نقد نگرش فمینیستی از دیدگاه حوزوی و یا نقد جایگاه زن در اسلام از پایگاه فمینیستی هیچیک نمی‌تواند پایه و اساس تأسیس روشی جهت تولید الگوی مناسب و کارآمد حتی در سطح داخلی - برای زنان باشد.

مقاله حاضر پس از بررسی و نقد دو دیدگاه موجود در جامعه بطور کلی و در رشته مطالعات زنان بطور خاص، راه حل سوم را برای اجرای دوره آموزش عالی مطالعات و تحقیقات زنان در دانشگاهها با محور شناخت شناسانه و کاربردی اسلامی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آسیب شناسی، مطالعات زنان، میان رشته ای

آسیب شناسی و واکاوی نقش علوم انسانی در توسعه همه جانبه کشور

دکتر اصغر میرفردی هیأت

علمی دانشگاه یاسوج

چکیده:

توسعه پدیده ای چند بعدی است (تودارو، ۱۳۶۷). به عبارت دیگر، توسعه فقط اقتصادی نیست بلکه متأثر از نظام فرهنگی و بویژه ساخت نگرشی و ارزشی یک جامعه و افراد تشکیل دهنده آن می باشد (گروندونا، ۲۰۰۰). نظام فرهنگی جامعه، به عنوان پدیده ای اکتسابی، خود پیامد نظام تعلیم و تربیت اعم از رسمی و غیر رسمی می باشد. در این میان نظام تعلیم و تربیت رسمی به ویژه در سطوح عالی نقش بارزی در فراهم سازی زمینه های نگرشی و فرهنگی توسعه ایفا می نماید. ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، نیازمند علوم انسانی متناسب با توسعه می باشد. این مقاله با بهره گیری از داده ها و منابع موجود، درصدد است تا زمینه ها و همچنین موانع نقش آفرینی علوم انسانی در توسعه کشور را مورد ارزیابی قرار دهد. با توجه به ماهیت موضوع مطالعه، در این بررسی عمدتاً از روش اسنادی استفاده می شود و در صورت نیاز نگرش صاحب نظران و کارشناسان دانشگاهی در این زمینه مورد بررسی قرار می گیرد. با توجه به اینکه در زندگی اجتماعی همه ابعاد واجد اهمیت می باشند، توجه به نقش زمینه های علمی به ویژه علوم انسانی در توسعه جامعه ضرورت می یابد. این بررسی نشان می دهد که علوم انسانی در ایران در دهه های اخیر از نظر کمی رشد فزاینده ای داشته است. با این وجود، علوم انسانی نتوانسته است نقش و جایگاه واقعی خود را در توسعه جامعه ایفا نماید. علوم انسانی، بدلیل هویت موضوعی، می توانند مهمترین نقش را در شکل گیری و تحول فرهنگ عمومی جامعه داشته باشند و به جهت دهی برنامه های توسعه یاری رسانند.

بنظر می رسد که وجود بینش کمی گرایی و بی توجهی به علوم انسانی، عدم وحدت رویه در اولویت بندی مسائل از منظر علوم انسانی، کمبود فرصت های شغلی برای دانش آموختگان علوم انسانی و مشکل وجهه علوم انسانی در بینش فرهنگی جامعه از موانع نقش آفرینی علوم انسانی در توسعه جامعه می باشند. این مقاله در پایان پیشنهادهایی را برای بهبود نقش علوم انسانی در توسعه جامعه ارائه می نماید.

واژگان کلیدی: توسعه، علوم انسانی، ایران، نظام فرهنگی، تعلیم و تربیت
مطالعه تطبیقی برنامه درسی دوره دکتری رشته برنامه ریزی درسی ایران با دانشگاههای
خارج از کشور

دکتر محمد حسن میرزامحمدی
استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد

چکیده:

از بدو تأسیس دوره دکتری رشته برنامه ریزی درسی در دانشگاههای ایران حدود ۲۰ سال می گذرد و در این دوره تعداد قابل توجهی از دانشجویان در این رشته فارغ التحصیل شده و اکنون به طور عمده در دانشگاههای کشور به عنوان عضو هیات علمی فعالیت می کنند. با توجه به این مهم، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی وضعیت موجود برنامه های درسی این رشته در مقایسه با این برنامه ها در برخی دانشگاههای معروف جهان و ارائه راهکارهای بهبود برنامه های درسی رشته برنامه درسی در ایران می باشد. برای رسیدن به این هدف، پژوهش حاضر به شیوه تطبیقی و با استفاده از روش معروف جرج اف بردی انجام شده است. بدین ترتیب ابتدا وضعیت موجود برنامه های درسی دوره دکتری رشته برنامه های درسی در ایران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و آنگاه این وضعیت با برنامه های درسی این رشته در برخی دانشگاههای معروف جهان در این رشته یعنی فلوریدا، میامی، مینه سوتا و تگزاس مقایسه شده است. آنگاه بر اساس این مقایسه، راهکارهایی برای بهبود وضعیت برنامه های درسی دوره دکتری رشته برنامه ریزی درسی در ایران ارائه شده است.

واژه های کلیدی: برنامه ریزی درسی، برنامه درسی، دوره دکتری، دانشگاههای
خارجی، مطالعه تطبیقی

آسیب‌شناسی علوم انسانی و رشته‌های آن در کشور

مهدی میرلو

کارشناس ارشد فلسفه

چکیده :

محور اصلی مقاله حاضر پژوهش پیرامون آسیب‌شناسی مطالعات علوم انسانی در ایران است. آنچه که زمینه طرح چنین مسأله‌ای را در زمان حاضر فراهم می‌کند، ابهام در رسالت علوم انسانی در کشورمان است. مسلماً چنین ابهامی خود معلول فقدان شناخت از جایگاه اصیل علوم انسانی در ساخت اندیشه بشری و بالاخص جامعه است. یقیناً وضعیت ایستا حاکم در حوزه علوم انسانی امری است که بر هیچ کسی پوشیده نیست. فقدان تئوری پردازان و به تبع آن تئوری‌های نوین در جامعه و اکتفا به نقل برخی تئوری‌های جهان غرب آفتی است که امروزه ساختار نظام آموزشی بدان دچار شده است و این امر بیش از همه خود را در حوزه مطالعات علوم انسانی نشان می‌دهد. «نقل محوری» حاکم بر فضای دانشگاه‌ها، عرصه را بر «نقد محوری تنگ نموده و این امر دستاوردی جز مونتاژ کردن اندیشه‌های غربی برای ما نداشته است. فرزند نامیمون چنین شرایطی «از خود بیگانگی علوم انسانی در کشور است که به تفصیل بدان خواهیم پرداخت. در کنار این رکود حاکم بر حوزه مطالعات علوم انسانی، اتکاء و فخر برگزیده و دانشمندان اعصار پیشین و به تعبیری «گذشته پرستی» بیش از آنکه مفید باشد بسیار تعجب آور است.

متأسفانه در حال حاضر سه عنصر پویایی علوم انسانی که عبارتند از دغدغه جدید، مسأله جدید و رویکرد جدید در کشور ما دیده نمی‌شود. مسأله جدید مولود دغدغه جدید است و برای حل مسأله جدید مسلماً شیوه و رویکردی متمایز از شیوه‌های پیشین موردنیاز است.

در این مقاله با رویکردی تحلیلی انتقادی به مقولاتی همچون افزایش کمی و احدها و مراکز آموزشی بدون توجه به ارتقای کیفی آنها، عدم توجه به بومی نمودن مباحث و رشته‌ها، تقویت مطالعات بین رشته‌ای، عدم توجه به تخصص گرایی و مواردی از این قبیل خواهیم پرداخت.

کلید واژه‌ها: نقد محوری، نقد محوری از خود بیگانگی علوم انسانی، گذشته پرستی

خوش‌بینی - بدبینی و رضایت از زندگی در دانشجویان

سمانه ناطقیان

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی

دانشگاه شیراز

چکیده :

در این پژوهش هدف، بررسی رابطه خوش‌بینی و یا بدبین بودن دانشجویان با میزان رضایت آنها از زندگی است. خوش‌بینی - و رضایت از زندگی هر دو از مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت نگر هستند، که در این حوزه از روان‌شناسی تمرکز بر شناسایی توانمندی‌ها و پیشگیری از بروز اختلالات می‌باشد. همچنین قابل ذکر است که هر دو متغیر مورد مطالعه رابطه مستقیم نیرومندی با سلامت روان دارد.

جامعه مورد پژوهش دانشجویان دانشگاه شیراز می‌باشند که بطور تصادف ۱۲۸ نفر (اعم از ۶۹ دختر و ۵۹ پسر جهت آزمون فرض پژوهش انتخاب شدند. با توجه به تحقیقات قبلی، فرض بر این قرار گرفت که خوش‌بین‌ها از رضایت بیشتری در زندگی برخوردار خواهند بود. بنابراین، پس از جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از تست بازنگری شده جهت‌گیری زندگی و پرسشنامه رضایت از زندگی، و تحلیل داده‌ها با روش‌های آماری، نتایج فرضیه پژوهش را مورد تأیید قرار دادند. رابطه بین خوش‌بینی - بدبینی با رضایت از زندگی قویاً مورد تأکید قرار گرفت. تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین سن، رشته تحصیلی مشاهده نگردیده. اما تفاوت اندکی میان دو جنس در نمرات دیده شد. دخترها نسبت به پسرها خوش‌بینی کمتر و متعاقباً رضایت از زندگی پایین‌تری را نشان دادند. یافته‌های پژوهش با مطالعات مشابهی که در این زمینه انجام گرفته است، همسو می‌باشد.

واژگان کلیدی: خوش‌بینی، بدبینی، رضایت از زندگی، روان‌شناسی مثبت‌نگر

مقایسه احساس ذهنی بهزیستی بین دانشجویان دارای پدر

جانباز و بدون پدر جانباز

سمانه ناطقیان

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز

دکتر جواد ملازاده

استادیار بخش روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز

چکیده :

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان احساس ذهنی بهزیستی در فرزندان جانبازان و مقایسه آن با افرادی است که دارای پدر آسیب دیده از جنگ (جانباز)، نیستند، می باشد. بدین منظور، ۴۳۲ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز که ۱۸۰ نفر از آنها دارای پدر جانباز و ۲۵۲ نفر نیز فاقد این وضعیت بودند، انتخاب شدند. جهت اندازه گیری احساس ذهنی بهزیستی از دو پرسشنامه شادکامی آکسفورد و مقیاس رضایت از زندگی دیگر، استفاده شد. برای تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی، ضریب همبستگی، تحلیل رگرسیون چندگانه و آزمون t ، استفاده گردید.

نتایج نشان داد که آسیب دیدگی پدر، پیش بینی کننده میزان احساس ذهنی بهزیستی در نمونه مورد بررسی می باشد. به عبارت بهتر، بین دو گروه دارای پدر آسیب دیده و بدون آن، تفاوت قابل ملاحظه ای در برخورداری از احساس ذهنی بهزیستی وجود دارد. همچنین علاوه بر احساس ذهنی بهزیستی پایین در دانشجویان دارای پدر آسیب دیده، افراد این گروه، خود نیز رابطه معکوس قابل توجهی را بین میزان شدت آسیب دیدگی پدر و احساس ذهنی بهزیستی در همان سطوح پایین احساس ذهنی بهزیستی، نشان می دهند.

یافته های این پژوهش کاملاً با تحقیقات چندی که اخیراً بر روی سربازان جنگ ها و خانواده های آنها در حیطه روانشناسی مثبت نگر که یکی از مؤلفه های مهم آن احساس ذهنی بهزیستی به شمار می رود در کشورهای مختلف صورت گرفته است، همسو می باشد.

کلید واژگان: احساس ذهنی بهزیستی - سربازان جنگ (جانباز) - روانشناسی مثبت نگر

گزارشی از یک پژوهش چالش‌های رشته مشاوره در دانشگاه‌ها و راهکارهای آن

دکتر شکوه نوایی نژاد استاد دانشگاه تربیت معلم

چکیده :

از تاریخچه راهنمایی و مشاوره و برنامه‌های تربیت مشاوره در ایران حدود سی سال با یک دوره فترت ده ساله می‌گذرد. در این دوران دانشگاه‌ها به تربیت مشاور در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا پرداخته‌اند. بالاترین درصد این فارغ‌التحصیلان به ویژه در مقطع کارشناسی (۹۰ درصد) در مدارس به کار مشاوره گمارده شده‌اند از آغاز سال تحصیلی ۷۲ - ۱۳۷۱ بر اساس آئین‌نامه هدایت تحصیلی دانش‌آموزان نظام جدید متوسطه در سراسر کشور، برای این دوره دانش‌آموز پذیرفته شد و مسئولیت اصلی هدایت تحصیلی آنان به مشاوران واگذار شده است. این در حالی است که در برنامه‌های بدون تربیت مشاور دانشگاه‌ها به ویژه در مقطع کارشناسی از سال ۱۳۶۷ تاکنون جز در جابجایی تعداد واحدها تغییر بنیادی صورت نگرفته است. تحقیقات گسترده داخلی (شریفی ۱۳۷۴، بهنیا ۱۳۸۳، نوایی نژاد ۱۳۸۱) نشان می‌دهد که برنامه‌های تربیت مشاور دانشگاه‌ها، دانش و مهارت‌ها و فنون لازم و کافی جهت انجام وظایف و مسئولیت‌های مشاوران به ویژه در مدارس را ارائه نمی‌دهد. نقش مشاوره متأثر مهارت‌ها و دانش‌های حرفه‌ای و تخصصی و کارآموزی‌هایی است که در دوران تحصیلی آموخته است که می‌بایست در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌ها و نقش تعیین شده در حرفه او باشد امروز گرایش‌های جدی در ارتباط با نیازهای واقعی حرفه‌ای - شغلی مشاوران در مدارس وجود دارد. بر این اساس نگارنده با احساس ضرورت پژوهش در زمینه چالش‌های رشته مشاوره در دانشگاه‌ها و راهکارهای آن، اقدام به انجام آن نمود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برنامه‌های فعلی تربیت مشاور در دانشگاه‌های کشور نیازهای حرفه‌ای و شغلی مشاوران در مدارس متوسطه نظام جدید را برآورده نمی‌سازد. به بیان دیگر بین آنچه در دانشگاه‌ها در برنامه‌های تربیت مشاور آموخته می‌شود با نیازها و انتظارات آموزش و پرورش فاصله بسیار دارد. و اساساً این برنامه‌ها با استانداردهای جهانی برنامه‌های تربیت مشاور در دانشگاه‌های معتبر جهان همخوانی زیادی ندارد.

مقاله در نهایت حاوی پیشنهاد و راهکارهایی جهت مقابله و رفع این چالش‌هاست.

واژگان کلیدی: رشته مشاوره، مدارس متوسطه، راهکارها، دانش‌های حرفه‌ای

آسیب‌شناسی آموزش حقوق چالش‌ها و راهکارها

دکتر هادی وحید

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

حقوق نه تنها به عنوان شاخه‌ای از معرفت (علم حقوق) بلکه به عنوان یک پدیده اجتماعی (نظام حقوقی) جایگاه مهمی در فرهنگ و ساختمان زندگی مدنی انسان دارد. همگام با نوگرایی در کشور به دنبال تحولات سیاسی و نهضت تدوین قانون که از یک قرن پیش شدت یافت، آموزش حقوق در سطوح عالی از اولویت‌های تربیت کارشناسان و کارگزاران نظام جدید مدیریت سیاسی اجتماعی شناخته شد به همین جهت پیشینه «مدرسه عالی حقوق» که بعدها هسته اصلی تشکیل دانشکده حقوق قرار گرفت به قبل از تاسیس دانشگاه تهران باز می‌گردد.

هدف عمده در برنامه‌ریزی آموزشی در رشته حقوق، تربیت کارشناسانی در این رشته بود که بتوانند با دانش اندوخته شده کارپرداز دستگاه جدید قضایی اداری کشور باشند. این رویکرد که عمدتاً مبتنی بر جنبه عملی و کاربردی حقوق در حد نیاز این مراکز است ناشی از ضرورت تامین نیروی انسانی لازم برای اداره این دستگاه‌ها بود و سیاست آموزشی و برنامه‌ریزی درسی نیز از همین منطق پیروی می‌کرد. محصول این تجربه، تاکید بیشتر بر نوعی دانش فنی در حوزه حقوق بود تا بر آنچه که به معنای دقیق کلمه «دانش حقوق» است.

اینکه پس از گذشت بیش از یک قرن از این تجربه، احساس می‌شود که معماری آموزش حقوق متناسب با شرایط فعلی و نیازهای جدید به تجدیدنظر احتیاج دارد. قلمرو این تجدیدنظر، هم ماهیت و مواد درسی موجود را در برمی‌گیرد هم کیفیت و روش آموزشی را این بازنگری مستلزم طرح و تنظیم جدیدی از مقاطع عمومی و تخصصی آموزش حقوق در مراحل کارشناسی و تحصیلات تکمیلی نیز خواهد بود.

در بخش مربوط به مواد درسی، توسعه و تکمیل مجموعه‌ای از درونی که می‌توان آنها را «مطالعات انتقادی حقوق» نامید پیشنهاد می‌شود که بتوانند در کنار درسهای مربوط به حوزه «مطالعات فنی حقوق» موجب تعمیق بیشتر در شناخت و کاربرد حقوق به عنوان شاخه‌ای از معرفت و به عنوان دانش فنی گردد.

از نظر روش، همراه کردن آموزش نظری و تلفیق عملی از یک سو و تاکید بر جنبه‌های میان رشته‌ای در بخش‌هایی از حقوق از سوی دیگر، دانش آموختگان را بطور واقعی‌تری با واقعیت حقوق آشنا می‌سازد.

تخصصی‌تر کردن آموزش در مقطع کارشناسی با پیش‌بینی سال چهارم به عنوان یک دوره تخصصی (ماستر ۱) بعد از سه سال آموزش عمومی، موجب می‌شود بتوان دوره آموزش در مقطع کارشناسی ارشد را (ماستر ۲) که گاهی عملاً به بیش از دو سال طول می‌کشد به یک سال تقلیل داد در حالی این دوره یک ساله می‌تواند با داشتن یکی از دو گرایش پژوهشی (ماستر ۲ پژوهشی) و حرفه‌ای (ماستر ۲ حرفه‌ای) کاربردی‌تر و هدفمندتر باشد. دانش آموختگان کارشناسی ارشد با گرایش پژوهشی می‌توانند برای تکمیل تحصیلات خود راهی مقطع دکتری شوند و فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد با گرایش حرفه‌ای می‌توانند زودتر و هماهنگ‌تر با نیازهای موجود جامعه جذب بازار کار شوند.

علاوه بر تاکید نسبت به تجدیدنظر در ماهیت، شکل، محتوا، منطق و ساختار آموزش حقوق در سطوح عالی دانشگاهی می‌بایست به دغدغه آموزش عمومی حقوق به منظور بالا بردن فرهنگ حقوقی عامه مردم از یک سو و آموزش حقوق در سطوح پیش دانشگاهی از سوی دیگر نیز توجه داشت.

کلید واژه‌ها: حقوق - آموزش عالی - مطالعات میان رشته‌ای - مطالعات انتقادی - حرفه حقوق - پژوهش حقوق - منطق حقوق - لیسانس - ماستر - دکتری

محور هفتم:

راه کارهای ارتقاء علوم انسانی و رشته های آن در کشور

موضوعات:

- ترویج تفکر انتقادی و خلاق
- بازنگری در جایگاه علوم انسانی در نظام آموزشی و پژوهشی کشور
- بازنگری در جایگاه علوم انسانی در فرهنگ عمومی
- توجه به علوم انسانی در رسانه‌های عمومی
- تبیین مسائل و مشکلات رشته‌های علوم انسانی در دانشگاهها و مراکز پژوهشی
- تبیین اهمیت علوم انسانی برای عامه، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان

نقش علوم انسانی و رشته‌های آن در ارتقاء فرهنگی و اجتماعی جامعه

محمد رضا ارشد

چکیده :

بی‌شک انسان اشرف مخلوقات است و این شرافت و برتری را به خاطر عقل و معرفت خود به دست آورده است به همین منظور باید برای استفاده صحیح از عقل خود خودش را بهتر بشناسد. شناخت عملی انسان یکی از شرایط مهم سعادت فردی و اجتماعی او می باشد، این شناخت علمی به عهده علوم انسانی می‌باشد در این مقاله سعی می‌شود نقش علوم انسانی در ارتقاء فرهنگی و اجتماعی جامعه بررسی شود ابتدا، تعریفی از علوم انسانی بیان می‌شود علوم انسانی همان شناخت علمی انسان می‌باشد. علمی که به مطالعه اراده و نفسانیات انسان و تأثیر آن بر رفتار می‌پردازد و در این مقاله سعی می‌شود اهمیت علوم انسانی در شناخت غرایض انسانی و آموزش نحوه ارضاء و کنترل آنها بیان شود هر چه که این غرایض توسط علوم اجتماعی بهتر شناخته شوند و قوانین اجتماعی مناسب با آنها توسط علوم انسانی طرح‌ریزی شود زمینه ارتقاء فرهنگی بهتر فراهم می‌شود همچنین اهمیت علوم انسانی در ایجاد و رشد ارزشهای عمومیت یافته متناسب با روحیه صنعتی جامعه بیان می‌شود بطور کلی اهمیت علوم انسانی در فراهم کردن شرایط نظم اجتماعی، تعهد اجتماعی، حس مسئولیت پذیری، داشتن تعاملات گرم، اخلاق حرفه‌ای، ایجاد انسجام و یکپارچگی و ایجاد روحیه نقد و انتقادپذیری بیان می‌شود که این ویژگیها شرایط ارتقاء فرهنگی و اجتماعی جامعه را فراهم می‌کند.

کلید واژه‌ها: علوم انسانی، فرهنگ، روابط اجتماعی، نظم اجتماعی، تعهد اجتماعی، ارزشهای عمومیت یافته، تعاملات گرم، اخلاق حرفه‌ای، انسجام و یکپارچگی، قوانین، غرایض انسانی

«علوم انسانی و جایگاه آن در نظام آموزشی ما»

(حوزه ادبیات و زبانهای خارجی)

دکتر اکبر اصغری تبریزی

استاد ادبیات فرانسه دانشگاه آزاد اسلامی (واحد خوراسگان)

چکیده :

از همان لحظه‌ای که پروردگار عالم اراده فرمود تا از خلوت با عرشیان در آید و جمال جمیلش را بر فرشیان متجلی سازد، علوم انسانی نیز پدیدار گشت، چه در همان لحظه مبارک بود که به تعبیر قرآن کریم همه «اسماء» را به اولین مخلوق و اولین رسول خویش حضرت آدم (علی نبینا و آله علیه السلام) تعلیم داد: «و علم آدم الاسماء کلها» (آیه سی و یکم از سوره بقره) و از بین این «اسماء» که به ظن یقین کل معارف اول و آخر جهان هستی را شامل می‌گردد علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، چرا که علوم مزبور به نام نامی انسان، که به شهادت همه ادیان الهی جلوه‌ای است از جلال و جمال رب، گره خورده و از این ناحیه شرفی ویژه یافته است. این لفظ قرآنی «اسماء» علاوه بر مدلول رایج و متعارف آن که همان نامهای جلاله خداست و در جایی دیگر با عبارت «اسماء الحسنی» نیز تکرار شده است (و الله الاسماء الحسنی ... (الخ) آیه ۱۸۰ از سوره الاعراف)، به نظر می‌رسد در مفهومی خاص و رمز آلود با لفظ «کلمه» یا به جمع آن «کلمات» ملازمتی نزدیک داشته، چه این لفظ نیز کراراً در کتاب آسمانی ما در قالب مضامینی گاه متفاوت و گاه مترادف آمده است.

اگر ما هم اکنون در جامعه به طرز غم‌انگیزی شاهد رویگردان شدن جوانان و حتی قاطبه‌ی مردم از کتاب و کتابخوانی هستیم ریشه‌ی آنرا باید همانا در نظام غلط آموزشی خودمان جستجو کنیم که از امتحانات متأسفانه غولی برای دانش آموزان و دانشجویان ساخته است، چیزی که جز تشویش و اضطراب و انواع بیماریهای روحی- روانی برای آنان به ارمغان نمی‌آورد. در صورتیکه ما می‌توانستیم این مایه‌ی تشویش و اضطراب (یعنی امتحانات) را با سنجش و ارزشیابی مستمر آموخته‌های دانش آموزان و دانشجویان در سر کلاس درس توسط مسئول همان درس بطور متناوب (یک جلسه تدریس، یک جلسه کنترل آموخته‌ها) جایگزین کنیم و با این کار ضمن روح بخشیدن به کلاس درس، عشق و ذوق مطالعه‌ی آزاد و تجزیه و تحلیل شخصی را نزد آنان تقویت

و قوه تمییز و تفکر و تصور را در آنان پرورش دهیم و این یعنی پاسداشت حرمت و کرامت انسان، انسانی که تصویری است از صورت، یا نفخه‌ای است از روح خدا.

کلید واژه ها: علوم انسانی ، نظام آموزشی، کلمه، امتحان، اضطراب و تشویش

ترویج تفکر انتقادی و خلاق

پریسا ایران نژاد

عضو دانشگاه آزاد کرج

چکیده :

در جهان پیشرفته و متمدن امروزی همواره سخن از کلماتی به میان می آید که در نظر اول کاملاً موجه ، منطقی و انسان دوستانه می باشد، ولی وقتی این گونه کلمات جامه عمل بر تن می کنند، به شکل رفتارهای تبعیض آمیز، ناعادلانه و غیر موجه تجلی می نمایند. این گونه تضاد فکری و عملی از درون افراد در زندگی شخصی و اجتماعی آنان برخاسته و جوامع بشری را در بر می گیرد. کلماتی چون آزادی، تساوی حقوق بشر، عدالت، درستکاری و تفکر منطقی. تفکر نیز از آن جمله کلماتی است که ظاهر فریبنده و باطن مبهم و پیچیده ای دارد .

تفکر در واقع تلاش سنجیده ای است که در جهت شکل دادن، بیان و تکوین مداوم جملات نامفهوم ذهنی صورت می گیرد . به عبارت دیگر برای رسیدن به یک فهم مشترک و درک مشابه از امور نیازمند سعی و تلاش وسیع ذهنی هستیم . در یک جامعه دموکراسی ابتدا افراد باید به فهم مشترکی در ارتباط با حقوق، وظایف و تکالیف خود دست یابند که نیازمند استفاده از آموزش و روشهای منطقی و معقول می باشد .

جهانی که ما در آن زندگی می کنیم محلی است برای دیدن، شنیدن و تبادل نظر که باید برای سازگار شدن با محیط و همینطور پدیده هایی که واقعیت نامیده می شوند، وارد شبکه های ارتباطی وسیعی شد. بنابر این لازم است که واقعیتهای شناخته، فهمیده و بعنوان تجربه تفسیر گردند. کیفیت آینده فرد و جامعه کاملاً بستگی به نوع تفکر آنها دارد. وظیفه سنگین برقراری ارتباط مناسب و درست بین جوامع انسانی بر عهده علوم انسانی و متخصصان آن رشته می باشد .

در نتیجه بر دانشمندان و مربیان علوم انسانی است که به منظور حفظ شئون انسانی و رسیدن به فهم و درک مشترک جهانی به پاخاسته و با نظریات جدید در رشته های مختلف علوم انسانی راه سعادت و تعالی را برای رسیدن به کمال انسانی هموار سازند. این امر محقق نخواهد شد مگر در

سایه بررسی عمیق در تفکر نوع بشر و پرداختن به آموزش مهارت‌های تفکر بخصوص تفکر انتقادی و خلاق .

کلید واژه ها: تفکر انتقادی ، تفکر خلاق، درک مشترک جهانی مفاهیم، علوم انسانی

ترویج تفکر انتقادی و خلاق راهکارهای برای ارتقاء علوم انسانی

آمنه بختیاری

چکیده :

در جهان کنونی متأسفانه متناسب با اهمیت اندیشه و نقش سرنوشت ساز آن در آینده ، به تفکر بها داده نشده است و کماکان مهارت های فکری در زمره آموزش و پرورش در نیامده است و در این راستا ضرورت تدریس درست اندیشی ، تفکر خلاق ، تفکر انتقادی و مهارت های آن در طول دوران تحصیل کاملاً مشهود است . دکتر ادوارد دبونوبنیانگذار تفکر جانبی معتقد است : « تفکر سرچشمه اصلی تمامی نیروهای انسانی است و هر قدر در آن متبحر شده باشیم باز هم باید بخواهیم که بهتر و بهتر بیندیشیم » . لیکن افراد دارای تحصیلات عالیه آنقدر سرگرم آموختن تفکرات دیگران هستند که خود فرصت فکر کردن ندارند.

در این مقاله تلاش خواهد شد هدف حاکم بر الگوی تفکرانتقادی و خلاق یعنی تربیت دانش آموزان متفکر ، معلمان متفکر و مدارس آموزشی تفکرمدارمورد تحلیل قرار گیرد .

کلید واژه ها : علوم انسانی، ترویج ، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، ارتقاء ، راهکارها

بازنگری در سرفصل دروس، نیاز امروز راهنمای فردا

دکتر سعید بزرگ بیگدلی

استادیار

چکیده :

یکی از اساسی‌ترین مباحث در نظام آموزش عالی برنامه‌ریزی درسی است. سابقه‌ی موضوع مبین آن است که در آغاز تکوین آموزش عالی کشور در شکل جدید، برنامه‌ریزان درصدد آن بوده‌اند که ضمن تهیه و تنظیم سرفصل دروس برای رشته‌های دانشگاهی بتدریج با گسترش مراکز آموزش عالی سرفصل‌های رشته‌های درسی بویژه رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی را بصورت یکسان برای همه مراکز آموزش عالی به اجرا درآوردند. این رویکرد باعث شکل‌گیری شورای عالی برنامه‌ریزی در وزارت علوم و آموزش عالی گردید که در جای خود باعث تنظیم امور در این حوزه و نظارت بر برنامه درسی رشته‌های تحصیلی در دانشگاه‌های کشور گردید، لیکن این روش مثل هر روش دیگر تمرکز گرایانه برغم برخورداری از نکات مثبت نقاط ضعف عمده‌ای نیز داشته است. از جمله این ضعف‌ها می‌توان به محدودیت تعداد اعضای کمیته‌های تخصصی و در نتیجه عدم مشارکت همه‌ی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مجری آن رشته در برنامه‌ریزی‌های درسی، لحاظ نکردن مقتضیات هر دانشگاه و بالطبع گروه مربوط در برنامه‌ریزی و تنظیم سرفصل‌ها، محدود کردن متون و منابع مورد استفاده به برخی آثار خاص، گرایش نشدن رشته زبان و ادبیات فارسی و به تبع آن محدود شدن تدریس و تحقیق در بعضی از حوزه‌های ادبیات و هماهنگ نبودن با نیازهای جامعه و مقتضیات روز در این رشته اشاره کرد که در تمرکزگرایی گریبانگیر این رشته گردیده است. سیاست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سالهای اخیر در واگذاری اختیارات بیشتر به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بویژه برنامه‌ریزی درسی موجب شروع تحولاتی اساسی در رشد کیفی فعالیت‌های علمی در دانشگاه‌های کشور بوده است که در صورت تداوم این سیاست‌ها و حمایت جدی از آن می‌تواند در این عرصه تأثیری مهم داشته باشد. در این مقاله نگارنده کوشیده است ضمن بیان پیشینه‌ای کوتاه از برنامه‌ریزی درسی بویژه تنظیم و تدوین سرفصل دروس در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی در ادامه ضمن تشریح اهمیت موضوع راهکارهایی در جهت

برنامه‌ریزی بهتر در این زمینه با هدف ارتقای سطح کیفی رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی پیشنهاد دهد.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی درسی - سرفصل دروس - آموزش عالی - زبان و ادبیات فارسی

بستر سازی افزایش اثربخشی یادگیری با کاهش موانع ادراک متقابل از مقاصد

برنامه‌ریزی محتوای کتاب‌های درسی، تدریس استاد و یادگیری دانشجویان

دکتر محمدرضا بهرنگی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده :

در پیشینه تدریس و یادگیری اصطلاحات گوناگون و گیج‌کننده‌ای برای مفهوم مقاصد بیان شده است. به طور مثال، وارینگ (۱۹۹۹) و پتی (۱۹۹۸) هدف‌های رفتاری آموزشی و پرورشی و پی‌آمدهای یادگیری را در معنای مشابه برای مقاصد به کار به کار می‌برند. هدینگتن (۲۰۰۰) هدف‌های رفتاری (آنچه که معلم می‌خواهد در تدریس خود انجام دهد) را از پی‌آمدهای یادگیری (آنچه که شاگرد در واقع یاد گرفته) متمایز می‌سازد. پتی عنوان هدف‌های مشخص اسمارت را در معنای مشابه برای ستانده به کار می‌برد که هر حرف آن در انگلیسی به ترتیب به معنای مشخص، قابل سنجش، مقبول، واقعی، محدود به زمان می باشد. برای طراحی پیشرفت شاگرد با نیازهای ویژه در رسیدن به پی‌آمد اسمارت کلمه هدف نشانه شده را در اغلب اوقات به کار می‌برند. رابرت می‌گر از چهار حرف الفبای زبان انگلیسی یعنی ABCD که هر حرف نشان دهنده یک اصطلاح برای توصیف هدف رفتاری است استفاده می‌کند. معادل این چهار حرف در زبان فارسی کلمه «مرشد» است که هر حرف آن برگرفته از اول کلمات مخاطب یعنی شاگرد، رفتار، شرایط، و درجه مناسب برای یادگیری یک مفهوم درسی است.

از سال ۱۹۶۴ تاکنون نویسندگان بسیاری از طبقه‌بندی هدف‌ها سخن گفته‌اند. طبقه‌بندی هدف‌های مشخص در نتیجه گردهمایی معاونان آموزشی دانشگاه‌های معتبر آمریکا در سال ۱۹۵۶ توسط بنیامین بلوم در سه حیطه شناختی (مهارت‌ها و توانمندی‌های عقلی) و عاطفی (ارزش‌ها و نگرش‌ها) و روان حرکتی تدوین و معرفی شد. هدف‌های مشخص به رفتارهای قابل مشاهده و نه تدریس چند برابر می‌سازد. این مقاله به منظور کاهش این پیچیدگی اصطلاح هدف در حال حاضر را برای هدف کوتاه مدت رفتاری و هدف فراحال میان مدت را برای هدف جزئی و هدف فراحال بلند مدت را برای منظور انتخاب کرده و از آن در بستر سازی افزایش اثربخشی یادگیری با کاهش موانع ادراک متقابل از مقاصد برنامه‌ریزی محتوای کتاب‌های درسی، تدریس استاد و یادگیری

دانشجویان استفاده می کنند. براساس الگویی معرفی شده می توان ارتباط بین ادراک استاد از محتوای درس، ادراک او از یادگیری در موقع تدریس و ادراک شاگرد از محتوا و روش یادگیری را همساز نمود. درک متقابل این عناصر موجب کاهش ابهامات و نزدیکی بین آنها و افزایش اثربخشی آموزشی می شود.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، علوم تربیتی، افزایش اثربخشی، موانع ادراک، کتابهای درسی، دانشگاهها

بررسی شرایط رشته‌های علوم انسانی در بهره‌گیری از رویکرد یاددهی - یادگیری خلاق

دکتر افضل‌السادات حسینی
عضوت هیئت علمی دانشگاه تهران

چکیده :

دانشگاهها با توجه به نوع برنامه‌ها، اهداف، محتوا و امکانات آموزشی نقش مؤثری در فعال‌سازی یا تخریب توانایی خلاق افراد دارند. با توجه به سرعت تولید علم و آینده ناشناخته‌ای که فرا روی بشر قرار دارد، لازم است دانشگاه نیز به صورتی هماهنگ با این تحولات به بازنگری در برنامه‌ها و راهبردهای آموزشی خود پرداخته و راهبردهای آموزشی خلاق و مبتنی بر مسئله‌مداری را محور فعالیت آموزشی خویش قرار دهد. راهبردهایی که ماهیتاً مبتنی بر فعالیت و مشارکت یادگیرنده است. فعال‌نمودن دانشجویان در جریان یادگیری نقشی اساسی در پرورش قدرت تفکر و ترویج توانایی خلاق آنها دارد، مشارکت یادگیرنده در جریان یادگیری، شاخص اثر بخشی آموزش است. در کلاسی که یادگیرندگان، فعال باشند، خود به صورت خودجوش به دنبال کشف و حل مسائل رفته و به ابداع و نوآوری می‌پردازند.

در این مقاله گزارش پژوهشی ارائه می‌شود که به مقایسه رشته‌های فنی - مهندسی، منابع طبیعی علوم انسانی در دانشگاه در زمینه میزان بهره‌گیری از روشهای یاددهی - یادگیری مبتنی بر مسئله‌مداری است، می‌پردازد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین دانشکده‌های مختلف از نظر به کارگیری راهبردهای مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد به صورتی که در دانشکده‌های فنی - مهندسی، منابع طبیعی، بیشتر از راهبردهای آموزشی مبتنی بر مسئله‌مدارانه استفاده می‌شود. لذا ضرورت بازنگری و تغییر برنامه‌ریزی راهبردهای یاددهی یادگیری در رشته‌های علوم انسانی در جهت تولید دانش کاملاً محسوس است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، علوم تربیتی، یادگیری خلاق، یاددهی، دانشگاه ها

راهکارهای ارتقای علوم انسانی و آسیب‌شناسی آن

دکتر بتول خسروی

عضوت هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد پرند

چکیده :

بی‌تردید از عناصر تأثیرگذار بر فرهنگ و اندیشه یک سرزمین علوم انسانی است، که در طول زمان با دگرگون شدن علوم دیگر متحول گردیده است. علوم انسانی اگرچه از غنای کافی برخوردار بوده است ولی در سیر تحول فکری جوامع در این مرز و بوم نتوانسته است جایگاه مناسب خود را بدست آورد. برهه روش است که هرگونه تغییر و دگرگونی در ساختار علوم تجربی و ریاضی بدنبال خود تغییر قابل توجهی در نگرش به فرهنگ و اندیشه جامعه خواهد گذاشت، در حالی که علوم انسانی باید بینش زمینه هر تحولی باشد و این مهم خود مستلزم حضور علوم انسانی همپای دیگر علوم است. نگارنده در این مقاله تلاش دارد ابتدا با تعریف صحیح علوم انسانی به نقش و جایگاه آن در روند رشد و بسط تفکر به طور اعم و گسترش تفکر اسلامی به طور اخص پردازد آنگاه با توجه به عمل ناکارآمدی علوم انسانی در حوزه‌های مختلف به ارائه راههای مناسب رفع این علل همت گمارد. به طور خلاصه به این علل می‌توان اشاره نمود:

- نداشتن نظریه‌پردازی قوی و دقیق در راستای تعریف درست و گویا از این علوم و بیان نقش آن در اعتلای جوامع

- بی‌رغبتی نیروهای توانمند به واسطه شفاف نبودن آینده اجتماعی آن افراد

- روشمند نبودن آموزش در سطوح مختلف که در نهایت به تنبیلی ذهن، نداشتن توانایی تحلیل صحیح از مطالب و نیز نبود تفکر خلاق و نقاد می‌انجامد

- فاصله گرفتن رشته‌های علوم انسانی از علوم تجربی و ریاضی و مهجوریت علوم انسانی بواسطه موانع اجتماعی، ساختار متون و ...

- حضور نداشتن علوم انسانی در متن زندگی و به حاشیه رفتن و تدریس نمودن آن بدون شناخت نیازهای جامعه که به ناکارآمدی این علوم در رفع مشکلات جامعه می‌انجامد

بنظر می‌رسد که با شناخت و توسعه روشهای آموزش علوم انسانی در مقاطع مختلف به تسهیل و بهبود آنها پرداخت و با بیان منطق مناسب این علوم و زبان آشنا به فهم دقیق و عمیق متون پرداخت و با تربیت متخصصان به زیر شاخه‌های متعدد در هر رشته که به تنوع در این رشته و گرایش بسوی آن کمک می‌نماید، همت گماشت.

کلید واژه: تحول، پیش‌فرض، بسط تفکر، نظریه‌پردازی، تفکر خلاق، مهجوریت، ساختار متون.

بایسته‌های سیاسی جامعه علم محور

احمد درستی

چکیده :

علم و دانش درختی نیست که بر هر خاکی بروید و در هر شرایطی بر خود بیابد و رشد یابد. توسعه و گسترش علم، به بسترها و زمینه‌های مناسبی نیازمند است و تا زمانی که این زمینه‌ها، مهیا نشود، رشد و گسترش آن نیز امکان‌پذیر نخواهد بود. جوامع بشری، بستر پیدایش و مهد پرورش علم و دانش است اما برخی از جوامع بهتر و بیشتر از بقیه در توسعه آن توفیق پیدا نموده‌اند. بعضاً نیز جوامعی بوده‌اند که در مقاطعی، از تاریخ خود بازار علم و دانش را رونق بخشیده‌اند اما بعد از مدتی، رکود و جمود بر آنها حاکم شده است.

مقاله حاضر می‌کوشد زمینه‌ها و شرایط و عوامل بیرونی گسترش علم را مورد بررسی قرار دهد، و در این راستا، جامعه‌ای را که زمینه‌های مساعد گسترش علم را فراهم می‌آورد، جامعه علم محور می‌نامد و تلاش خواهد شد که ویژگی‌های عمومی این جوامع را با بهره‌گیری از ۲ عامل مشخص نماید: نخست جوامعی که در توسعه علم موفق بوده‌اند بطور موردی بررسی نموده و ویژگی‌های اجتماعی آنها استخراج خواهد نمود، دوم: بر بررسی نظریه‌های رایج در فلسفه علم، ویژگی‌های خاص علم و دانش علوم انسانی را استخراج و شرایط اجتماعی مناسب برای آنها را بیان خواهد کرد. اما از آنجا که دولت و سیاست، از جایگاه بسیار اثرگذاری در طول تاریخ ایران برخوردار بوده است و نقش اساسی در توفیق یا عدم توفیق جریانهای اجتماعی و فرهنگی برعهده داشته است و کماکان این نقش خود را حفظ نموده و گستره نهادی، تنوع کارکردی و تصدی‌گری گسترده آن، گویای اهمیت و میزان اثرگذاری آن در فرایندهای اجتماعی و فرهنگی است، و از سویی نیز میان دانش و قدرت در همه جوامع بشری ارتباط وثیق و تنگاتنگی وجود داشته و دارد و در مورد ایران، بنا به دلایل متعدد تاریخی و اجتماعی این ارتباط گسترده تر و عمیق‌تر بوده است، لذا در نوشته حاضر تلاش خواهد شد، بر شرایط و زمینه‌های سیاسی مؤثر در توسعه دانش تمرکز شود و با توجه ۲ عامل یاد

شده (مطالعه موردی جوامع دانش محور و ویژگی‌های کلی علوم انسانی)، بایسته‌های سیاسی چنین جامعه‌ای استخراج گردد. ناگفته پیداست، کل این نوشته طرحواره‌ای است برای دعوت از صاحب‌نظران و نویسندگان جهت اندیشیدن در شرایط اجتماعی و سیاسی توسعه علمی و نگارنده مدعی ارائه نظریه‌های بسیار دقیق در این خصوص نمی‌باشد، و تدوین نظریه‌ای علمی از مجال این نوشته و از حد بضاعت نویسنده خارج است.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، بایسته‌های سیاسی، گسترش علم، بایسته‌های درونی و بیرونی

مدل مفهومی نقش فناوری کامپیوتر و اینترنت در ترویج و تشویق تفکر انتقادی و خلاق در دانش‌آموزان

دکتر جهانبخش رحمانی عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد خوراسگان (اصفهان)

چکیده:

فرآیند منظم ذهن در تفکر، تحلیل، ترکیب و ارزیابی فعالانه و ماهرانه اطلاعات گردآوری شده که بعنوان راهنمای عمل و اعتقاد فرد محسوب می‌گردد را تفکر انتقادی می‌نامند. تفکر انتقادی شیوه‌ای از تفکر در مورد هر چیز، محتوا یا مسئله‌ای است که در آن فرد کیفیت تفکر خود را به وسیله تحلیل ماهرانه، ارزیابی و بازسای آن، بهبود و ارتقاء می‌بخشد. ترویج و تشویق تفکر انتقادی یکی از الزامات اساسی و مهم یک جامعه دموکراتیک است تا با استفاده از آن دانش‌آموزان به کمک فناوری کامپیوتر و اینترنت به منابع مختلف اطلاعاتی دست یافته و علاوه بر کتاب و جزوات درسی و یا مباحثی که در کلاس از طرف معلم مطرح می‌شوند سایر دیدگاه‌ها و نظرات را مورد مطالعه، تحلیل، ترکیب مجدد، ارزیابی و تأمل قرار دهند. در این صورت است که کتاب درسی برخلاف روشهای سنتی، یگانه محتوای آموزشی محسوب نگردیده و معلم نیز به جای انتقال دادن اطلاعات به دانش‌آموزان در نقش یک کمک کننده به آنها در ساختن دانش‌شان ظاهر می‌گردد.

تفکر خلاق یا مولد نوعی از تفکر است که ایجاد بینشهای جدید، رویکردهای نو، چشم‌اندازهای تازه، راههای جدید و یکپارچه فهمیدن و ادراک را موجب می‌شود. در فرآیند خلاقیت غلبه با تفکر واگرا در مقابل تفکر همگرا است. تفکر واگرا ویژگی مهم خلاقیت و آفرینندگی است. فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی از قبیل کامپیوتر و اینترنت این امکان را فراهم آورده اند تا دانش‌آموزان و سایر افراد بتوانند تفکر واگرای خود را بکار گرفته و یا پرورش دهند و انعطاف‌پذیری آن را افزایش دهند. به عنوان مثال برنامه‌های مختلف کامپیوتری از قابلیت‌های بسیار زیادی برای طراحی و ارائه ایده‌های جدید برخوردار می‌باشند. خصوصیات و قابلیت‌های فراوان فناوریهای جدید اطلاعاتی و ارتباطی فرصت‌های بسیار زیادی را برای پرورش تفکر خلاق دانش‌آموزان در تمام مقاطع سنی و تحصیلی فراهم آورده است.

طراحی و تولید نرم‌افزارهای گوناگون و ارائه ویرایشهای پیشرفته و تغییر یافته آنها با امکانات بیشتر و متفاوت، حاصل تفکرات خلاق است که به کمک فناوری کامپیوتر پدید آمده است به گونه‌ای که تولید و ساخت این برنامه‌ها یکی از سودآورترین فعالیت‌های اقتصادی کشوری مانند هندوستان شده است.

دانش‌آموزان می‌توانند با استفاده از نرم‌افزارهای مختلف کامپیوتری که در آنها امکان تغییر، ویرایش، آفرینش و ارائه ایده‌های مربوط به خودشان است، خلاقیت خود را پرورش داده و فرصت یابند تا تخیلات و تصاویر ذهنی خود را بازنمایی کنند.

مقاله حاضر به توصیف و تبیین مدل مفهومی نقش فناوری کامپیوتر و اینترنت در ترویج و تشویق تفکر انتقادی در دانش‌آموزان پرداخته است.

کلید واژه‌ها: علوم انسانی، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، فناوری، کامپیوتر، اینترنت

ترویج تفکر انتقادی و خلاق

عفت رسولی ثانی آبادی
کارشناس ارشد روانشناسی

چکیده:

در جهان کنونی متأسفانه متناسب با اهمیت اندیشه و نقش سرنوشت ساز آن در آینده، به تفکر بها داده نشده است و کماکان مهارت های فکری در زمره آموزش و پرورش در نیامده است و در این راستا ضرورت تدریس درست اندیشی، تفکر خلاق، تفکر انتقادی و مهارت های آن در طول دوران تحصیل کاملاً مشهود است. در ارزشیابی تفکر خلاق و انتقادی، نوع تفکر، گستره تفکر، نوآوری تفکر، تفکر آفرینشی، مهارت های حل مسأله، تکنیک های آفرینندگی، تفکر انتقادی، درجات بازفکری^{۵۴}، پژوهش های خلاق، فرآیندهای شناختی و ... مورد ارزیابی و سنجش قرار می گیرد و دیگر روش های متداول و سنتی، آزمون های پیشرفت تحصیلی و سنجش محفوظات و حافظه دانش آموزان جایگاهی نخواهد داشت.

تدریس ثمربخش معلمان ما به هنر و اطلاع از اصول آموزش کارآمد نیازمند است، منبع بسیاری از این اصول در روانشناسی تربیتی نهفته است لذا دست اندرکاران تعلیم و تربیت قادرند از آن بهره جسته و معلمان با استفاده از آن می توانند تجارب یادگیری ثمربخش و موفقیت آمیزی را برای دانش آموزان خویش فراهم سازند. بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت معتقد اند که وظیفه اصلی معلمان پرورش فرآیندهای شناختی دانش آموزان است لذا معلمان کارآمد، تفکر خلاق را در دانش آموزان خود پرورش می دهند و فعالیت های یادگیری را به نحوی سازماندهی می کنند که به پرورش تفکر خلاق و تفکر انتقادی در دانش آموزان بیانجامد. آنان از مهارت های مختلف روانشناسی تربیتی برای عرضه آموزش معنادار به خصوص در درس رشته های علوم انسانی استفاده می کنند از این رو کلاس را ملزم به انتقاد کردن از مطالب درسی، ساختن ایده های خارج از ذهن و ترکیب ایده ها واداشته، قوانین یورش فکری را پیاده می نمایند.

کلید واژه ها: علوم انسانی، ارتقاء، راهکارها، تفکر خلاق، تفکر انتقادی

مطالعه زبان دوم و رشد تفکر انتقادی

امیر مهدوی زفرقندی

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی

دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان

چکیده :

مقاله حاضر تأثیر مطالعه زبان دوم بر رشد تفکر انتقادی دانشجویانی که رشته تحصیلی شان زبان دوم است را مورد بررسی قرار می دهد. این مقاله حاصل تحقیقی مقدماتی است که مطالعه زبان دوم را به عنوان مستقل و رشد تفکر انتقادی را به عنوان متغیر وابسته می انگارد. از طریق تحلیل موشکافانه، داده‌های کیفی به دست آمده بررسی می‌شود. این داده‌ها مصاحبه با دانشجویان و استادان، مشاهده کلاس‌های درسی، فرآورده‌های دانشجویان در دوره تحصیلی و اهداف سیاستگذاری دوره آموزشی زبان دوم برگرفته از منابع ملی و بین‌المللی را شامل می‌شود. در این نوشتار، توجه خاصی به تأثیر برنامه درسی زبان دوم و رشد تفکر انتقادی شده است. بعلاوه، نتایج این تحقیق در زمینه برنامه درسی زبان دوم در دانشگاه‌ها با یافته‌های سایر تحقیقات در خصوص برنامه درسی آموزش زبان‌های مدرن در کشورهای پیشرفته، مقایسه می‌شود و با اشاره به برخی از کاستی‌ها، راهکارهای مناسب برای برون رفت از تنگناهای موجود ارائه می‌گردد. این مقاله براساس مشاهده از داده‌های کیفی، روش‌هایی را ترسیم می‌کند که دروس زبان دوم می‌تواند به رشد قابلیت‌های اجتماعی گسترده‌ای منجر می‌شود. سرانجام، مقاله حاضر به نقش متمایز آشنایی با سایر زبان‌ها و فرهنگ‌ها و تأثیر آن بر رشد تفکر انتقادی دانشجویان زبان دوم می‌پردازد.

واژگان کلیدی: تفکر انتقادی، زبان دوم، متغیر مستقل، متغیر وابسته، داده‌های کیفی، قابلیت‌های

اجتماعی

بررسی زمینه های پایدار

مدیریت خلاقیت

لاله شاکری

کارشناس ارشد علوم سیاسی

چکیده :

چیزی بیشتر از مسخ است. بیگانگی ای بی بدیل با ذهن خود و تراوشات آن. بیگانگی با دانش! گسترش دانش تا آنجا پیش رفته که - شاید نه به اغراق - ساختاری قائم به ذات را فراهم آورده و انسان را بیش از همیشه به انزوای مصرف اندیشه های خویش رانده است و در این میان قوای خلاقه بیشترین آسیب را متحمل شده اند؛ و چنین است که جوامع، پیش از آنکه بر مسیر تحرک و پیشرفت گام بگذارند، احاطه دانش بر انسان صورت گرفته و انسان پیش از آنکه در مسیر باروری، شکوفایی و خلاقیت ذهنی و عملی قرارگیرد، در چنبره عظیم دانش بشری گرفتار می آید و چشم به حقایق باز نکرده در هجوم روایت حقیقت قرار می گیرد و از آنجا که این کلان ساختارها هستند که ابعاد و جهات را تعیین می کنند، مدیریت دانش رویکرد مسلط را از آن خود کرده و هرروز بیش از پیش به ساماندهی و صورتبندی فرایند شناخت و آگاهی بشری می پردازد. در این میان تنها شیوه بازیابی دوباره انسان - موجودی که تنها محدود به طبقه بندی اطلاعات نباشد - پرورش خلاقیت های اوست. پویا برای یافتن و آموزش ابداع نمونه های خلاف می تواند از هم اینک آغاز شود. آنچه که در ارائه طرحی برای پرورش خلاقیت ضروری می نماید، مدیریت آن است. مدیریت یکی از شاخص ترین ویژگیهای انسانی. ویژگی خاصی که انسان را در یافتن و تداوم فرایندهای متفاوت زندگی رهنمون بوده و و نتایج شگفتی را در جوامع بشری رقم زده است.

کلید واژه ها: علوم انسانی، مدیریت، پایدار، خلاقیت

«بررسی منزلت علمی علوم انسانی در میان سایر رشته‌های علمی»

دکتر حکیمه‌السادات شریف‌زاده

(استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه مازندران)

چکیده :

پیشرفت علمی هر جامعه‌ای وابسته به نتایج تحقیقات در رشته‌های مختلف و از جمله در علوم انسانی است. علوم انسانی در میان سایر رشته‌ها، حوزه‌های علمی بسیار وسیعی را دربر می‌گیرد. این بستر عظیم با دیگر شاخه‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در ارتباط و تأثیر و تأثر متقابل می‌باشد. با این حال منزلت علمی علوم انسانی مورد تردید و تزلزل قرار گرفته است. پیامد چنین وضعیتی این است که در مجامع آموزشی و دانشگاهی به عنوان رشته‌هایی غیرقابل کاربرد و ناتوان در حل مشکلات فردی و اجتماعی معرفی می‌شود. بنابراین موضوع علوم انسانی و اهمیت و ارزش و ضرورت آن در مجامع علمی باید مورد بحث قرار گرفته، علل ناکامی برخی رشته‌های علوم انسانی در جنبه استفاده‌های عملی بررسی شود.

با توجه به اهمیت موضوع، در این مقاله جایگاه علوم انسانی از نظر منزلت علمی و قابلیت کاربرد و علل تزلزل موقعیت مورد بحث قرار گرفته است. در این راستا ابتدا به مسأله تولید علم در عرصه علوم انسانی و خصوصاً روش‌های تحقیق آن در مقایسه با علوم تجربی پرداخته شده، در انتها پیشنهادهایی در ارتباط با ایجاد نگرش مثبت نسبت به علوم انسانی و تغییر در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های علمی و آموزشی در این حوزه ارائه شده است.

کلید واژه ها : علوم انسانی، متدلوژی علوم، روش تحقیق در علوم انسانی

نقش ترویج تفکر انتقادی و خلاق در تحول و ارتقاء علوم انسانی

دکتر حسن شعبانی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه

چکیده :

علاقه به توسعه توانایی‌های فکری پدیده‌ای نیست که در عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته باشد، چنین علاقه‌ای ریشه در تاریخ کهن تعلیم و تربیت دارد. اما در جهان امروز به دلیل تحول علم و فناوری، انفجار دانش، و پیدایش نظریه‌های مختلف، رویکردهای جدیدی نسبت به معرفت بشری و روشهای آموزش آن مطرح شده است. اکثر اندیشمندان تعلیم و تربیت بر این باورند که تربیت انسانهای صاحب اندیشه باید نخستین هدف تعلیم و تربیت باشد.

تفکر در مفهوم وسیع کلمه به معنای جستجوی شعور و آگاهی است. شعوری که هم معطوف به دستیابی معرفت موجود و ارزشیابی آن است، و هم تاکید بر تولید معرفت جدید دارد. از تعامل عناصر مختلف و ترکیب کارکردهای متفاوت انواع مختلف تفکر در ذهن شکل می‌گیرد. جامعیت، تعمق، انعطاف پذیری، تردید منطقی، کنجکاوی شدید، دیده گسترده، ژرف‌اندیشی، سعه صدر، اصالت و آزادی از ویژگیهای اساسی یک تفکر منطقی و معتبر است (شعبانی، ۱۳۸۲)

تفکر انتقادی و تفکر خلاق از کارکردهای سطوح بالای تفکر هستند. اکثر متخصصان به تفکر انتقادی از منظر سنجش، ارزشیابی و قضاوت و به تفکر خلاق از منظر تولید بکر و جدید می‌نگرند. این دو نوع تفکر نه تنها در مقابل هم قرار ندارند، بلکه در بسیاری از ویژگی‌ها با هم مشترک و مکمل یکدیگر هستند. یکی از بارزترین رویکردهای تربیتی قرن حاضر توجه به تفکر انتقادی و خلاق در فرآیند یاددهی - یادگیری است، و معتقدند که تربیت انسانهای صاحب اندیشه باید نخستین هدف تعلیم و تربیت باشد. گولد^۴ (۱۹۸۳) فقر تفکر در جهان امروز را معلول حاکمیت منابع انحصاری و روشهای سنتی در نظام آموزشی می‌داند. برونر^۵ (۱۹۹۶) بر این باور است که نظام های آموزشی به جنبشی نیاز دارند که در آن دقیقاً با الزام عمیق‌تری مشخص شده باشد که به کجا می‌روند و به چه نوع انسانهای تربیت شده‌ای نیازمندند. (ص ۱۸)

⁴ . Goodlad
⁵ . Bruner

متأسفانه به رغم ارائه نظریه‌های مختلف درباره پرورش تفکر به ویژه تفکر انتقادی و خلاق همچنان بین نظریه و عمل در این زمینه فاصله بسیار وجود دارد. نظام‌های آموزشی رویکردهای خویش را بیشتر به انتقال اطلاعات و تکرار آنها معطوف کرده و از تربیت انسانهای نقاد و خلاق فاصله گرفته‌اند. اکثر مراکز آموزشی به جای تربیت انسانهای متفکر همواره درصد تجهیز کتابخانه‌های کوچک و سیاری هستند که وظیفه‌ای جز ذخیره سازی و بازیافت اطلاعات گذشته ندارند، در حالیکه ارزش یک نظام آموزشی در تربیت انسانهای فرهیخته نهفته است. کارگزاران نظام‌های آموزشی باید باور کنند که در جهان امروز نیازمند تربیت انسانهایی هستیم که بتوانند عقاید را از حقایق، سفسطه را از استدلالهای منطقی و شایستگی را از عدم شایستگی تشخیص دهند به ویژه در فرهنگ‌هایی که از هر سو تحت فشار اطلاعات مختلف قرار دارند.

تفکر خلاق و انتقادی در خلاء صورت نمی‌گیرد، تفکر به بستر و موقعیت مناسب نیاز دارد. موقعیت عدم تعادل، انگیزه کنجکاوی، حسن اعتماد و احساس امنیت از عواملی هستند که در ایجاد شرایط تفکر انتقادی و خلاق نقش اساسی دارند. یکی از عوامل مهم در بستر سازی اندیشه بکر و جدید، اقتدار است. اقتدار ریشه در فرهنگ هر جامعه دارد. اگر فرهنگ جامعه‌ای فرهنگ سلطه باشد، طبیعی است که فکر نو، و اندیشیدن به طور انتقادی در آن جایی نخواهد داشت.

فرهنگ جامعه خط مشی و سوگیری نظام‌های آموزشی را تعیین می‌کند. مثلاً برنامه‌های درسی ویژه و از پیش طراحی شده، محتوای تحمیلی با چهار چوبهای مشخص تدریس مانع رشد تفکر انتقادی و خلاق خواهد شد.

برای پرورش تفکر، باید ماهیت تفکر موقعیت و فرصت‌های مناسب شناخته شود. یکی از روشهای درک و فهم تفکر و ماهیت آن درگیر شدن، اندیشیدن و آزمودن اندیشه‌ها در فرآیند چالش‌های فکری برای دستیابی جایگزین‌های مطلوب است. هرگز با تحمیل اندیشه، و تاکید بر این که فکر کنید متفکر تربیت نخواهد شد. تفکر انتقادی و خلاق دانش، روش و منش مناسب خود را می‌طلبد. بدون شناخت و باور به چنین مساله‌ای هرگز تحولی صورت نخواهد گرفت.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، علم و فناوری، تحول

ضرورت طراحی براساس رویکرد (درون رشته‌ای، میان رشته‌ای و چند رشته‌ای) در حوزه علوم انسانی

زهرا شعبانی

دانشجوی دوره دکتری

چکیده :

در نظام آموزشی ایران رشته‌های دانشگاهی براساس رویکرد درون رشته‌ای تدوین شده اند که احتمالاً این رویکرد نشأت گرفته از قطعه‌قطعه شدن دانش و برخاسته از فلسفه پوزیتیویسم می‌باشد، ضروری است. ضمن شناسایی آسیب‌های وضع موجود، نسبت به ضرورت و اهمیت طراحی رشته دانشگاهی براساس رویکرد درون‌رشته‌ای، میان رشته‌ای و چند رشته‌ای پرداخت تا از این طریق با ارائه توصیه‌های لازم یادگیرندگان را به تعمق و دانش‌آفرینی بیشتر در این خصوص یاری رسانید.

در این مقاله تلاش می‌شود با تحلیل و تبیین رویکردهای درون‌رشته‌ای، میان رشته‌ای - مبتنی بر بینش سیستمی و چند رشته‌ای با نگاه تلفیقی و ضرورت‌های تربیتی پیرامون حوزه علوم انسانی، به ارائه راه‌کارهای ویژه پرداخت.

واژگان کلیدی: رشته‌های علوم انسانی، رویکرد درون رشته‌ای ، رویکرد میان رشته‌ای، رویکرد چند رشته‌ای

بررسی روشهای ترویج فرهنگ تفکر انتقادی و خلاق

مرتضی شهیدی

کارشناس ارشد آموزش و ترویج

چکیده :

دستیابی به تعالی و توسعه هدف عمده کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. نیل به توسعه همه جانبه، متوازن، انسانی و پایدار مستلزم استفاده بهینه از کلیه منابع در دسترس است و این بیانگر انتقال از روشهای غیر علمی به روشهای جدید و بر مبنای علمی است که دربرگیرنده عناصر و اجزای تکنولوژی جدید و حتی نظامهای نوین فعالیت است. برای اینکه افراد جامعه به گونه‌ای موفق روشهای جدید و مفید را به کار گیرند، ابتدا بایستی اصول آن را فرا گیرند و سپس یادگیری به نحوه استفاده صحیح از آن در نظام فعالیت خود اقدام کنند. زمانی که انتقال به تکنولوژی جدید بر مبنای علمی آغاز شود انتظار آنست که این نخستین گام به طرف نظامهای پربازده باشد و این فرآیند اساس و ماهیت برنامه‌های توسعه را تشکیل می‌دهد و هر مرحله‌ای از آن مستلزم نهادهای آموزشی و یا ارتباطی است و نقش این نهاد را در عرصه آموزشهای غیر رسمی ترویج به عهده می‌گیرد و لذا در زمینه ترویج فرهنگ تفکر انتقادی هر روشی که بتواند فعالیتهای ترویجی آن را بهینه سازی کند، بایستی مورد حمایت، هدایت، تقویت و توجه قرار گیرد. لذا نیروی انسانی ماهر، آماده به کار و کارآمد همواره به عنوان یک عامل محدود کننده در برنامه‌های توسعه ایران مطرح می‌گردد، بایستی هر روشی که بتوان به استفاده بهینه از آن منجر شود در اولویت توجه قرار گیرد. تفکر انتقادی بالا بردن قدرت تحلیل و ارزشیابی مسایل را هدف خود می‌داند و ترویج فرهنگ تفکر انتقادی فرآیندی مستمر در جهت عرضه اطلاعات ثمربخش به مردم و سپس کمک به آنان در جهت کسب معلومات، مهارتها و طرز تلقی‌ای لازم به منظور استفاده مؤثر از این اطلاعات یا تکنولوژی است تا با استفاده از آن مهارتها و معلومات و اطلاعات کیفیت زندگی خود را بهبود بخشند. آموزش به دو روش رسمی و غیر رسمی به اجرا درمی‌آید. آموزشهای رسمی به صورت

دوره‌های ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، پیش‌دانشگاهی و دانشگاهی و آموزشهای غیر رسمی به صورت انفرادی، گروهی و انبوهی ارائه می‌گردد. ترویج برای رسیدن به این اهداف فعالیتهای متعددی را در سطح جامعه به کار می‌گیرند. هدف ترویج فرهنگ تفکر انتقادی تغییر در دیدگاه مردم نسبت به مشکلاتشان در زمینه حل مسایل به صورت پویا است بنابراین آموزشگران با مردم مسائل را مطرح کرده و کمک می‌کنند تا آنها درک روشنی از مشکلاتشان به دست آورده و همچنین تصمیم می‌گیرند که چگونه بر مشکلاتشان فائق آیند. در فعالیتهای ترویجی فرهنگ تفکر انتقادی از چهار عنصر اصلی ارائه دانش، مهارت، توصیه اطلاعات، سازماندهی مخاطبین، ایجاد انگیزه قابل تشخیص است. تعداد قابل توجهی از فنون و روشهای تایید شده وجود دارند که آموزشگران می‌توانند با انتخاب و استفاده از آنها میزان انتقال اطلاعات و مهارتهای موردنظر به فراگیران را به حداکثر افزایش دهند. در ترویج تکنیک‌های مختلفی به کار گرفته می‌شوند که به صورت روشهای انفرادی، گروهی و انبوهی تقسیم می‌شوند. وقتی آموزشها بر پایه تماس تک‌به‌تک با افراد استوار است از روشهای انفرادی و هنگامی که به طور همزمان با تعداد بیشتری از فراگیران روبه‌رو هستیم از روشهای گروهی استفاده می‌کنیم و برای اطلاع رسانی و آموزش تعداد بسیار زیادی از مردم رسانه‌های انبوهی به کار گرفته می‌شوند. این مقاله با نگرشی ترویجی، از روشهایی که از آنها در ترویج فرهنگ تفکر انتقادی در کشور می‌توان سود جست، معرفی شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و همچنین پیشنهاداتی برای استفاده از آنها در شرایط کشورمان ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: علوم انسانی، ترویج، تفکر انتقادی، فرهنگ

تفکر انتقادی

عباس صادقی

صدور انواری

عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

چکیده :

«تفکر انتقادی ، از مباحثی است که فلاسفه معاصر پیگیر آن هستند و به نظر آنها می‌تواند نتایج مختلفی از جمله نتیجه فرهنگی فلسفی داشته باشد. به نظر این فلاسفه دنیای مدرن نیاز به تفکر انتقادی دارد، چون برای افرادی که در جامعه مدرن زندگی می‌کنند آرا و نظرات و مدهای مختلفی پیشنهاد می‌شود و این فرد باید از میان آنها یکی را انتخاب کرده و مورد نقد و بررسی قرار دهیم و بعضی را کنار بگذارد و آنچه بهترین است را انتخاب کند، این نوع تفکر در سنت اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. در این مقاله ابتدا به بحث و بررسی تفکر انتقادی پرداخته و سپس جایگاه آن در مکتب اسلام مورد بحث قرار گرفته و در خاتم راهکارهایی برای ایجاد یک کلاس درس انتقادی و ویژگیهای تکالیف انتقادی اشاره شده است.»

در قرن نوزدهم جان استورات میل منطق اسگرایی را در مقابل قیاس ارسطویی مطرح کرد. تفکر انتقادی صورت جدیدی از منطق است که اولاً سعی می‌کند مفاهیم ساده را در برخورد انتقادی با افراد و ارزیابی افکار به کار گیرد. ثانیاً از دستاوردهای بخشهای دیگر فلسفه مثل فلسفه زبان، معناشناسی، و معرفت شناسی و امثال آن کمک می‌گیرد تا بسادگی بتواند افکار مختلف را ارزیابی کند.

ایده اصلی این تفکر این بود که روشهای فلسفی و روشهای فکر کردن را به درون جامعه بیاورند که تنها راه آن از طریق آموزش و پرورش و نهادینه کردن آن است. برای این که این کار انجام شود متون فلسفی محض را کنار گذاشته و سعی کرده‌اند موضوعات فکری مناسب و مورد نیاز کودکان را وارد داستانها بکنند و از این طریق آن را به آموزش و پرورش تزریق کنند.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، تفکر انتقادی، روش های فلسفی

موانع پیشرفت پژوهش‌های ادبی در ایران

دکتر مریم صادقی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز

چکیده :

گسترده‌ی رشته‌ی زبان و ادب فارسی و موضوعات گوناگون آن مانعی بزرگ در راه ارتقاء پژوهش‌های ادبی است. بدین معنی که در غالب آثار منظوم و منثور ادب فارسی در گذشته از تمامی موضوعات علوم و دانش‌های روز نظیر فلسفه و نجوم و پزشکی و علم سیاست و عرفان و نظایر آن سخن رفته و تنها بستر اندیشه‌ی ایرانی در طول قرون متمادی و مستمر بوده است. این گسترده‌ی موضوعات در عین آنکه توانایی ادبیات از حد بایسته‌ی خود وسیع‌تر شده و پژوهش‌گران این عرصه را با دشواری‌هایی مواجه کند. در نتیجه محققان وقتی به پژوهش درباره‌ی متون ادبی می‌پردازند ناگزیرند موضوعاتی را بررسی کنند که در حوزه‌ی تخصصی آنها نیست. نکته‌ی دیگر کثرت آثاری است که در حوزه‌ی خاص ادبیات در طول سالهای متوالی پس از ورود دین اسلام در ایران، بدست خلاق ادیبان ایرانی به رشته‌ی تحریر درآمده است. با توجه به نکاتی که ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که سه عامل گسترده‌ی حوزه زمانی و تعدد آثار نظم و نثر و تنوع موضوعات آثار ادبی مهمترین موانعی هستند که باعث شده‌اند که پژوهش‌های ادبی در ایران به رغم کوشش‌های گسترده محققان و صاحب‌نظران این عرصه (که در برخی زمینه‌ها در حد خود بی‌نظیر است) آنگونه که شایسته‌ی آن است در جهان پرشتاب علم و دانش نتواند سرعت لازم را در پژوهش‌های ابتکاری و پیشرو داشته باشد. بنابراین لازم است با شناخت عمیق‌تر این موانع و برنامه‌ریزی لازم در رفع آنها زمینه‌ی مناسب برای خلق پژوهش‌های ادبی فراهم کرد.

کلید واژه: علوم انسانی، پژوهش‌های ادبی - ادب فارسی - متون نظم - متون نثر

ترویج تفکر خلاق

معصومه صمدی مقدم

چکیده

توجه به گسترش توانایی‌های تفکر انتقادی در مجامع آموزش و پرورش موضوع جدیدی نیست. اگرچه هدفهای نظامهای آموزشی و ادعاهای مسئولان، متصدیان و مجریان آموزشی می‌توان توجه به مسأله‌ی تفکر را به وضوح مشاهده کرد اما در عمل رغبت جهانی برای تشویق دانش‌آموزان به تفکر انتقادی و منطقی وجود ندارد.

معلمان با وجود اظهاراتی که حاکی از پذیرفتن این فرض است که تفکر راه را برای آموزش بیشتر باز می‌کند همواره با شیوه‌های قالبی و حذف حقایق و ایجاد محیط خشک انضباطی زمینه‌ی حفظ کردن اطلاعات درسی را فراهم می‌کنند. که این امر با هدفهای محیط‌های آموزشی سالم مغایرت دارد. این نکته فراموش شده است که حفظ کردن سوالات و انباشتن ذهن از اطلاعات مرتبط و نامرتب با زندگی واقعی باعث هدر رفتن هزینه‌ها امکانات و قابلیت‌های افراد می‌شود. برای آنکه نسل پویا و تلاشگری در پیشبرد ثبات و دوام جامعه تربیت شود باید به دانش‌آموزان شیوه‌های قضاوت درباره‌ی جامعه و تفکر در مورد زندگی خویش را آموزش داد و بهتر است که در مورد پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی آموزش و پرورش و افراد مرتبط با آن از حرف و نظر گذر کنند و برای پرورش این مهارت‌ها وارد وادی عمل شوند تا با توجه به ضرورت و اهمیت این موضوع برای عصر حاضر دانش‌آموزانی متفکر، منتقد و دارای تفکر منطقی و متناسب با شرایط این دوره تربیت شوند.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، تفکر خلاق، آموزش و پرورش، نظام‌های آموزشی

تفکر انتقادی و خلاق

سعید عبادزاده (مصدق)

چکیده :

«آن چیزی هستیم که می اندیشیم هستی ما با افکارمان بلندی می گیرد و دنیا ما را با اندیشه هایمان می سازیم.» (۱)

بودا

تامل در عبارات مذکور نمایانگر این است که «اندیشه ورزی» سکوی پرتاب آدمی به اوج ها فرازاها و افتخارات می شود. به راستی چرا می اندیشیم؟ آیا اندیشیدن یک نیاز است یا انگیزه یا آمیزهای از هر دو؟ در حقیقت از یک سو به تفکر نیازمندیم تا رشد یابیم و از سوی دیگر کنجکاوی به تفکر نیازمندیم تا رشد یابیم و از سوی دیگر کنجکاوی و جستجوی دانایی از درون ما را بر می انگیزد تا از دالانهای تاریک و بی انتهای آگاهی برسائیم. و با وصول به سرچشمه آگاهی و خودآگاهی، رضایت خاطر یابیم و این امر به نوبه ی خود، ما را برای تفکرات بعدی بر می انگیزیم تا باز بیشتر و بیشتر بیندیشیم. به راستی اندیشیدن زیباترین و با معنا ترین پدیده ی زندگی آدمی است به همان اندازه که می اندیشیم زیبا و بامعنا جلوه می کنیم.

آرمان دیگری که ما را به جستجوی در معنای تفکر در علوم انسانی و می دارد آگاهی از نقش تفکر در روند زندگی است همه ما علاقه مندیم از این نقش به خوبی آگاه شویم و نسبت میان تفکر و زندگی را بیابیم. نوجوانان و جوانان در این میانه جایگاه ویژه ای دارند آنان همچون سایر مسایل در این زمینه نیز شور و علاقه زایدالوصفی از خود نشان می دهند آنان مایلند از تاثیر فکر در حل مشکلات و مسایل پیچیده ای که در برابرشان است مطلع شوند برابرشان است مطلع شوند و به عبارت دیگر از کارایی نیروی تفکر نه تنها در درازمدت بلکه در کوتاه مدت نیز اطلاع دقیقی داشته باشند و علاوه بر آن از این نیرو در تعیین مسیر و راه زندگیشان مدد گیرند. همه اینها بر پایه معرفت صحیح از تفکر استوار است شناخت ماهیت تفکر و رابطه ی آن با سایر مقوله هاییکه از قبیل احساس و ادراک می باشد. لذا در اولین گام باید نحوه تلقی صحیح از این مفاهیم حاصل شود.

هدف اصلی مقاله حاضر ایجاد زمینه برای درست اندیشی و تفکر انتقادی صحیح است، که ما از از آن به عنوان «ارتقا تفکر انتقادی و خلاق» یاد می کنیم.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، درست اندیشی

در وزارت آموزش و پرورش ، و نقش آن در گسترش علوم انسانی

مهدی عصاره

کارشناس تکنولوژی آموزشی

محمدرضا علیپور خسروآبادی

مدرس و مشاور مرکز تربیت معلم شیخ مرتضی انصاری دزفول

چکیده :

برای رسیدن به توسعه ی همه جانبه و حل مشکلات جامعه ی آموزشی - پژوهشی کشور در چشم انداز ۲۰ ساله ناگزیر از پیوند زدن پژوهش با فعالیت های اجرایی هستیم . به عبارت دیگر ، باید برای تمامی تصمیم گیری های کلان و اساسی ، پشتوانه ی علمی و پژوهشی فراهم کنیم تا بتوانیم با اطمینان به جلو گام بر داریم . برای تحقق این خواسته باید ابتدا به کمک پژوهش به تبیین واقعیت های موجود و راهکارهایی برای ارتقاء و گسترش علوم انسانی و رشته های آن دست یافته ؛ بر اساس آن ها برای ارتقاء این علوم و رشته های مرتبط با آن از جمله ویرایش - در مفهوم کلی آن - برنامه ریزی کرد تا بتوان جامعه ی آموزشی ایران عزیز را به سوی زندگی بهتر و با عزت سوق داد .

در این مقاله قصد داریم با ارائه ی نقدی بر « شیوه نامه ی ویرایش مواد آموزشی » سازمان پژوهش و برنامه آموزشی وزارت آموزش و پرورش ؛ و نیز مروری بر مبانی نظری و عملی ویرایش فنی ؛ علاوه بر پیشنهاد راهکارهای مناسب برای ارتقاء این بخش از علوم انسانی؛ به خلق آثاری دلپذیر ، شیرین و استوار به زبان فارسی کمک کرده ؛ با دیدن چنین آثاری همچون دکتر حداد عادل و دیگر بزرگان امروز ، شادمان شویم و به تحسین زبان شیرین فارسی پردازیم که : « من جرعه نوش بزم تو بودم هزار سال / کی ترکِ آبخورد کند طبعِ خوگرم » (حافظ) . (۲)

واژگان کلیدی: علوم انسانی، آموزش و پرورش، مواد آموزشی، ارتقاء علوم انسانی

تفکر فلسفی و ارتباطش با تفکر خلاق و انتقادی

الهام فخرایی

کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی

جکیده :

وقتی شروع به فکر کردن می کنیم ، غالبا هدفی را دنبال می کنیم ؛ می خواهیم به پاسخ سوالی برسیم ، علت چیزی را بدانیم یا برای چیزی دلیل بیاوریم ، راه حل مشکلی را پیدا کنیم یا روشی برای انجام کار مورد نظرمان بیابیم ؛ به این ترتیب فرایند تفکر آغاز می شود . اما برای انجام آن ما غالبا نیاز به معلوماتی داریم و در مرحله بعدی مهارت هایی ، برای اینکه در نهایت بتوانیم با اطمینان از فرآورده های فکری مان استفاده کنیم و مطمئن باشیم که مسیر درستی را طی کرده ایم . اهمیت این مطلب زمانی روشن می شود که دریابیم تفکر اگرچه نیازمند معلومات است ، اما تنها با حفظ کردن و به خاطر سپردن معلومات نمی توان انسان متفکری شد . بلکه یادگیری مهارت های کاربرد آنها نیز ضرورت دارد ؛ زیرا به کمک این مهارت ها می توانیم بین معلومات خود رابطه برقرار کنیم ، نقاط تشابه و تفاوت آنها را بدانیم ، آنها را ارزیابی کنیم ، طبقه بندی کنیم و برای یافتن راه حل های تازه بکار بگیریم . به نظر می رسد چنین مقصودی تنها با تفکر فلسفی تحقق می یابد که تلفیقی از تفکر انتقادی و خلاق است .

از همین رو با نظر به اهمیت تفکر فلسفی و نقش مهارت های تفکر اعم از انتقادی و خلاق در بهبود فضای فکری جامعه و نیز فقدان جدی چنین تفکری در جامعه فعلی چه در بعد دانشگاهی و چه غیر آن ، نگارنده برآن است تا در این مقاله به چستی تفکر فلسفی ، تفکر انتقادی و خلاق پردازد و برخی راهکارها و کارکرد آن را در زندگی روز مره مورد بررسی قرار دهد .

کلید واژه :

تفکر ، تفکر فلسفی ، مهارت های تفکر ، تفکر انتقادی ، تفکر خلاق

ادبیات و هنر پسااستعمار و لزوم گنجاندن آن در برخی رشته های

علوم انسانی و هنر

قاسم نیکخو

هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد کرج

دنیای مدرن بس غریب و ناآشناست. سه چهارم مردم جهان استعمار را تجربه کرده اند یا در شرایط و کشورهای پس از استعمار زندگی می کنند. اروپای مدرن بر پایه رنسانس شکل گرفته است. رنسانس نیز نتیجه پول و نیروی کار مجانی برده داری یا همان استعمار است. از دوران به اصطلاح رنسانس اروپایی ها تا به حال میلیونها نفر استعمار و عواقب آن یعنی اجتماع نابسامان، فقر، بحران هویت، حقارت..... را در سرزمین خود یا در سرزمینهایی که خواسته یا ناخواسته ولی نهایتاً بالاجبار بدان کوچ کرده اند را تجربه کرده و می کنند. این واقعیت تلخ شرم آور و درد آور جهان حاضر در شاخه ای از ادبیات و نقد ادبی به نام ادبیات استعمار و پسا استعمار **postcolonial** مطالعه می شود. استعمار یعنی سیاست اعمال و تداوم کنترل بر مستعمرات با هدف سو استفاده از آنان و نو استعمار یا پسا استعمار یعنی تداوم تاثیر استعمار بعد از پایان آن. در حال حاضر ادبیات استعماری را نیز تحت لوای پسا استعمار مطالعه و بررسی می کنند. ادبیات پسا استعمار نشان می دهد چگونه استعمار بر ملل مستعمره تاثیر گذاشته است. هدف آن مطالعه دیدگاههای غربی است. یعنی غرب چگونه به این ملتها می نگرد و چگونه این نگرش را تداوم می بخشد و جهانشمول می کند تا به استعمار خود ادامه دهد. در به اصطلاح نظم نوین جهانی ملل رها از استعمار هنوز به نوعی مستعمره هستند چون هویتشان، حقشان، ثروتشان مورد آماج است. هنوز کلام و ذهنیت غرب-محور غالب است.

ادبیات پسا استعمار شاخه ای از ادبیات پسا مدرن و نقد آن نیز شاخه ای از نقد پسا مدرن است. در تعریفی دیگر پسا استعمار یعنی تمام فرهنگهای متأثر از جریان امپریالیسم از لحظه استعمار تا زمان حال. استعمار به کشورهای انگلستان، فرانسه، اسپانیا، پرتغال و هلند اطلاق می شود. آمریکا هر چند زمانی مستعمره بود در حال حاضر استعمارگر است. مستعمرات نیز به کشورهای آفریقایی، کشورهای آمریکای جنوبی، استرالیا، نیوزلند، بنگلادش، کانادا، کشورهای کاریب (هند

غربی)، هند، مالزی، مالت، پاکستان، سنگاپور، فیلیپین، جزایر اقیانوس آرام جنوبی، سری لانکا، آمریکای ماقبل انقلاب ۱۷۷۶، هنگ کنگ.... اطلاق می شود. آمریکا از انقلاب و استقلال خود در ۱۷۷۶ به بعد خود کم کم استعمارگر شد. ابتدا در قاره خود و سپس در دیگر قاره ها به استعمارگری پرداخت. نظم نوین جهانی آمریکایی نیز نتیجه همین دیدگاه استعماری است. آنان معتقدند مردم جهان به قیمی به نام آمریکا نیاز دارند! البته سقوط کمونیسیم و فروپاشی دیوار برلین نیز به این یکه تازی کمک کرد. به عبارت دیگر مرگ جهان دو قطبی نیز بی تاثیر نبوده است. پس ادبیات پسا استعمار یعنی ادبیات این کشورها از زمان استعمار یا حتی قبل از استعمار تا حال و همچنین ادبیات اقلیتها (مخصوصاً رنگین پوستها) که به نوعی تحت استعمار هستند مثلاً مکزیکی-آمریکاییها (چیکانوها)، بومی های استرالیا، سیاهان آمریکا، الجزایری های فرانسه، پاکستانیها و هندی های انگلستان و.... جزو پسا استعمار هستند.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، ادبیات، ادبیات پسا استعمار، رشته های دانشگاهی

فرآیند جامعه پذیری سیاسی سال سوم دبیرستان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

رضوان مهرابی کارشناس ارشد جامعه شناسی

چکیده :

جامعه‌پذیری روندی است که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقش اساسی در شکل‌گیری رفتارهای فرد دارد. جامعه‌پذیری سیاسی فرآیند مستمر یادگیری است که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف حقوق و نقش‌های خویش خصوصاً وظایف سیاسی در جامعه پی می‌برد. در این فرآیند ارزشها، ایستادها، نهادها، اعتقادات و آداب و رسوم از جمله مسایل سیاسی از نسل به نسل دیگر انتقال می‌یابد و امکان دارد در جریان این انتقال تغییرات و یا نیز صورت تعدیلهایی نیز صورت پذیرد.

عوامل و کارگزاران جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان حدود ۱۵ عامل دانست و در یک تقسیم‌بندی بطور کلی می‌توان آنها را به عوامل اولیه و ثانویه تقسیم کرد:

عوامل و کارگزاران اولیه: نهاد خانواده گروه همسالان (همسن)

عوامل و کارگزاران ثانویه: مدرسه و نهادها آموزشی وسایل ارتباط جمعی و...

در این مقاله عامل مدرسه ونهادهای آموزشی که مهمترین عامل ثانویه در جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان می‌باشد مورد کندوکاو قرار گرفته شده است و با روش تحقیق کتابخانه‌ای به تبیین مفاهیم نظری و از روشهای پیمایش و طرح پرسشنامه و مصاحبه به بررسی فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی سال سوم دبیرستان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در استان لرستان پرداخته شده همچنین درک رابطه بین متغیرها مورد نظر با احتساب درجه) و درصد اطمینان ۹۹/۹۹۵ (= ۰/۰۰۵) مورد مدافه قرار گرفته است. در این مقاله طی جمع بندی مقایسه‌های بیان شده که کتب درسی بیشترین نقش را در آگاهی سیاسی و لزوم پرداختن به مشارکت سیاسی و در واقع جامعه‌پذیری سیاسی را به دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان لرستان داشته و سپس به ترتیب عوامل دیگر یعنی امور تربیتی، انجمن اسلامی، مدیران و دبیران براین مهم اثرگذار می‌باشند.

کلید واژه: علوم انسانی، جامعه‌پذیری سیاسی، کتب درسی، امور تربیتی، انجمن اسلامی، مدیران و دبیران.

نقش علوم انسانی و رشته‌های آن در ارتقا فرهنگی و اجتماعی جامعه

عباس مهرابی

عشرت مهرابی

چکیده:

این نوشته و تحقیق در ابتدا تکنیک علوم رفتاری و اجتماعی را در منطقی‌سازی مصرف انرژی معرفی نماید در همین خصوص چهار رویکرد کلی مطرح است رویکرد فنی و تکنولوژیک، رویکرد اقتصادی در نهایت بحثی پیرامون ارزیابی و سنجش اثربخشی برنامه‌های آگاه‌سازی و آموزش در خصوص بهینه‌سازی مصرف انرژی عنوان خواهد شد. هدف از این تحقیق براین فرض بنا شده است که آیا آموزش‌های عمومی و فعالیتهای آگاه‌سازی انجام شده در مدارس استان لرستان منجر به افزایش دانش و نگرش و نهایتاً تغییر رفتار دانش‌آموزان گردیده است به همین منظور در طی یک تحقیق آزمایشی و با اجرای پس‌آزمون با گروه کنترل ابتدا دانش و اطلاعات لازم به دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و دبیرستان دخترانه و پسرانه و بعضی از مدارس استان لرستان داده شده مورد ارزشیابی و تحلیل قرار گرفت. نمونه مورد مطالعه ۹۰۰ نفر از دانش‌آموزان مدارس استان لرستان بودند. نتایج با روشهای آمار استنباطی، آزمون تحلیل و اریانس، مجذور خی و یانرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده این فرض روانشناسی اجتماعی را که آموزش‌های فوق برنامه در تغییر رفتار دانش‌آموزان مؤثر است را تأیید کرد.

واژه‌های کلیدی: روان‌شناسی اجتماعی، تکنیکهای رفتاری، ارزیابی اثربخشی فعالیت‌های آگاه‌سازی، حیطه شناختی، عاطفی، رفتاری، تغییر رفتار، نگرش

تفکر انتقادی، راهبر اصلی در علوم انسانی

یوسف نوظهور

عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز

چکیده :

تفکر انتقادی به مثابه روش ارزیابی و داوری، وجه مشترک اغلب روش‌های علمی، اعم از طبیعی - تجربی یا انسانی، محسوب می‌شود. اما در این میان، نسبت تفکر انتقادی با علوم انسانی، وثیق‌تر به نظر می‌رسد، به طوری که می‌توان «نقادی» را نیروی محرکه‌ی اندیشه ورزی در حوزه‌ی علوم انسانی بشمار آورد. حال، مسئله این است: اصولاً تفکر انتقادی چیست و جزاء مقوم آن کدام است؟ چه نسبتی میان تفکر منطقی و اندیشه‌ی انتقادی وجود دارد؟ الزامات تفکر انتقادی چیست و چگونه می‌توان اندیشه‌ی انتقادی را تعمیم داد و رواج بخشید؟

در این مقاله، تفکر انتقادی متشکل از دو پیکره‌ی اصلی دانسته شده است:

الف) بخش شناختی

ب) بخش شخصیتی

آنگاه ضمن تشریح هریک از بخش‌های فوق، نگارنده سعی کرده است کارکرد ویژه هریک را معین ساخته و نشان‌دهد که بسیاری از اجزاء مقوم اندیشه‌ی انتقادی، اکتسابی بوده و لذا قابلیت انتقال از راه تعلیم و تربیت را واجدانند. در نتیجه، می‌توان با اتخاذ روش‌های آموزشی کارآمد، تفکر انتقادی را در ذهن و ضمیر آحاد مردم و به تبع آن در عرف و فرهنگ اجتماعی، نهادینه ساخت. تنها در این صورت است که بستر مناسبی برای رشد و ترقی نهال علوم انسانی در میهن عزیزمان، فراهم خواهد شد و می‌توان به آینده‌ی پربار آن امیدوار بود.

کلید واژه: علوم انسانی، تفکر انتقادی، روش علوم انسانی، تفکر منطقی، روش‌های علمی

محور هشتم :

نقش نهادهای کشور در ارتقاء علوم انسانی

موضوعات:

- نقش نهادهای قانونگذاری
- نقش دانشگاهها، حوزههای علمیه، و مؤسسات آموزشی و پژوهشی
- نقش وزارتخانههای فرهنگی
- نقش کتابخانهها، مراکز اطلاع رسانی، و رسانه های عمومی

توجه به اثرات منفی دو مقوله‌ی «املای غلط» و «غلط املایی»

در رسانه‌های عمومی

حسین داوودی

چکیده :

در خط فارسی با واقعیت‌های نه چندان مطلوبی مواجه هستیم که اگر به درستی تفهیم نشوند و برای کاربرد صحیح آنها فرهنگ‌سازی نکنیم:

اولاً در بین معلمان، سخنرانان، گویندگان اخبار، مجریان برنامه، گفت و گو و مصاحبه‌ها و... «املای غلط» به طور روزافزون رواج پیدا می‌کند. از جمله می‌دانیم برای مصوت‌های کوتاه حرف مستقل پیش‌بینی نشده و الفبای فارسی در زنجیره‌ی خود فاقد حروفی برای این مصوت‌هاست. استفاده از نشانه‌های مکتوب نیز جنبه‌ی الزامی ندارد. بنابراین اگر می‌شنویم مفاد بخش‌نامه (حرف‌آغازی با مصوت کوتاه) و خلط مبحث (حرف‌آغازی با مصوت کوتاه) و کسی هم مدعی و مخالف گویندگان آن‌ها نیست، اثر منفی و ناخوشایند «املای غلط» هاست.

ثانیاً در بین نویسندگان، گزارش نویسان، ارباب مطبوعات، خویش نویسان و... «غلط املایی» نیز بیش از پیش رواج پیدا می‌کند. از جمله می‌دانیم در الفبای فارسی مجموعه حرف‌هایی (نظیر: ذ، ز، ض، ظ) وجود دارند که یک صدایی و به اصطلاح «یک واجی» اند. در نتیجه زیاد اتفاق می‌افتد که حتی تحصیل کرده‌ها به جای «مزبور» بنویسند «مذبور» و به جای «سرپل زهاب» بنویسند «سرپل ذهاب». در عین حال «املای غلط» و «غلط املایی» اثرات منفی متقابل نیز دارند. به طوری که یک‌بار در اغلب سخنرانی‌ها و گویندگی‌ها از یک سو و در نوشته‌ها و مطبوعات از سوی دیگر می‌شنویم «ریس» و می‌خوانیم «ریس»!

تفصیل این دو پدیده منفی در خط و زبان فارسی و راه‌حل‌های پیشنهادی برای اصلاح و تجدید نظر در آن‌ها را در اصل مقاله ملاحظه خواهید کرد.

کلید واژه‌ها: علوم انسانی، زبان فارسی، نشانه‌های خطی، حروف عربی، واج‌ها

مشارکت زنان در تحولات بنیادی و کاربردی رشته‌های علوم انسانی

مسعود عباس‌زاده

ملیحه منصوریان

علیرضا صفا

چکیده:

مفهوم مشارکت و نقش سیاسی زنان در جوامع مختلف، دست‌مایه تحقیق و نگارش کتاب‌های بسیاری شده است. در این مقاله سعی شده است برخی از مهم‌ترین کتاب‌های انتشار یافته در این چارچوب مفهومی و موضوعی به اختصار معرفی شود.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، مشارکت زنان، کتابهای منتشر شده، تحولات بنیادی

نقش حوزه‌های علمیه در زمینه‌سازی برای ارتقای علمی کشور

مجید کافی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چکیده :

تولید علم و ارتقاء آن در هر فرهنگ و جامعه‌ای بر عوامل چندی مبتنی است. بی‌گمان یکی از مهمترین و مؤثرترین عوامل آن دین، نهادهای دینی از جمله حوزه‌ها و حاملان معرفت دینی است. علم هم در جوامع دینی می‌تواند تولید و توسعه یابد و هم در جوامع غیردینی. در عین حال آموزه‌های دینی، نهادهای دینی و حاملان معرفت دینی نیز می‌توانند به روند علمی جامعه کمک کنند؛ یعنی افزون بر تأثیرگذارهای دینی (آیات و روایات) حاملان و نهادهای یک دین نیز بر ارتقاء علمی یا انحطاط علمی یک جامعه بسیار مؤثر است.

نمونه این مسأله در تاریخ اسلام وجود دارد در تاریخ اسلام گرایش‌های کلامی جبرگر، اختیار ستیز و عقل‌گریز، مبلغ تفسیر ضد علم دنیایی بودن دین بود: که با تحقیر غیر عقلانی امور دین جهانی، در واقع به از بین بردن انگیزه خلاقیت و ارتقاء فکری و علمی دست زده‌اند این گونه اندیشه‌ها و آموزه‌های ضد علم دنیایی در آثار صوفیان انعکاس بیشتری دارد. صوفیان به لحاظ محبوبیت و مشروعیت بالایی که در میان مردم داشته شده‌اند. در طول تاریخ اسلام موفق‌ترین چهره تبلیغ و ترویج آموزه‌ها و اندیشه‌های ضد علم دنیایی بوده‌اند. اگرچه نمی‌توان به هیچ‌وجه منکر جنبه‌های مثبت و دقایق درخشان تعالیم و در آثار صوفیه در قلمرو معرفت (knowledge) و گسترش علوم دینی (ادبیات، کلام، فلسفه، تفسیر و...) شد، اما در عین حال نمی‌توان نقش منفی تعالیم آنان و پیامدهای ناگوار آن را در مورد علوم جهانی نادیده گرفت.

ما واکنش و نگرش حوزه‌ها و روحانیت شیعه در سده‌های گذشته در قبال توسعه و آبادانی این جهانی، به ویژه توسعه و ارتقاء علوم غیر دینی، به لحاظ نظری و عملی، چندگانه بوده است. تعدادی در نظر و عمل به نفی کلی توسعه این جهانی و گسترش علوم غیردینی و مظاهر جدید تمدن مادی فتوا داده‌اند. تعدادی نیز به لحاظ نظری در مبادی معرفتی آن اشکال کرده‌اند، اما در مقام عمل روند توسعه مادی جامعه را، افزون بر توسعه معنوی آن، پذیرفته‌اند. باید خاطر نشان کنم

که از میان حوزویان تعداد کسانی که به لحاظ نظری و عملی موضوع توسعه و فراگیری علوم غیردینی را پذیرفته‌اند، در اقلیت قرار دارند.

«نقش حوزه‌های علمیه در زمینه‌سازی برای ارتقاء علمی کشور» لاقلاً از سه منظر قابل طرح و بررسی است.

۱) نگرش تاریخی، بر مبنای این نگرش، می‌توان با رویکرد علمی به مطالعه نقش حوزه به عنوان متغیر مستقل در ارتقاء علمی کشور به عنوان متغیر وابسته، در طول تاریخ پرداخت به عبارت رساتر نگرش تاریخی، تلاشی است برای فهم نقش حوزه‌های علمیه در ارتقاء علمی کشور در آئینه زمان.

نگرش جامعه‌شناختی (جامعه‌شناسی معرفت) از این دیدگاه می‌توان با رویکرد جامعه‌شناسی معرفت به مطالعه تأثیر و نفوذ حوزه‌ها به عنوان یک نهاد و امر اجتماعی در گزینش، گسترش و محتوای علوم پرداخت، در این مطالعه نیز به این نکته اشاره می‌شود که ارتباط بین حوزه‌ها و علوم، منحصر به علوم انسانی، به ویژه علوم فرهنگی است

۲) نگرش فلسفی (فلسفه علم) در نگرش فلسفه علم بیشتر بر مطالعه تأثیر و نفوذ حوزه‌های علمیه در مسائل متافیزیکی یا نظری علم توجه شود. در این جستار مجالی خواهیم داشت تا با این نگرش به نقش حوزه‌های علمیه در زمینه‌سازی ارتقاء علمی کشور توجه بیشتری داشته باشیم.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، حوزه‌های علمیه، ایران، ارتقاء علمی،

تحلیل جامعه‌شناختی نقش انجمن‌های علمی در فرایند سیاست گذاری آموزشی و پژوهشی کشور

حسن ملک

دکتر باقر ساروخانی

چکیده

سیاست علمی از سه جنبه سیاسی، علمی و اجتماعی برخوردار است. نگاه حاکم بر سیاست گذاری‌های علمی در قبل و بعد از انقلاب نگاهی سیاسی، تمامیت خواه و سیستمی بر اساس نقش حداکثری نهادهای قدرت بوده است. تحولات جامعه ایرانی و نیازهای علمی (آموزشی و پژوهشی) و نیز تحولات جهانی کارایی مدل‌های سنتی سیاست گذاری را کم اثر کرده است. آنچه اکنون نیاز است مشارکت نهادهای مدنی به ویژه انجمن‌های علمی در بررسی، تعیین و ارزیابی سیاست‌های علمی (آموزشی، پژوهشی، فناوری) است. نتیجه و ثمره بحث‌ها و تحلیل‌های درون انجمنی می‌تواند در سطح جامعه و در شکل دادن به بحث‌های حرفه‌ای مستقل از دیدگاه‌های رسمی و شکل دادن به حوزه عمومی در عرصه سیاست‌های علمی نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. در این طرح تحقیقاتی، تحلیل جامعه‌شناختی نقش و تاثیر انجمن‌های علمی در سیاست‌های آموزشی و پژوهشی در حوزه علوم انسانی مورد توجه قرار گرفته است و کوشش شده پرسش‌ها و مفاهیم مورد نظر از طریق گفتگو با مسئولان و فعالان انجمن‌ها، گردآوری داده‌های استنادی و میدانی و با تاکید بر روش‌های کیفی مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج تحقیق حاکی از آن است انجمن‌های علمی در حوزه علوم انسانی در ایران در زمینه‌های عمده سیاست گذاری آموزشی و پژوهشی نقش در خور اشاره‌ای ندارند و تعامل آنها با نهادهای رسمی شفاف و تعریف شده نیست. بر اساس داده‌های این تحقیق، عواملی مانند ضعف فرهنگ مدنی، شکل نگرش اجتماع علمی، بومی نشدن علوم انسانی، ناتوانی در جلب مشارکت فعال نخبگان، ضعف حوزه عمومی در کم رنگ بودن نقش انجمن‌های علمی در سیاست گذاری‌های آموزشی و پژوهشی موثر بوده است.

کلید واژه‌ها

فرایند سیاست گذاری آموزشی و پژوهشی، انجمن علمی، اجتماع علمی، جامعه شناسی سیاست گذاری علمی، کنش ارتباطی، سیستم و زیست جهان علمی، حوزه عمومی.

توجه به علوم انسانی در رسانه‌های عمومی با تاکید بر ترویج تفکر انتقادی

دکتر لیلا یزدان‌پناه

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی بخش علوم اجتماعی

چکیده:

دگرگونی‌های فراوان و شتابان ناشی از پدیده جهانی شدن در عصر حاضر، به ویژه در عرصه‌های علوم و فناوری از یک سو و تکیه بنیادین بر توسعه دانش محور، فرهنگ و صنایع فرهنگی و رواج تفکر انتقادی از دیگر سو جایگاهی ویژه به علوم انسانی و از طرف دیگر رسانه‌های عمومی بخشیده و کشورها را بر آن داشته است تا به تعریف و تعیین راهبردها و سیاست‌های نوین در این زمینه پردازند.

اگر تئوری‌های مختلف درباب کارکرد رسانه‌ها را مدنظر قرار دهیم (آینه بودن، هدایتگر بودن، برانگیزاننده بودن، دانشگاه بودن و...) و در مقابل، گرایش‌های گوناگون در نقد و انتقاد و زمینه رواج تفکر را ملاحظه کنیم. خواهیم دید که رسانه‌ها در هر صورت می‌توانند یک چارچوب ویژه داشته باشند و اصول خاص را رعایت کنند. این اصول ممکن است به آئین‌نامه یا قانون قابل تبدیل باشند یا نباشند، ولی عدم قابلیت تبدیل به شیوه‌نامه یا قاعده، نافی التزام به رعایت آنها نیست.

نکته دیگر اینکه رسانه برآیندی از نیروهای درونی و شرایط بیرونی آن است. در جامعه‌ای که اصولاً ارزشی برای رعایت اصول و تفکر انتقادی و نقد قائل نیست و از علوم مختلف مخصوصاً علوم انسانی در جهت تقویت اینگونه تفکر به نحو احسن استفاده نمی‌کند. نمی‌توان از رسانه‌ها چنین انتظاری داشت. البته قابل ذکر است توجه به رواج این گرایش در رسانه‌ها نسبت به دیگر نهادها و سازمانها، اهمیت بیشتری دارد. چرا که حرفه‌های دیگر برد محدودی دارند و اعمال آنها به افراد و صنوف دیگر و به راحتی سرایت پیدا نمی‌کند، ولی رسانه‌ها واسطه میان مردم هستند و بخش زیادی از وقت آنها را به خود اختصاص می‌دهند. رسانه‌ها عامل پیوستگی افراد در یک جامعه هستند و عملکرد آنها نه فقط بر تک تک افراد، بلکه بر روابط میان آنها نیز تأثیر می‌گذارد. رسانه‌های خبری، کتب نشر یافته، فیلمها، برنامه‌های تلویزیونی، مواد تبلیغاتی و فعالیتهای دیگر ارتباطی، بر همه ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند.

ضرورت توجه به مسئله یاد شده در رسانه‌ها این است که رسانه‌ها با ایجاد و خلق برنامه‌های مختلف و شرایط مساعد جهت ترویج انتقادی و نیز تأکید بر ویژگیها و تبعات آنها و ارائه الگوها با کمک دانشمندان علوم انسانی می‌توانند به گسترش این نوع تفکر یاری رسانند.

در چارچوب نقش تعهدآمیز رسانه‌ها و بالا بردن آگاهی اجتماعی توسط آنها «نقد» بیشترین اهمیت را پیدا می‌کند، روحیه نقد و تفکر انتقادی می‌تواند وسیله رشد و شکوفایی افراد و جامعه شود. با توجه به موضوع مطروحه و در راستای پاسخ به چگونگی رسیدن به ارائه راهکار جهت ترویج تفکر انتقادی با کمک دو بال ۱- دانش علوم انسانی ۲- امکانات رسانه‌های جمعی، در مقاله حاضر اقدامات به شرح زیر صورت می‌گیرد:

- بررسی تئوریهای مختلف و انتخاب صاحب نظران مناسب در رابطه با نقش و جایگاه علوم انسانی و وسایل ارتباط جمعی به عنوان پشتوانه نظری.

- ارزیابی نظریه‌های مطروحه و استخراج مناسب و استفاده بهینه از آنها برای طرح مسأله و تبیین چگونگی موضوع

- جمع بندی و ارائه راهکارهای علمی و عملی

واژگان کلیدی: تفکرانتقادی - تعریف، انواع رسانه‌های جمعی، کارکرد رسانه‌ها، نقش علوم انسانی، راهکارهای عملی ترویج تفکرانتقادی